



تفسیر آسان

تفسیر آسان قرآن کریم

(جزء سی ام)

اثر: مهرانگیز مطهری

آموزگار آموزش و پرورش ناحیه ۲ سنندج و
مربی احکام و قرآن خانقاه حاج سیدابراهیم دیانت (کردستانی)

سرشناسه : مطهری، مهرانگیز، ۱۳۳۵ -
 عنوان و نام : تفسیر آسان قرآن کریم (جزء سی‌ام)/ اثر مهرانگیز
 پدیدآور : مطهری.
 مشخصات نشر : سنندج: مهرانگیز مطهری، ۱۳۹۶.
 مشخصات : و، ۲۸۰ ص.
 ظاهری
 شابک : 964-06-9808-3-3:
 یادداشت : فیبا
 موضوع : تفاسیر (جزء ۲۰).
 موضوع : تفاسیر اهل سنت -- قرن ۱۴.
 رده بندی کنگره : BP/۱۰۳/۹۴/۷م
 رده بندی دیویی : ۱۸/۳۹۷
 شماره : م۸۵-۳۶۷۵۲
 کتابشناسی
 ملی

شناسنامه‌ی کتاب:

نام کتاب: تفسیر آسان قرآن کریم

(جزء سی‌ام)

نویسنده و مؤلف: مهرانگیز مطهری

طراحی جلد: ثـ آری

حروفچینی: ویان کامپیوتر ۳۳۱۶۷۴۸۰

صفحه‌آرایی: ثـ آری محمد صالح

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

نوبت و سال چاپ: نوبت دوم ۱۳۹۶

چاپخانه: معلم

﴿حق چاپ محفوظ است﴾

برای آغاز

له الحمد والشکر خدای را که مرا راه نمود تا به سهم خویش گامی در راه نشر معرفت قرآن عظیم بردارم. ستایش خدای را که در کتابی که بر زبان فرستاده‌اش نازل فرموده است خود را این گونه به بندگان می‌شناساند که ذاتی عجیب است یگانه، شریکی ندارد، یکتایی است بی‌مانند، همه به او نیازمندند کسی نیست که با او ضدیت کند یگانه است بی‌همتا قدیم است که اول ندارد ازلی است و آغاز ندارد همیشه هست و پایان ندارد ابدی است و نهایی برایش نیست همیشه دارای عظمت بوده، هست و خواهد بود او اول و آخر و ظاهر و باطن و به هر چیزی داناست.

کتابی که در دست دارید جزئی از سی جزء هدیه‌ی آسمانی قرآن است قرآنی که در شناخت راستینش برآورنده‌ی نیازها و آرمان‌های سرکوب‌شده‌ی توده‌های انسانی است و ره‌گشای آنهاست به سوی شکوفایی آنچه که از خودی‌های

تکامل آفرینشان به فراموشی سپرده شده و به سوی احیای آزادی‌ها و حقوق و ارزش‌های بشری نه فقط برای تبرک و استشفای و احترام خشک.

غرض اصلی از خواندن قرآن فهمیدن آن و مقصود اصلی از فهمیدن قرآن به کار بستن آن است، زیرا آنچه اصل و دارای اهمیت است این است که روح ما دارای صفات و خصوصیات مذکور در قرآن بشود و مفاهیم متعالی آن در شخصیت و خود انسانی ما جایگزین و متحقق شود پس دانای به قرآن بودن کافی نیست باید دارای قرآن بشویم زیرا چنانچه گفته‌اند قرآن مجید صورت عینی انسان کامل است و هر کس به همان اندازه انسان است که قرآن است بر ماست که بر این جبل متین الهی که تأمین کننده‌ی سعادت دنیا و آخرت است چنگ می‌زنیم و در فرا گرفتن معنا و در عمل بدان کوتاهی نکنیم.

قرآن مجید کتاب و هدایت و نسخه‌ی سلامت روح و وسیله‌ی تأمین سعادت دنیا و آخرت است.

این تفسیر به گونه‌ای گسترده و روان نوشته شده تا نمونه‌هایی از معارف و تعالیم قرآن را ارائه نماید بدان امید که

جلسات و کلاس‌های تعلیم قرآن خواندنی و شیوا و زودآموز
باشد.

و بدان امید که جامعه‌ی ما قرآن را عمیق‌تر بشناسد.
بیشتر عمل کند و آن گاه ارج و نقش آن را در بهسازی
خویش و تکامل جامعه دریابد.

امید است به یمن برکت این تفسیر خود و خانواده‌ام و
کسانی که مشوق من در این راه بوده‌اند در دنیا و آخرت
خرسند و رستگار باشیم.

مهرانگیز مطهری

سوره‌های قرآن مجید

حرف	کلمه	آیه	محل نزول	نام سوره	آیه
۷۹	۲۰	۷	مدینه	ناس (مردم)	۱۱۴
۷۴	۲۳	۶	مدینه	الفلق (سپیده‌دم)	۱۱۳
۴۷	۱۵	۴	مکه	الاحلاص (خالص کردن) یا توحید	۱۱۲
۷۷	۲۰	۵	مکه	تبت (بریده‌باد) یا لهب	۱۱۱
۷۷	۱۷	۳	مدینه	نصر (یاری)	۱۱۰
۹۴	۲۶	۶	مکه	الکافرون (ناسپاس)	۱۰۹
۴۲	۱۰	۳	مکه	الکوثر (چشمه‌ای در بهشت)	۱۰۸
۱۲۵	۲۵	۷	مکه	الماعون (اثاث زندگی)	۱۰۷
۷۳	۱۷	۴	مکه	قریش (طایفه قریش)	۱۰۶
۹۶	۲۰	۵	مکه	الفیل (پیل - حیوان معروف)	۱۰۵
۱۳۰	۳۰	۹	مکه	الهمزه (طعنه‌زنندگان)	۱۰۴
۶۸	۱۴	۳	مکه	العصر (روزگار)	۱۰۳
۱۲۰	۲۸	۸	مکه	النکاتر (کثرت طلبی)	۱۰۲
۱۵۲	۳۶	۱۱	مکه	القارعه (عذاب کوبنده)	۱۰۱
۱۶۳	۴۰	۱۱	مکه	العادیات (اسبان دونده)	۱۰۰
۱۴۹	۳۵	۸	مدینه	الزلزله (لرزیدن زمین)	۹۹
۳۹۹	۹۴	۸	مدینه	بینه (دلیل و برهان)	۹۸
۱۱۲	۳۰	۵	مکه	القدر (اندازه)	۹۷
۲۸۰	۹۲	۱۹	مکه	العلق (خون بسته)	۹۶

سوره شماره	نام سوره	محل نزول	آیه	کلمه	حرف
۹۵	التین (انجیر)	مکه	۸	۳۴	۱۵۰
۹۴	الانشراح (از هم باز شدن)	مکه	۸	۲۷	۱۰۳
۹۳	والضحی (برآمدن آفتاب)	مکه	۱۱	۴۰	۱۷۲
۹۲	اللیل (شب)	مکه	۲۱	۷۱	۳۱۰
۹۱	الشمس (خورشید)	مکه	۱۵	۵۴	۲۴۷
۹۰	البلد (شهر)	مکه	۲۰	۸۲	۲۲۰
۸۹	الفجر (طلوع صبح)	مکه	۲۷	۱۳۹	۵۹۷
۸۸	الغاشیه (عذاب پوشاننده)	مکه	۲۶	۹۲	۳۸۱
۸۷	الاعلی (برتر)	مکه	۱۹	۷۲	۲۹۱
۸۶	الطارق (ستاره شب‌رو)	مکه	۱۷	۶۱	۲۳۹
۸۵	البروج (برج‌ها و قصرها)	مکه	۲۲	۱۰۹	۴۶۵
۸۴	الانشقاق (شکافته شدن)	مکه	۲۵	۱۰۷	۴۳۰
۸۳	المطففین (گران‌فروشان)	مکه	۳۶	۱۶۹	۷۲۰
۸۲	الانفطار (از هم شکافتن)	مکه	۱۹	۸۰	۳۲۷
۸۱	التکویر (در هم پیچیدن)	مکه	۲۷	۱۰۴	۵۳۰
۸۰	عبس (چهره در هم کردن)	مکه	۴۲	۱۳۰	۵۳۳
۷۹	النازعات (از جاکنندگان)	مکه	۴۶	۱۹۷	۷۵۳
۷۸	عم (خبیر)	مکه	۴۰	۱۷۳	۹۷۰

فهرست مطالب

- سورة ناس ۱
- تفسیر سورة الناس ۱
- سورة فلق ۶
- سورة اخلاص (توحيد) ۱۰
- سورة مَسَد (لَهَب) ۱۳
- سورة نصر ۱۷
- سورة كافرون ۲۰
- سورة كوثر ۲۳
- سورة ماعون ۲۶
- سورة قريش ۳۰
- سورة فيل ۳۲
- سورة هُمَزَه ۳۶
- سورة عصر ۴۳
- سورة تكاثر ۴۶
- سورة قارعه ۵۰
- سورة عاديَات ۵۵
- سورة زلزال ۶۱
- سورة بَيِّنَه ۶۶
- سورة قدر ۷۳

۷۸.....	سوره علق
۸۴.....	سوره تین
۸۸.....	سوره انشراح
۹۳.....	سوره ضحی
۹۹.....	سوره لیل
۱۰۷.....	سوره شمس
۱۱۳.....	سوره بلد
۱۲۱.....	سوره فجر
۱۳۵.....	سوره غاشیه
۱۴۶.....	سوره اعلی
۱۵۹.....	سوره طارق
۱۶۶.....	سوره بروج
۱۷۵.....	سوره انشقاق
۱۸۲.....	سوره مطففین
۱۹۵.....	سوره انفطار
۱۹۹.....	سوره تکویر
۲۱۱.....	سوره عبس
۲۲۳.....	سوره نازعات
۲۴۲.....	سوره نبأ
۲۶۵.....	ترتیب ۱۱۴ سوره‌ی قرآن به طریق منظوم

سوره ناس

﴿در مدینه‌ی طیبه نازل شده و مشتمل بر شش آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾

تفسیر سوره الناس

به نام خداوند بخشنده مهربان

این سوره مدنی است زیرا پیغمبر ﷺ در مدینه با یهودیان سرو کار و کشمکش پیدا کرده است و هرکس قضیه‌ی جادو کردن پیغمبر را باز گفته جادوگر را لیب‌دین اعصم یهودی یا دخترانش دانسته است این سوره به لحاظ ترتیب قرآن آخرین سوره است ولی نزول آن نه به عنوان اولین سوره و یا به عنوان آخرین سوره نمی‌باشد فقط به این دلیل که در آخر

تفسیر آسان قرآن کریم

آورده شده (در ردیف آخر) که وقتی انسان تمام علوم قرآن را فرا گرفت لازم است که از شرّ شیطان پناه به خدا ببرد ظاهراً در ردیف، این سوره ۱۱۴ است پس بقیه سوره‌ها را آموخته و از این جهت که علم کامل به تمام سوره‌های قرآن دارد و همه‌ی دانستنی‌های دینی را دانست باید خود را از شرّ شیطان در پناه خدا قرار دهد و توفیق عمل از خدا بخواهد.

در سوره‌ی ناس سه نام از نام‌های پروردگار آورده شده است.

۱- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ،

۲- مَلِكِ النَّاسِ،

۳- إِلَهِ النَّاسِ

در این سوره سه نام از نام‌های پروردگار آورده شده:

اول رب:

یعنی کسی که جهان آفرینش ملک و مال او و حیوان و انسان و جن و ملک، مملوک و بنده‌ی اویند.

دوم ملک:

یعنی پادشاه وجود که نظام کائنات به قدرت قاهره‌اش برقرار است.

سوم اِله:

یعنی ذات مقدسی که خردها در شناختن او حیران است و تنها او سزاوار پرستش است.

۴- مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ:

وسواس:

به معنی وسوسه کننده است در کتاب تفسیر و لغت آن را اسم شیطان دانسته اند اصل وسوسه این است که شیطان اندیشه‌ی بد یا بیسواد و بی‌خبری را در دل کسی پدید می‌آورد.

خناس:

دو معنی دارد: ۱- بسیار پنهان ۲- بسیار باز پس رونده.

از حضرت محمد ﷺ نقل شده است که هرگاه بنده‌ای غافل بود شیطان به وسوسه‌اش می‌پردازد و به محض آن که خدا را یاد کرد عقب می‌کشد، خداوند در این سوره نیز می‌فهماند که پیروزی شیطان در وسوسه و گمراه ساختن بشر ناشی از ضعف تصمیم و سستی ایمان است و گرنه دفع آن بسیار ساده است.

۵- الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ:

یعنی آن خناس که وسوسه می‌کند در سینه‌های مردم، سینه

تفسیر آسان قرآن کریم

جایگاه دل است دل به معنی آن دل گوشتی نیست بلکه به معنی روح و جان و نفس اوست که هم عاطفه و عشق و هم اندیشه و فکر را می‌توان به آن نسبت داد.

۶- مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ:

یعنی آن وسواس خناس که وسوسه می‌کند بیان است (از پری و آدمی) یا از جنس پری و آدمی است پس همان طور که قرآن می‌فرماید: «شیطان الجن والانس» ممکن است شیطانی از جن به وسوسه پردازد و یا ممکن است از جنس بشر شیاطینی افکار و اندیشه‌های پلید به انسان القاء کند و به فساد و گناهش بکشاند لفظ جن در لغت یعنی موجود پنهان و غیر مرئی.

پس هر مسلمانی به حکم قرآن باید به این موجودات معتقد باشد.

اول: ملائکه موجودات شریف و سودمند و خیرخواه و خداپرست.

دوم: شیاطین وجودهای مضر و مفسد.

سوم: جن موجوداتی که مانند بشر خوب و بد و کافر و مؤمن، مضر و نافع، خیرخواه و موذی دارند.

تفسیر آسان قرآن کریم

پس هر مسلمانی به حکم قرآن به این موجودات معتقد است و آنها را با همان اوصافی که در قرآن وصف شده باور دارد. فایده‌ی این اعتقاد این است که انسان اندیشه‌ها و افکارش را پیش از به کار بستن و اجرا به دقت رسیدگی می‌کند و به تحقیق می‌پردازد و همه جوانب را می‌سنجد تا بر او ثابت شود که خیر است یا شر. له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الناس» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر که این دو سوره (معوذتین) را بخواند گویا کُتبی را که خدای تعالی نازل فرموده همه را خوانده است.

سوره فلق

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر پنج آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا

وَقَبَّ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا

حَسَدَ ﴿٥﴾

تفسیر سوره الفلق

به نام خداوند بخشنده مهربان

خدای تعالی در این سوره مبارکه به رسول اکرم ﷺ امر می کند که از شرّ اشرار تمام مخلوقات و بعضی شرهای مخصوص به خدای متعال پناه ببرد، لیکن حقیقتاً مراد و مقصود خدای تعالی تعلیم و توصیه به مردمان است که از شرّ تمام مخلوقات به خدا پناه ببرند.

در این سوره و سوره‌ی بعد می فرماید از همه‌ی بدی‌ها و شرور

تفسیر آسان قرآن کریم

فقط به همان خدای یکتا باید پناه برد که پروردگار همه چیز و همه کس و پادشاه و معبود مردمان نیز هم اوست و تنها اوست که می‌تواند از هر شر و شریری جلوگیری کند و از هر زیان جسمی و روحی حفظ و صیانت فرماید.

مفسران در شأن نزول این دو سوره می‌فرمایند: لیبید بن اعصم یهودی یا دخترانش پیغمبر ﷺ را جادو کرده بودند آن‌ها به رشته‌ای یازده گره زده بودند و در چاهی پنهان کردند پیغمبر ﷺ بر اثر این جادو بیمار و پریشان حال شد تا روزی به وسیله‌ی فرشتگان از قضیه آگاه گردید و فرستاد رشته را بعد از جستجوی بسیار پیدا کرده، آوردند و این دو سوره که مجموعاً -بدون بسم‌الله- یازده آیه است (سوره فلق و ناس) نازل شد و پیغمبر ﷺ به دستور جبرئیل آیات آن‌ها را بر آن رشته فرو خواند و با هر آیه یک گره گشوده می‌گشت تا آخرین آیه که آخرین گره گشوده شد که رسول اکرم ﷺ بهبودی یافت و رنج و پریشانی‌اش برطرف شد.

۱- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

۲- مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

فلق:

در لغت به معنی شکافتن است بر سپیده دم گفته می شود که هنگام طلوع صبح چنین به نظر می رسد که ستون نور چادر قیرگونه شب را می شکافد و سر برمی زند از پروردگار صبح می طلبد تا او را از ظلمات شرور به نور رستگاری رساند و در پناه خویش گیرد.

۳- وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

بگو از ظلمات شب زمانی که عالم را فرا گیرد به خدای تعالی پناه می برم چون اکثر شرارت ها در شب و تاریکی انجام می شود.

۴- وَمِنْ شَرِّ النَّفَّثَاتِ فِي الْعُقَدِ

و از شر نفوسی که فالگیری کرده و به گره ها دم می زنند و مردم را می فریبند به خدای تعالی پناه می برم.

۵- وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

و از حسادت شخص حسود وقتی که حسادت خود را اظهار می کند و به مقتضای آن عمل نموده به خدای تعالی پناه می برم در حقیقت بدترین و خبیث ترین صفت حسد است یعنی خواستن زوال نعمتی که در مردم است و به آنها به نظر بد نگریستن.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه « فلق » تمام شد.

تفسیر آسان قرآن کریم

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هرکس این دو سوره ناس و فلق (معوذتین) را بخواند گویا تمام کتاب‌هایی را که خداوند نازل نموده همه را خوانده است.

سوره اخلاص (توحید)

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر چهار آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

تفسیر سوره اخلاص

به نام خداوند بخشنده مهربان

جماعتی از قریش به پیغمبر ﷺ گفتند: وصف کن خدایی را که ما را به پرستش او دعوت می کنی. و در جایی دیگر از تفسیر آورده گروهی از یهود گفتند: یا ابوالقاسم وصف خدایت را تا به تو ایمان آوریم بگو چه چیز است؟ چه می خورد؟ و چه می آشامد؟ و از که میراث گرفته؟ و میراث او را که خواهد گرفت؟ این سوره نازل شد.

۱- قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ:

قُلْ بگو ای محمد ﷺ آن کسی که از وی می پرسید (هو الله)

تفسیر آسان قرآن کریم

اوست خدای تعالی (أحد) یگانه و متوجه به ذات.

۲- اللَّهُ الصَّمَدُ:

خدایی بی نیاز است از همه، و اوست پناه نیازمندان نخورد و نیاشامد و پاینده است که هرگز فانی و نیست نشود.

۳- لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ:

نژاد کس را (رَدَّ يَهُود که گفتند عزیز پسر اوست) و زاده نشد از کسی (رَدَّ نَصَارَى که گویند عیسی پسر مریم خداست).

۴- وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ:

نیست و نبوده و نخواهد بود همتا و همانند او و نه هیچ کس مثل و مانند و همتای اوست.

در فضیلت سوره مبارکه (قل هو الله احد) و برابری او با ثلثی از قرآن و احادیث زیاد از رسول خدا ﷺ نقل شده این فضیلت از آن است که شامل توحید و صفات خدای تعالی است. چون سوره مبارکه سراسر توحید و صفات کمالات است با ثلث قرآن برابر شده است اگرچه سوره‌های دیگر شامل توحید و صفات و کمالات است لیکن مندرجات این سوره مبارکه تماماً توحید و صفات حسنه است

تفسیر آسان قرآن کریم

و نسبت به سایر سوره‌ها یک نوع تفوق و علو درجه‌ی معنوی کسب نموده است.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «اخلاص» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره اخلاص را بخواند جنت بر او واجب می‌شود.

سوره مَسَد (لَهَب)

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر پنج آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾

سَيَصَلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَأُمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾

تفسیر سوره المسد

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ:

دو دست ابولهب که با آن‌ها به تو سنگ می‌زد بریده باد (اما ابولهب خیر ندارد که به سبب عناد با تو و انکار حق هلاک گشته به عذاب ابدی ما دچار خواهد شد با اذیت کردن تو اجر و ثواب تو و خسارت و عذاب او زیاد می‌شود ابولهب به رسول خدا سنگ

تفسیر آسان قرآن کریم

انداخته پای آن حضرت را زخمی نمود و زنش نیز شب‌ها به در منزل و معبر رسول الله ﷺ خار و خاشاک می‌ریخت در این خصوص این سوره مبارکه نازل شد گرفتاری ابدی آن‌ها و معذب شدنشان را اثبات فرمود).

۲- مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ:

یا محمد ﷺ ثروت و مال ابولهب و اعمال شر و خبیثی که کسب کرده است به او هیچ فایده نمی‌رساند (در دنیا و آخرت گرفتار عذاب شده نجات پیدا نخواهد کرد اما در دنیا زخم عدسه که معروف و قسمتی از طاعون بوده و اعراب از آن بمانند طاعون اجتناب می‌کردند بر او مسلط شده بعد از غزوه بدر در مکه جثه‌ی خبیث او سه روز مانده متعفن گردید از خوف سرایت مرض حتی پسرانش به او نزدیک نشدند. آخر الامر مردم طنابی را به پایش بستند و او را کشیده به کناری انداختند. عابری از بس روی آن سنگ انداختند اکنون تلی درست شده و در آخرت نیز به عذاب خداوند گرفتار است).

۳- سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ:

ابولهب در آخرت به آتشی شعله‌ور شدید داخل شده معذب

خواهد ماند.

۴- وَأَمْرَاتُهُ رَحْمَالَةٌ أَلْحَطَبِ:

و زن او (أم جمیل) هیزم کشی است (هم همراه او به همان منزل داخل شده معذب خواهد شد. همان زنی که شغل او کشیدن خار و خاشاک و اذیت به رسول خدا ﷺ بود.)

۵- فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ:

در گردن او ریسمانی از لیف خرما است (او با طناب محکم خار کشیده و به راه و گذر رسول خدا ﷺ می ریخت تا شب هنگام موقع خروج از منزل پاهای او زخمی شود چند مرتبه اتفاق افتاد که قدوم مبارک رسول خدا ﷺ از همان خارها زخمی شد) همان طناب در روز قیامت داخل همان آتش زنجیر آتشی شده دور گردن او خواهد بود. از اینجا معلوم می شود که رسول خدا ﷺ در مکه تا چه حد اذیت کشیده اند در جایی که از عمو و زن و فرزندان او این قسم اذیت ببینند خدا می داند که از سایرین چقدر به او اذیت رسیده است.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «المسد» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کسی سوره المسد را قرائت کند امیدوار می‌شوم
که خداوند او را با ابولهب در یک مقام جمع نکند.

سوره نصر

﴿در مدینه طیبه نازل شده و مشتمل بر سه آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي

دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ

كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

تفسیر سوره النَّصْر

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ:

چون خداوند تو را یاری کند و تو را ظفر دهد و پیروز کند بر
اهل قریش و به تو توفیق فتح مکه را عنایت کند و حرم خود را از
شرک پاک گرداند.

۲- وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا:

(تا آن زمان مردم تکتک وارد اسلام می شدند) و تو می بینی مردمان را که گروه گروه و دسته دسته به دین خدا که اسلام است وارد می شوند در سال نزول این سوره تمام قبائل قریش از اطراف و جوانب به خدمت آن حضرت ﷺ آمده و به شرف اسلام مشرف شدند.

۳- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا:

پس به پاکی پروردگارت را یاد کن و او را بستای و بگوی سبحان الله و بحمده از حضرت عایشه نقل است که بعد از نزول این سوره در تمام اوقات نماز پیغمبر ﷺ همواره گفتی: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ أَغْفِرْ لِي (به پاکی پروردگارت را بستای و از او آمرزش بخواه و برای گناهان و تقصیر اُمت) که همانا خداوند توبه پذیر است. اکثر علما برآنند که نزول این سوره قبل از فتح مکه بود و در این سوره خبر وفات حضرت رسول اکرم ﷺ است. چون خداوند به استغفار امر می کند. وقتی که نازل شد، پیغمبر ﷺ عموی خود عباس رضی الله عنه را خواند. عباس بگریست. پیغمبر فرمود: چرا گریه می کنی؟ او گفت: که خبر رفتن تو را دادند. حضرت ﷺ فرمود: بله درست است. و حضرت فاطمه دخترش را خواند و گفت: ای

تفسیر آسان قرآن کریم

فاطمه خبر وفات من دادند، نامه رسید از آن جهان که مراجعت کنم، من عزم رجوع می‌نمایم و به عرش می‌روم. فاطمه بگریست آن حضرت علیه السلام فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ تو اولین کسی باشی از اهل بهشت که به من رسی. پس حضرت فاطمه باز بخندید.

تفسیر سوره‌ی «نصر» تمام شد حمد خدایی را.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر که سوره نصر را بخواند به قدر ثواب اشخاصی که در فتح مکه با رسول خدا بودند به او ثواب داده می‌شود.

سوره کافرون

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر شش آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَتَأْتِيهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

تفسیر سوره کافرون

به نام خداوند بخشنده مهربان

در مکه از جماعت قریش امید داخل شدن به دین اسلام قطع شده بود جماعتی از ایشان به رسول خدا ﷺ گفتند: (یا محمد) تو تابع دین ما باش تا ما هم تابع دین تو شویم. یک سال تو معبودهای ما را عبادت کن تا یک سال هم ما تنها معبود تو را عبادت کنیم. آن جناب فرمودند: (معاذالله) که من به خدای تعالی غیر او را شریک قرار دهم این امر ممکن نیست. گفتند: پس لامحاله به بعضی

تفسیر آسان قرآن کریم

بت‌های ما استلام کرده دست به مال و به صورت خود بکش. رسول خدا ﷺ از این امر هم ابا فرموده به منزل خود رفت. آن وقت این سوره مبارکه از رب‌العرش نازل شد. فردا آن حضرت به مسجدالحرام رفته در موقع حاضر شدن همان جماعت سوره مبارکه را قرائت نموده:

۱- قُلْ يَتَأْتِيهَا الْكُفْرُونَ:

(ای رسول ما) بگو که ای کافران مشرک

۲- لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ:

من آن بتان را که شما به خدایی می‌پرستید هرگز نمی‌پرستم

۳- وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ:

و شما هم آن خدای یکتایی که من پرستش می‌کنم پرستش

نمی‌کنید.

۴- وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ:

نه من هرگز خدایان باطل شما را عبادت خواهم کرد.

۵- وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ:

و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد.

۶- لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ:

پس دین شما برای شما باشد (دین شرک و جهل) و دین من برای من تا روزی که به امر حق شما را از شرک برگردانم و به سوی خدای یگانه هدایت نمایم.

و به اتمام رسانید آن وقت بود که جماعت قریش از بازگشت رسول الله ﷺ به کلی مأیوس شدند و بنای اذیت و آزار به رسول الله ﷺ و اصحابش گذاشتند.

رسول خدا ﷺ در مقابل مشرکین این چنین تکلم کرده و از آن‌ها اعراض و دوری نموده در دعوت خود مستقیم ایستاده به هر قسم و اذیت و آزار آن‌ها مقاومت کرده خود و اصحاب کبارش مانند سدی فولادین پایداری کردند و از زندگی خود گذشتند. له الحمد تفسیر سوره مبارکه « کافرون » تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر که سوره کافرون را بخواند گویا ربع قرآن را خوانده شیطان‌ها از او دور می‌شوند و از شرک مبرا می‌شود و از خوف روز قیامت در امان است.

سوره کوثر

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر سه آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَخَّرَ ﴿٢﴾

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

تفسیر سوره کوثر

به نام خداوند بخشنده مهربان

شأن نزول: آنچه که مفسرین معتقدند و در آن متفق هستند این است که بعضی از کفار به حضرت رسول ﷺ گفتند ابتر و این سوره مبارکه در پاسخ آن‌ها بر آن بزرگوار نازل شد تا هم آن سرور را از توهینی که در غیابش نموده بودند باخبر سازد و هم بر آن‌ها ثابت نماید که آن وجود مقدس مرتبط با معدن علم الهی است و بر او وحی می‌شود و هم حضرتش را دلداری دهد و به عطای کوثر کرامتش بخشد و از دشمنان او انتقام کشد.

۱- إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ:

یا محمد ﷺ در حقیقت ما به تو در دنیا و آخرت خیر کثیر عطا کردیم در دنیا مرتبه نبوت دادیم و تو را به مشرکین و معاندین غالب ساختیم و دین مبین اسلام را در کره ارض منتشر نمودیم در آخرت نیز مقام شفاعت را به تو عطا کردیم.

۲- فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ:

یا محمد ﷺ پس به شکرانه خیر کثیر پروردگارت را عبادت کن و مانند نحر کردن شتر (نفس اماره را نحر کرده از خواهش نفس درگذر به امر و نهی خدای تعالی اطاعت کن). نحر یعنی برجسته‌ترین تکلیف اجتماعی و مالی.

نحر:

یعنی بریدن گلو، قربانی کردن

یوم النحر:

یعنی روز دهم ذیحجه.

۳- إِنْ شَانِعَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ:

در حقیقت (یا محمد ﷺ) دشمنان و مخالفین تو بعد از مرگ

تفسیر آسان قرآن کریم

نامشان گم و ذکرشان قطع شده از خاطرها فراموش می‌شوند لیکن نام تو بلند شده در تمام منابر و مساجد و بین عموم نوع بشر ابدالدهر ذکر خواهی شد.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «کوثر» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره کوثر را بخواند خدای تعالی از انهار جنت به او می‌نوشاند.

سوره ماعون

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر هفت آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرْءَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ
الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا تَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ
لِّلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ
يُرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

تفسیر سوره‌ی ماعون

به نام خداوند بخشنده مهربان

در سوره قریش که پیش از این سوره است خداوند الطاف و نعم خود را نسبت به قریش در آن سوره یاد کرده که آنان را از گرسنگی رهانیده اطعام فرمود و از بیم و هراس ایمنیشان ساخت و به آن‌ها امر فرمود که به عبادت پروردگار پردازید این سوره

تفسیر آسان قرآن کریم

درباره‌ی افرادی از آن‌ها نازل شده ضمن مذمت نکوهش می‌فرماید که آنان می‌بایستی به شکرانه‌ی رهایی از گرسنگی بینویان را اطعام می‌کردند و به شکرانه‌ی ایمنی از خوف یتیمان را پناه می‌دادند ولی ابدأ کوشش در اطعام مسکین نمودند و یتیمان را به شدت از خود راندند و به جای سپاسگزاری از نعمت‌های الهی و پرستش ذات مقدسش دینش را دروغ شمردند و نمازشان را برای چشم خلق نه برای رضای خدا خواندند.

۱- أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ:

ای محمد ﷺ آیا آن کسی را که روز جزا و حساب را تکذیب کرده و منکر گردیده دیده و می‌شناسی؟ اگر نمی‌شناسی من علامت‌های او را به تو می‌گویم تا در هر کس آن علامت‌ها را دیدی بدانی که آن شخص منکر روز قیامت است علامت آن این است:

۲- فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ:

یدُعُّ: یعنی به سختی می‌راند. این همان کسی است که یتیم را به سختی می‌راند و حق او را مراعات نمی‌کند.

۳- وَلَا تَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ:

و حاضر نیست که از طعام خود به فقرا بدهد و مردم را نیز وادار می‌کند که به فقرا و بیچارگان کمک نکنند.

مفسران برآنند که نیمه اول این سوره در شأن کافران است و نصف بقیه درباره‌ی منافقان.

می‌گویند ابو جهل ملعون قیامت را تکذیب می‌کرد و او با زور یتیم را می‌راند و از مال خود انفاق نمی‌کرد و مردم را هم از انفاق باز می‌داشت.

۴- فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ

۵- الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

۶- الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ

یعنی سختی عذاب برای نمازگزاران ریایی (آنها که ریا می‌کنند) یعنی ابن‌ابی و دوستان او آن نمازگزاران که فقط در انظار مردم نماز می‌گزارند و قلبشان از یاد خدا غافل است نمازشان چون کلید دوزخ است برای آنها.

۷- وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

و باز می‌دارند مال زکات را و به مستحق نمی‌دهند و ماعون

تفسیر آسان قرآن کریم

یعنی متاع خانه مانند دیگ و کاسه و تبر و بیل و غیره یعنی این‌ها حاضر نیستند و سایل خانه خود را به همسایه قرض بدهند. له الحمد تفسیر سوره مبارکه «ماعون» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که سوره ماعون را بخواند اگر زکات دهنده باشد خداوند گناهایش را می‌بخشد.

سوره قریش

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر چهار آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ ۝١ إِذْ لَفِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۝٢
فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۝٣ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ
وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۝٤

تفسیر سوره قریش

به نام خداوند بخشنده مهربان

در تفسیر آمده است که مردم قریش دو سفر برای تجارت داشتند یکی سفر زمستانی به یمن می رفتند و دیگر سفر تابستانی که به شام می رفتند و مردم آن‌ها را اهل حرم می دانستند و حرمت زیاد به آن‌ها می گذاشتند. خداوند برای اثبات نعمت برایشان این سوره را نازل فرمود:

۱- لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ:

برای آن که اهل قریش الفت گیرند و به هم بپویدندند.

۲- إِذْ لَفَّهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ:

پیوستن در سفرهای زمستانی و تابستانی پیوستنی که باقی و پایدار بماند و برای عبادت.

۳- فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ

پس باید خدای یگانه را پرستند چون.

۴- الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

آن خداوند ایشان را طعام داد و از گرسنگی رهانید و ایشان را امنیت بخشید از خوف و ترس که از مردم غارتگر اطراف مکه داشتند چون آن‌ها یکدیگر را می‌کشتند و غارت می‌کردند.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «قریش» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره قریش را قرائت نماید خداوند بر او ده حسنه عطا می‌فرماید یعنی دو برابر آیات سوره حسنه به او عطا می‌شود.

سوره فیل

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر پنج آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي
تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ
سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾

تفسیر سوره فیل

به نام خداوند بخشنده مهربان

در تفسیر آمد که ابرهه صبح که قبل از نجاشی والی یمن بود در موسم حج دید که مردمان از اطراف و جوانب متوجه مکه می‌شوند و معلوم کرد که مقصد ایشان زیارت خانه کعبه است. تصمیم گرفت که خانه‌ای در مقابل آن خانه بسازد و وجوه حجاج را بدان منصرف گرداند، پس در صنعا از رخام ملون کلیسایی ساخت به نام قلیس و در و دیوار آن را به زر

تفسیر آسان قرآن کریم

و جواهر مرصع و مزین گردانید و طوائف خلق را در ولایت یمن به طواف آن تکلیف نمود و این صورت اگرچه بر قریش سخت بود اما جز شکیبایی چاره‌ای نداشتند. یکی از مردم بنی‌کنانه به خدمت آن خانه که ابرهه ساخته بود مشغول شد شبی آن خانه را به نجاست آلوده کرد و فرار نمود. این خبر در همه جا منتشر شد و مردم از طواف آن خانه متنفر شدند. ابرهه از این حال عصبانی شد و لشکری جمع‌آوری کرد و پیلان قوی‌پیکر مهیب‌منظر به قصد تخریب حرم محترم متوجه مکه معظمه شد و پیل محمود را که از نظر جثه به اندازه‌ی کوهی بود با خود برد و به حوالی مکه معظمه آمد و اطراف مکه همه را غارت کرد و مردم به کوه‌ها متواری شدند.

صبح زود ابرهه پیل‌ها را به طرف مکه هدایت کرد، ولی پیل محمود سر بر گرداند و هر چه تلاش کردند نتوانستند او را به طرف مکه ببرند و پیلان دیگر چشم به او داشتند و جلو نمی‌رفتند. مردم قریش از بالای کوه‌ها به آن‌ها چشم دوخته و در تعجب که این چه حال است ناگهان جوق جوق مرغانی سیاه با گردن‌های سبز پدید آمد و به آن لشکر حمله آورده آن‌ها را سنگ‌باران کردند.

قال الله تعالى:

۱- أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ:

آیا ندانستی که پروردگار تو با خداوند آن پیل یعنی ابرهه و لشکر او چه کرد؟

۲- أَلَمْ تَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ:

و مکر و حيله‌ای که برای خرابی کعبه اندیشیده بودند تباه نکرد؟

۳- وَأَرْسَلْ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ:

مرغانی گروه‌گروه که منقارهای آنها مثل منقار مرغ و پنجه‌های آنها مثل پنجه‌های سگ و سرهای آنها چون سر سبع (عدد ۷) و گویند مرغان سبز بودند با منقارهای زرد.

۴- تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ:

یعنی و آن لشکر را با سنگ‌های سجیل سنگی که از گل ساخته بودند.

۵- فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ:

پس به فرمان خدا آن سنگ‌ها آنها را مانند برگ کاه خورد شده نمود. آورده‌اند که هر مرغی سه سنگ داشت یکی در منقار و دو

تفسیر آسان قرآن کریم

عدد در پنجه‌ها و بر هر عضوی از بدن فرود می‌آمد از سمت دیگر خارج می‌شد و او را نابود می‌کرد بر هر سنگی نام یکی از آن سنگدلان نوشته بود. ابرهه تنها پا به فرار گذاشت و به حریم نجاشی رفت و از مکه تا حبشه مرغی که آن سنگ که به نام ابرهه بر منقار داشت و بر هلاک او مقرر بود ملازم وحی بود و او را تعقیب کرد تا داخل حرم نجاشی بالای سر ابرهه می‌چرخید چون ابرهه جریان را برای نجاشی تعریف کرد او با تعجب پرسید که چگونه مرغانی بودند که این همه مبارز را هلاک کردند در این حال نظر بر آن مرغ افتاد و گفت مالک یکی از مرغان اینست. همان لحظه آن مرغ سنگی که داشت به نام ابرهه بر سرش افکند و او در نظر نجاشی هلاک شد و این چون عبرتی بر دل نجاشی نشست.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «فیل» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی فیل را بخواند خدای تعالی او را از غرق شدن به زمین به وسیله زلزله محافظت می‌فرماید.

سوره همزه

﴿در مکه‌ی معظه نازل شده و مشتمل بر نه آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾

تَحَسَّبُ أَنْ مَالَهُ رَاحِلَةٌ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقِدَةُ ﴿٦﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى

الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٨﴾ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

تفسیر سوره همزه

به نام خداوند بخشنده مهربان

آورده‌اند که اخنس بن شریق عیب رسول الله ﷺ می‌گفت در حضور ولید مغیره که حق تعالی این آیه را فرستاد.

۱- وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ:

وای بر عیب‌جوی طعنه‌زن یا مسخره‌کننده.

ویل:

لفظی است که در مقام نکوهش و نفرین و ابراز خشم به کار می‌رود.

همزه و لمزه:

معنی این دو لفظ هر کس که عیب‌جویی و بدگویی از مردم نموده و دیگران را مسخره کند و بر آن‌ها طعنه زند خواه در غیاب و یا در حضور روبه‌رو.

پیغمبر ﷺ می‌فرماید: آیا می‌خواهید که شما را آگاهی دهم به نیکان و نیکوتران؟ عرض کردند: آری یا رسول الله ﷺ. فرمود: کسانی که هرگاه آن‌ها را ببینید به یاد خدا بیفتید. پس از آن فرمود: شما را به بدترین مردم خبر دهم؟ عرض کردند: آری یا رسول الله ﷺ. فرمود: کسی که به منظور خبرکشی و خیرچینی می‌کوشد و می‌دود تا میان دوستان جدایی اندازد و در جستجوی عیب بی‌گناهان است.

بعضی از مفسران گویند: همزه یعنی آن که روبه‌رو بدگویی کند و لمزه آن که در غیاب و یا همزه آن که با صدای بلند و آشکار غیبت کند و لمزه در پنهانی و با اشاره به ابرو و چشم و غیره. اصل لمزه طعنه زدن است پس هر

تفسیر آسان قرآن کریم

کس آبرو و حیثیت مردم را از میان ببرد و شخصیت آنان را در انظار بشکند همزه است و نیز هر کس بر مردم طعنه زند و آن‌ها را مسخره کند لمزه.

۲- **الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ:**

آن کسی جمع کرد مال را و در هر فرصت به شمارش آن پرداخت.

۳- **تَحَسَّبُ أَنْ مَالَهُ أَخْلَدَهُ:**

می‌پندارد که مالش او را در دنیا جاودان خواهد کرد و مرگ هیچ گاه به سراغش نمی‌آید و یک نکته‌ی لطیف از این آیه فهمیده می‌شود و آن این است که پروردگار به این مردم دنیاپرست می‌خواهد بگوید آنچه آدمی را جاوید می‌سازد علم و ایمان و عمل صالح است کسانی که کارشان مال‌اندوزی و تمام فکر و کارشان جمع مال و پول است وقتی کسانی را می‌بینند که در امور معنوی و دینی کار می‌کنند و در راهی که نفع مادی ندارد بلکه با اوقات مستلزم ضرر مالی نیز هست گامی‌زنند آن‌ها را مسخره کرده و مورد طعن و ملامت می‌سازند و چنین رفتاری را بر آن‌ها عیب

می گیرند.

۴- كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ:

نه چنان است البته به خواری در حطمه (آن آتش شکننده)
انداخته می شود.

حطمه:

نام قسمتی از دوزخ است که هر چه در آن انداخته شود
بلافاصله شکسته شده می سوزد.

۵- وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ:

و تو چه دانی که حطمه چیست و آن کوبنده کدام است.
یعنی حطمه بسیار عظیم و مهم است به حدی که عقل بشر
به شناختنش راه ندارد.

۶- نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ:

آتش برافروخته خداوند است و هر چه خداوند تعالی
برافروزد دیگری نتواند فرو نشاند و آتشی که خدا برافروزد با
آتشی که شما دیده‌اید از چوب و زغال و نفت و غیره بسیار
فرق دارد و بسیار سوزاننده‌تر و وحشتناک است.

۷- اَلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْاَفْئِدَةِ:

آن آتش خدایی که سر کشد بر دل‌ها یعنی آتش دوزخ هم‌چنان که گفتیم تفاوت بسیار با آتش دنیایی دارد که از جمله شکنندگی آن است. آتش معمولی می‌سوزد ولی آن آتش علاوه بر این که می‌سوزاند، در هم می‌کوبد و می‌شکند. دیگر آن که آتش‌های این جهان اول پوست بعد گوشت، بعد استخوان را می‌سوزاند، ولی آتش دوزخ، اول قلب را فرا می‌گیرد، با آن که از مخفی‌ترین اعضا و جوارح است و ممکن است نام بردن از دل‌ها به این جهت باشد که قلب لطیف‌ترین و حساس‌ترین و موثرترین اندام و اعضا بدن است با اندک آسیبی ناراحت می‌شود و ناراحتی آن هم بیشتر دردآور و سخت است و هم دیگر اعضا را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس مقصود شدت عذاب دوزخیان است یا به این جهت که قلب جایگاه عقاید باطل و فاسد و مرکز نیات پلید و زشت و منشأ اعمال ناروا قبیح دوزخی است پس آنچه باعث بدبختی او شده در حقیقت مقدم بر همه اعضایش قلب وی بوده و در جای دیگر آمده که معنی این

تفسیر آسان قرآن کریم

آیه آن است که آتش دوزخ از باطن به ظاهر می‌رسد
برخلاف آتش‌های دنیا که از ظاهر به باطن می‌رسد.

۸- **إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ:**

به یقین آن آتش شعله‌ور از هر طرف آن‌ها را فرا گرفته
درها بر روی آن‌ها بسته شده و جلو درها ستون‌ها کشیده
شده.

۹- **فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ:**

به ستون‌های دراز در آن قسمت جهنم بر بسته‌اند و محکم
ساخته که هر کس نتواند گشاد. صاحب کشف‌الاسرار گوید
که آتشی که به دل راه یابد آتشی عجیب است حسین
منصور (قدس سره) فرموده که: هفتاد سال آتش. (نارالله الموقده)
در باطن ما زدند تا تمام سوخته شد.

ای شمع بیا تا من و تو راز بگوئیم

که احوال دل سوخته هم سوخته داند

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الهمزه» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره الهمزه را قرائت کند، خداوند به اندازه‌ی تعداد آیات آن (۱۰ آیه) ده حسنه به او عطا می‌فرماید.

سوره عصر

﴿در مکه‌ی معظه نازل شده و مشتمل بر سه آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

تفسیر سوره العصر

به نام خداوند بخشنده مهربان

آورده‌اند که شخصی به نام ابوالاشدین به ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: ای ابابکر رضی الله عنه زیان کردی که دین پدران را بگذاشتی و از عبادت بتان دست بازداشتی. جواب داد: زیان‌کار نباشد آن که سخن خدا و رسول شنود و عمل خیر به جای آرد، بلکه زیان‌کار آن است که بت پرستد و متابعت شیطان کند. حق تعالی به خاطر حمایت از سخن ابوبکر رضی الله عنه این سوره را فرستاد که:

۱- وَالْعَصْرِ

۲- إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكْفُورٌ

سوگند به روزگار با به نماز یا به عصر هر پیغمبری یا به عصر تو ای محمد ﷺ که فاضل‌ترین همه عصرهاست که ابوالاشدین یا ابوجهل یا همه‌ی آدمیان لَفی خُسْرٍ هر آئینه در زیانند به سبب مطالب بیهوده و ناپایدار و اینها ضایع‌کنندگان عمر هستند.

۳- إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ

وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا مگر آنان که ایمان آورده‌اند و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ و کردارهای پسندیده کرده‌اند و تَوَّصَوْا بِالْحَقِّ و وصیت کرده‌اند یکدیگر را به عمل راست و درست که اقامت است و بر طریق حق یا به قول صحیح که قرآن است و تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ و وصیت کرده‌اند یکدیگر را به صبر بر طاعت و یا مصیبت.

و امنوا:

از صفات صدیق رضی الله عنه است.

و عملوا الصالحات و اشارت است به کردار فاروق رضی الله عنه.

و تواصوا بالحق:

مخبر است از گفتار ذی نورین رضی الله عنه.

وتواصوا بالصبر:

از سیرت مرتضی علی رضی الله عنه است.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «والعصر» تمام شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کسی سوره **والعصر** را قرائت کند خداوند او را
بخشیده و از اشخاصی محسوب می شود که به صبر
و حق وصیت کنند.

سوره تکاثر

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر هشت آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهِنِكُمْ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ
تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ
الْيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾
ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

تفسیر سوره التكاثر

به نام خداوند بخشنده مهربان

آورده‌اند که بنی عبدمناف و بنی سهم بر یکدیگر تفاخر کردند به کثرت مردم قبیله و چون هر کدام قبیله خود را شمردند مردم قبیله عبدمناف بیشتر بود. بنی سهم گفت: بسیاری از قبیله من در زمان جاهلیت کشته شده و یا مرده‌اند پس باید مرده و زنده را شمار کنید چون بدین نوع شمردند قبیله بنی سهم بیشتر بود خداوند این سوره

را نازل فرمود.

۱- أَلْهَنُكُمْ التَّكَاثُرُ:

مشغول کرد شما را فخر کردن بر بسیاری قوم.

۲- حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ:

تا حدی که امیدید به گورستانها و مردهها را شمار کردید و گفته‌اند معنی آیه آنست که مشغول شدید به تکاثر اموال و اولاد و غرق به امور معیشتی تا آن‌گاه که بمردید و امیدید به مقابر (قبرها).

۳- كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ:

یعنی نه چنین است بلکه به زودی موقع مرگ به عاقبت شوم چنین فخر و مباهات و عدم فایده تکثیر مال عالم خواهید شد.

كَلَّا:

نه چنین باید که همت عاقل مصرف دنیا شود و از آخرت فراموش کند که اجل ناگاه بوی فرود آید و ندامت سود ندارد.

۴- ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ:

پس حقا که زود بدانید جهت خطای خود را به وقت نشور.

۵- كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ:

تفسیر آسان قرآن کریم

به راستی اگر بدانید که چه می‌کنید و چه کیفی و چه فرجامی این اعمال ناروای شما دارد و به طور دانستن یک امر یقینی و قطعی، قطعاً از این تفاخرها و مباهات‌ها و کوشش‌ها برای جاه و مال دست برمی‌دارید و این‌گونه امور شما را سرگرم نمی‌کند و از یاد خدا غافل نمی‌دارد.

۶- لَتَرْوُنَّ الْجَحِيمَ:

سوگند به خدا که دوزخ را قطعاً خواهید دید اینجا با قید قسم می‌گوید که شما جهنم را خواهید دید و بعد آن را تکرار و تأکید می‌فرماید.

۷- ثُمَّ لَتَرْوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ:

پس آن دوزخ را خواهید دید به طوری که این آیه مکمل آیه قبل نیست بلکه مستقل است در آیه سابق فرمود شما اگر عواقب امورتان را پس از مرگ باور داشته باشید از تفاخر و تکاثر اجتناب می‌کنید عموم مردم از کافر و مسلمان (مؤمن) باید وارد جهنم بشوند آن‌گاه کافران در آن جا می‌مانند و مؤمنین رد می‌شوند و قرآن به آن تصریح دارد.

۸- ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ :

پس در آن روز از نعمتی که به شما داده شده قطعاً بازپرسی می‌شوید.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «تکواثر» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره تکواثر را قرائت کند خدای تعالی به او اجر کسی را که از قرآن شریف هزار آیه بخواند عطا می‌فرماید.

سوره قارعه

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر یازده آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوْمَ

يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ

كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾ فَهُوَ

فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿١٠﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿١١﴾

تفسیر سوره القارعه

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- الْقَارِعَةُ:

یعنی روز کوبنده.

۲- مَا الْقَارِعَةُ

چیست کوبنده؟

۳- وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ

و تو چه دانی که کوبنده چیست در این سوره تمام حادثه وحشت‌انگیز یعنی قیامت است چون در آن روز آسمان و زمین و همه کرات آسمانی در هم کوفته می‌شوند و سختی و شدت و هراس و وحشت عموم مردم را و عذاب دردناک خوارکننده دشمنان خدا را فرو می‌کوبد.

پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هر چیزی در دنیا شنیدنش بزرگ‌تر از دیدنش است و هر امری از امور آخرت دیدنش از شنیدنش بزرگ‌تر و مهم‌تر است. تو چه دانی دلالت بر بزرگی مطلب و اهمیت بسیار آن دارد و به مخاطب می‌فهماند که موضوع آن قدر مهم و عظیم است که نمی‌توان با شرح و عبرت آن را حدس زد. پس از این سؤال (تو چه دانی؟) پروردگار خود به بیان قیامت و وصف رستاخیز می‌پردازد.

۴- یَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

۵- وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

یعنی روزی که مردم مانند پروانه پراکنده باشند پروانه در فارسی هر چه که نمونه کامل و مشهورترین مظهر عشق و فداکاری است، اما در زبان عربی برعکس این حشره نمونه‌ی بی‌خردی و حماقت و بی‌هدفی است. دسته‌دسته خود را به شعله‌ی سوزان چراغ و شمع زده می‌سوزند و یا نیمه‌جان به خواری روی زمین افتاده و باز دسته‌های دیگر پیایی خود را به قربان گاه می‌رسانند و سراسیمه می‌چرخند و خود را بر شعله می‌زنند. روز قیامت نیکان در سایه رحمت پروردگارانند ولی کافران و بدکاران سراسیمه گروه گروه می‌دوند و می‌افتند و خواری می‌کشند و می‌سوزند.

فراش:

در آیه به معنی ملخ است یعنی مردم در آن روز دسته‌دسته افتان و خیزان مانند (ملخ خُرد) یعنی ملخ پیاده در حرکت هستند. و کوه‌ها مانند پشم باز شده به صورت ذرات بی‌وزن درآمده به هر سو پراکنده در هوا می‌چرخند. کوه‌ها در

تفسیر آسان قرآن کریم

برابر حادثه‌ی عظیم قیامت چنین باشند حال انسان ضعیف معلوم است.

۶- فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

اما کسی که ترازویش سنگین باشد یعنی میزان حسنات او بیشتر باشد.

۷- فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ:

پس او در زندگانی باشد پسندیده.

۸- وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ:

و اما هر کس که ترازوی اعمالش سبک باشد.

۹- فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ:

پس جایش دوزخ است.

ام:

لفظ ام به معنی مادر است، اما در این آیه «ام» عبارت است از ام‌الرأس یعنی مُخ سر می‌باشد و هاویه یکی از طبقات جهنم که آتش سوزان دارد پس معنی آیه چنین می‌باشد (پس او را با سر در آتش جهنم افکنند).

۱۰- وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ

و تو چه دانی که هاویه چیست؟ منظور تفهیم آتش دوزخ و عذاب آن است.

۱۱- نَارٌ حَامِيَةٌ

آتش بی نهایت رسیده در گرمی و داغی.
له الحمد تفسیر سوره مبارکه «القارعه» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس این سوره القارعه را بخواند خدای تعالی با همان سوره ترازوی عمل او را سنگین می سازد.

سوره عادیات

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر یازده آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَدِيَّتِ صَبْحًا ﴿١﴾ فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا ﴿٢﴾ فَالْمُغِيرَاتِ
صَبْحًا ﴿٣﴾ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾ إِنَّ
الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ
لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾
وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿١١﴾

تفسیر سوره العادیات

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- وَالْعَدِيَّتِ صَبْحًا

العادیات:

به معنی دویدن است و صبح به معنی آواز نفس‌های

اسب و یا چابکی در دویدن و گردن کشیدن است.

صبح:

اصل این لغت آتش زدن چوب است و دویدن شدید را به آن تشبیه کرده‌اند. مانند تشبیه اسب به آتش در حرکت زیادش و در جایی دیگر در تفسیر آمده که سوره عادیات در جنگ بدر نازل شده و در جنگ بدر تنها دو اسب وجود داشت و بقیه شتر بودند «والعادیات» جمع است. بلکه منظور شترانند به هر حال مفسران متفق می‌گویند که صبح نوعی دویدن است و گویند صبح یعنی گردن کشیدن شتر در موقع دویدن.

پس معنی آیه یعنی (سوگند به اسبان یا شتران دونده که احاح می‌کنند نفس نفس می‌زنند)

۲- فَأَلْمُورِيَتِ قَدَّ حَا

موریات:

جمع موریه یعنی آتش افروز و قدح به معنی زدن چیزی است بر چیز دیگر که آتش از آن بجهد مانند زدن چخماق بر سنگ حال اگر منظور از موریات اسب‌های دونده باشد که با

تفسیر آسان قرآن کریم

زدن سم‌هایشان بر سنگ‌ها آتش می‌افروزند و اگر منظور شترها باشد که با سرعت حرکتشان سنگ‌ها را می‌رانند و آن‌ها بر سنگ‌های دیگر خورده آتش جستن می‌کند.

۳- فَأَلْغِيْرَاتٍ صُبْحًا

مغیرات:

جمع مغیره و به معنی غارت و یغما کردن است و رسم عرب چنین بوده که شب را کمین کرده بامداد بر دشمن شیخون می‌زده تا در روشنایی بداند چه چیزهایی را به غارت ببرد و چون در زمان جاهلیت جنگ برای غارت و چپاول بوده است.

به تدریج جنگ به معنی غارت و غارت به معنی جنگ به کار رفته خواه غارتی همراه داشته یا نداشته باشد و نسبت دادن غارت به اسب‌ها چون آن‌ها عامل مؤثری در جنگ و غارت بوده‌اند با آن که می‌دانیم سواران بودند که جنگ یا غارت می‌کردند پس معنی آیه چنین است (سوگند به اسبان جنگنده یا اسبان تندرو در بامداد).

۴- فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا

اثرن:

از اشاره به معنی برانگیختن می باشد.

نقع:

به معنی غبار است.

پس معنی آیه چنین است که برانگیختند در آن وقت صبح یا در آن مکان دشمن غباری را.

۵- فَوْسَطْنَ بِهٖ جَمْعًا

معنی آیه چنین است پس در میان قرار دادند در صبح گروه دشمن و یا پس در میان آمدند آنها در حالی که پوشیده به غبار بودند یا با غبار جمع دشمن را. یعنی احاطه کردند گروه دشمن را.

۶- إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهٖ لَكَنُودٌ

کنود:

به گفته تعدادی از مفسران یعنی کفور و یعنی کسی که بسیار ناسپاس است. نعمت های خدا را و قبیله کنده را به جهت ناسپاسی که با پدر خود کردند به این نام خواندند.

این آیه جواب قسم است پروردگار پس از سوگند به اسب هایی که در راه جهاد یا شترانی که در طریق حج

تفسیر آسان قرآن کریم

می‌دوند با تأکید شدید می‌فرماید. همانا آدمی برای پروردگارش پس ناسپاس است. کاش آدمی بصیرتی و فکرتی درست و سالم می‌داشت و در همین اسب و شتری که بر آن‌ها سوار می‌شد می‌اندیشید و می‌دید که این حیوان که از او قوی‌تر است و بزرگ‌تر و نیز عموم جانوران اهلی چگونه به امر خداوند و به حکم غریزه و فطرتشان تسلیم و مطیع و فرمان‌بر انسانند و چرا این‌ها مانند جانوران وحشی از او نمی‌ترسند و نمی‌گریزند و از اطاعتش سرباز نمی‌زنند در این صورت آیا سزاوار است که آدمی به طغیان و تمرد پردازد.

۷- وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

به درستی که انسان خود گواه است بر کنود خود (ناسپاسی خود) یکی از علائم ناسپاسی این است که نعمت‌های خداوند را در مصارف ناشایست و ناروا و نامشروع خرج می‌کند.

۸- وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

و همانا که انسان به جهت محبت مال و ثروت بخیل و سخت است لفظ خیر در این آیه به معنی دارایی و مال است

شیخ الاسلام فرموده: که اگر مال را دوست می‌داری بده تا باز به تو دهند و برای وارث منه که داغ حسرت بر دل تو نهند.

۹- أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ

آیا پس نمی‌داند آن‌گاه که آنچه در گورها است برانگیخته شود (بیرون آورده شود از قبرها اموات).

۱۰- وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

و آنچه در دل‌هاست آشکار شود و خیر و شرش از هم جدا شود.

۱۱- إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

به درستی که آفریدگار ایشان نسبت به آن‌ها در آن روز دانا و آگاه است و بر جزا دادن توانا است.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «العادیات» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره العادیات را قرائت کند خداوند به او ده حسنه عطا می‌فرماید.

سوره زلزال

در مدینه‌ی طیبه نازل شده و مشتمل بر هشت آیه می‌باشد ﴿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾
وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا هَٰذَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ
أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ
ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

تفسیر سوره الزلزال

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

آن گاه که زمین با شدیدترین لرزشش لرزانده شود و در مدت کمتر از یک ثانیه در هم شکسته شود و بر این زمین لرزش و تکانی

بالا تر از لرزش روز قیامت نیست.

۲- وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

ثقل:

به معنی بار سنگین است و به کودک در رحم و نیز به دفائن زمین از گنج‌ها و نیز اموات هم گفته می‌شود.

معنی روشن آیه یعنی بیرون آمدن اموات از گورها در قیامت است، ولی مفسرین دفینه‌ها و گنج‌ها را نیز گفته‌اند که بر روی زمین می‌افتند تا برای بدکاران که هر جنایتی را برای خاطر آن‌ها مرتکب شدند حسرتی بیشتر فراهم آید و نیکوکارانی که اعتنا و توجهی به آن‌ها نکردند شادمان‌تر گردند.

۳- وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا

این آیه حال آدمیان را در آن روز بیان می‌کند و نهایت پریشانی و سراسیمگی و تعجب آن‌ها را از هول و هراس واقعه و شدت بی‌مانند احوال و بزرگی شگفت‌آور بلا و مصیبت را نشان می‌دهد.

چند تن از مفسران عقیده دارند که در این آیه انسان یعنی کافر است که چنین روزی را باور نداشت.

۴- یَوْمَئِذٍ نُحَدِّثُ أَحْبَابَهَا:

بسیاری از مفسران گفته‌اند یعنی هر عملی از نیک و بد که از مرد یا زنی سر زده باشد در آن روز زمین آن‌ها را حدیث می‌کند. آن گاه سخن گفتن زمین را به این صورت توجیه می‌کند که یا خداوند آوازی در آن ایجاد می‌کند پس متکلم حقیقی خداست و مجازاً کلام را به زمین اختصاص داده یا آن که زمین را به حیوانی تبدیل می‌فرماید که قادر بر تکلم باشد. فخر رازی می‌گوید: بنا بر مذهب ما ممکن است که در زمین با همین صورتی که دارد بدون منقلب شدن به حیوان خداوند حیات و نطق به وجود آورد.

۵- بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا:

یعنی زمین خبر دهد که پروردگار تو او را الهام داد تا سخن گفت و گواهی داد. بنابراین می‌توان گفت که خبر دادن زمین در رستاخیز همان است که اقوام و ملل مختلف از دورترین ازمه تاریخ و اوائل عمر بشر تا آن روز همگی در دسته‌های معین و کیفیاتی که نیکوکار و بدکار و مؤمن و کافر به خوبی شناخته می‌شوند و بر روی آن ظاهر می‌گردند و شاید آثاری هم در زمین پدید آید که اگر کار نیک یا بد روی آن انجام شده باشد معلوم گردد.

۶- **يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيرَوْاْ أَعْمَالَهُمْ**

در آن روز مردم از قبرها بیرون آمده به طرف موقف می‌روند و آنجا از اعمالشان مطلع می‌شوند یا آن‌ها را در نامه عمل خود می‌بینند از ابن عباس نقل است که در معنی این آیه چنین آمده که مردم دسته‌دسته از موقف برمی‌گردند و نتیجه‌ی اعمالشان را در دست دارند. بعضی در دست چپ که روانه‌ی دوزخ می‌شوند بعضی در دست راست که وارد بهشت می‌شوند.

۷- **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ**

۸- **وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ**

گفته‌اند که ذره به معنی مورچه‌ی بسیار کوچک است و یا وقتی آفتاب از روزنه‌ای به درون خانه بتابد ذراتی بسیار ریز در آن مشاهده می‌شود که این ذره همان ذره در آیه است منظور این که ذرات در هر اندازه باشد حساب دارد و برای آن پاداش و کیفر هست این است درسی که قرآن به انسان می‌آموزد تا هیچ شری را هر چه کوچک و اندک باشد مرتکب نشوند و نیز کار خیر را بی‌اهمیت شمارند هر چند کم باشد.

تفسیر آسان قرآن کریم

پیغمبر ﷺ می فرماید:

کار خیر را انجام بدهید و چیزی از آن را حقیر نشمارید برای آن که کوچکش بزرگ است و اندکش بسیار. خداوند خیر و شر را آفریده و اهل خیر و شر را نیز آفریده و خوشا به حال آن کس که برای نیکی آفریده شده است.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الزلزال» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی الزلزل را چهار مرتبه قرائت کند گویا تمام قرآن را قرائت نموده و خداوند پاداش قرائت کل قرآن را به او عطا فرماید.

سوره بینه

﴿در مدینه‌ی طیبه نازل شده و مشتمل بر هشت آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفِكِينَ حَتَّى
تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾ فِيهَا كُتِبَ
قِيمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ
الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ
وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيمَةِ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا

عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

تفسیر سوره البینه

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

۲- رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

۳- فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ

این سه آیه کریمه وصف حال کفار است در برخورد با دعوت پیغمبر اسلام ﷺ که خداوند می فرماید عموم آن‌ها چه پیروان ادیان و شرایع سابق و چه مشرکان و بت پرستان و ماه و ستاره پرستان پیش از ظهور اسلام نسبت به دین و عقیده‌ی خود سخت علاقمند بودند و از آن جدا نمی شدند یهود و نصاری با تغییرات و تحریفاتی که در تورات و انجیل پدید آورده و با خرافات و موهوماتی که به شریعت موسی (ع) بسته بودند هر کدام تنها دین حق و راه راست را در انحصار خود می پنداشتند و به خود می بالیدند به طوری که

جهودان خویشان را اولیاء الله و ترسایان خودشان را انصار الله می نامیدند و می گفتند در بهشت جز ما کسی راهی ندارد مشرکان نیز همین پندارها را درباره ی عقیده خرافی خود داشتند تا این که (بینه) دلیلی بزرگ و برهانی آشکار بر آنها رسید آن برهان آشکار و استوار فرستاده ای بزرگ از جانب خدا بود که پی در پی آیه های مقدس و منزه را بر آنها می خواند که از دروغ و باطل و کثی و آمیختن به مطالب نادرست پاک بود و در آن نوشته ها مطالبی راست و درست و حقایقی مستحکم بود.

تا اینجا آنچه گفتیم شرح مطالب و مقاصد سه آیه فوق بود. حال ببینیم این مردمی که تا آمدن پیغمبر و تلاوت آیات در عقایدشان ثابت قدم و متعصب بودند پس از آن که پیغمبر آمد و نامه های پاک بر آنان خواند چه کردند؟ آنها متفرق شدند افرادی از هر دو گروه (اهل کتاب و مشرکان) در برابر حق تسلیم شدند و تعصب و تکبر و لجاجت را کنار گذاشتند ولی اکثر از قبول اسلام امتناع ورزیدند.

۴- وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ

و کسانی که کتاب به آنها داده شده بود پراکنده و دسته دسته نگردیدند مگر پس از آن که برهانی روشن به آنها رسید.

تفسیر آسان قرآن کریم

این آیه برای تسلی دادن به پیغمبر ﷺ و معرفی طبیعت اهل کتاب به ویژه یهود است که اگر اینان به اتفاق و جمعاً به طوری که انتظار می‌رفت دین تو را نپذیرفتند، بلکه گروه‌گروه گشته هر یک به راهی رفتند و تهمت‌ها به تو زدند بعضی ساحر، بعضی شاعر و برخی مجنونت خواندند. مثلاً نه از این جهت بود که تو را نشناخته و برهانت را سست یافتند، هیچ‌کدام از این‌ها نبود، بلکه در عین روشنی دلیل و معروفیت شخص تو در نزد آن‌ها باز هم به راه‌های باطل افتادند.

و معنی روشن‌تر آیه (و متفرق شدند یعنی اختلاف نکردند در شأن محمد ﷺ کسانی که به آن‌ها کتاب داده شده بود مگر پس از بعثت وی که مختلف شدند بعضی به او گرویدند و بعضی کافر شدند.)

۵- وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ:

یعنی و امر کرده نشدند مگر برای این که به پرستش خدا پردازند در حالی که دین را برای او پاک و خالص گردانند و در حالی که از باطل به حق گرایند و نماز به جای آرند و زکات بدهند

تفسیر آسان قرآن کریم

این است احکام ملت درست و دین راست و استوار.
پیروان عیسی^(ع) و موسی^(ع) کتاب آسمانی خودشان را تغییر دادند. اساس عقاید در همه ادیان توحید است ولی یهود و نصارا برای خدا فرزند درست کردند و عزیز و مسیح را پسران خدا پنداشتند و اوصاف ناپسندی مانند خستگی و پشیمانی و مغلوبیت برای قادر متعال قائل شدند خلوص و اخلاص که روح دیانت است از میانشان رفته است.

حنفاء:

جمع حنیف است و حنیف کسی است که از باطل به حق متمایل شود و در این آیه حنفاء یعنی میل کنندگان از هر دین به اسلام.

دین القیمه:

نظر دو نفر از مفسران را بیان می‌کنم.

۱- دین و قیمه صفت و موصوف هستند و تاء قیمه علامت تأنیث نبوده بلکه مثل علامه و نسابه و راویه برای دلالت بر مبالغه می‌باشد و عرب بسیاری اوقات موصوف را به صفتش اضافه می‌کند. مانند مسجد الحرام و جنه الفردوس و در قرآن نیز آمده (والدار الاخره) پس این که در بعضی کتب آمده که صفتی به

تفسیر آسان قرآن کریم

موصوف و موصوفی به صفت تبدیل نمی‌شود چندان اعتباری ندارد.
۲- یکی دیگر از مفسران به نام خلیل بن احمد نقل کرده است
که قیمة جمع قائم است مثل آن که می‌گویند معتزله و مجبره و
مشبهه یعنی دین قائمین به توحید.

۶- إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ

یعنی به درستی آنان که نگرویدند از اهل کتاب یعنی یهود و
نصار و از مشرکان یعنی بت پرستان در آتش دوزخ باشند روز قیامت
خالدین فیها. جاویدان در آن ایشانند آن گروه ایشان بدترین
آفریدگانند. مفسران گفته‌اند که جایگاه مشرکان در طبقات پائین
دوزخ است و عذاب آن‌ها به مراتب بیشتر از اهل کتاب است.

۷- إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ
یعنی کسانی که گرویدند و کارهای شایسته کردند آنان همانا
بهترین آفریدگانند.

۸- جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ

تفسیر آسان قرآن کریم

یعنی پاداش آن‌ها در پیشگاه پروردگارشان باغ‌های همیشگی است (برای اقامت همیشه) که جوی‌ها از زیر آن‌ها کاخ‌ها و درختان روان است در آن باغ‌ها جاویدانند همیشه خداوند از آن‌ها خشنود است و آنان از خدا خشنودند آن پاداش ویژه‌ی کسانی است که از پروردگارشان بترسند.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «البینه» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی البینه را بخواند، روز قیامت با بهترین مردم همنشین می‌شود.

سوره قدر

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر پنج آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ
الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ
رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

تفسیر سوره قدر

به نام خداوند بخشنده مهربان

قدر در لغت معنی متعددی دارد:

- ۱- تنگ کردن تضییق (یعنی در آن شب نزول ملائکه آن قدر زیاد است که در زمین جا تنگ می‌شود)،
- ۲- اندازه،
- ۳- نشان دادن و وصف کردن،
- ۴- بزرگی و عظمت.

گفته‌اند قرآن تماماً از لوح محفوظ یک دفعه به آسمان دنیا یا بیت‌المعمور نازل و از آنجا به تدریج بر پیغمبر ﷺ نزول فرموده است. در بعضی تفسیر آمده است که بیت‌المعمور قلب پیغمبر ﷺ است.

آغاز نزول قرآن در آن شب است نه تمام قرآن.

پیغمبر ﷺ صحابه را خبر داد که یکی از بنی اسرائیل هزار ماه سلاح پوشیده و در راه خدا جهاد کرد روزها با کافران جهاد کردی و شبها نماز گزاردی اصحاب متعجب شدند گفتند ما با این عمر کوتاه به چنین توفیقی چگونه توانیم رسید حق سبحانه این سوره فرستاد.

۱- إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ:

یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی ابتدای نزول او در آن شب بود یا نزول تمام قرآن در آن شب از لوح محفوظ به آسمان زمین آمده و در بیت‌العزت جا گرفته و روح‌الامین در مدت ۲۳ سال آیه آیه و سوره سوره به حسب مصالح وقت به دنیا آورده.

۲- وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ:

تفسیر آسان قرآن کریم

یعنی و تو چه دانی که لیلَةُ الْقَدَرِ در چیست؟ شب قدر یعنی شب با عزت و شرف که هر که درو طاعت کند عزیز و مشرف گردد یا عملی که درو واقع شود نزدیک خدا با قدر بوده است.

۳- لَيْلَةُ الْقَدَرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ:

شب قدر بهتر است از هزار ماه در اینجا عدد ملاک نیست که می گوید هزار ماه بلکه عظمت و جلال فراوان شب قدر مهم است و بس.

۴- تَنْزَلُ الْمَلَكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّرٍ

معنی تنزل یعنی فرود آمدن پی در پی است فرشتگان و روح پی در پی و گروه گروه فرود می آیند مقصود از روح جبرئیل است و آوردن نام او بعد از ملائکه به لحاظ بزرگی و عظمت است. هم چنان که می گوئیم در فلان مجلس همه علما بودند و ماموستا آیت الله فلان هم بود، بعضی گفته اند منظور از روح نوعی از فرشتگانند که سایر ملائکه آن ها را جز در شب قدر نمی بینند و نیز گفته اند روح موجودی بسیار عظیم است که روز قیامت همه فرشتگان در یک صف و او

تنها در یک صف برابر آنها می ایستد.

من کل امر:

یعنی فرشتگان برای خاطر هر امر و تقدیری که از جانب پروردگار برای هر فردی مقدر و معلوم شده نازل شده یا برای خاطر هر کاری و عملی و عبادتی که از هر کس صادر شده، آنها را ضبط و ثبت می کنند و با خود به حضور پروردگار می برند.

۵- سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ

یعنی این شب سراپا سلامت و ایمنی از آفات و شرور شیاطین است تا هنگام برآمدن سپیده دم یا همه این شب سلام و تحیت و درود است که فرشتگان بر هر عبادت کننده ای از جانب خدا سلام می کنند تا صبح.

(به سبب اجتماع مؤمنین شب پر خیر شده و تا دمیدن صبح خدای تعالی رحمت خود را شامل مؤمنین می نماید).
له الحمد تفسیر سوره مبارکه «قدر» تمام شد.

تفسیر آسان قرآن کریم

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی قدر را بخواند (حق آن را ادا کند)
خدای تعالی به قدر اجر شخصی که شب قدر احیا
کرده و ماه رمضان روزه بدارد بر او اجر و مزد
می‌دهد.

سوره علق

﴿در مکہ معظمہ نازل شدہ و مشتمل بر نوزده آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ
 الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّا
 إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ﴿٦﴾ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾
 أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿١٠﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ
 الْهُدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمْ
 بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ
 كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا
 تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

تفسیر سوره العلق

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- أَقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

یا محمد ﷺ به نام پروردگارت آن که انسان را از عدم به وجود آورده افتتاح کرده بعد از آن قرائت کن (یعنی موقع قرائت، گفتن بسم الله الرحمن الرحیم لازم است).

۲- خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ:

خدای تعالی به قدرت کامله‌ی خود افراد انسان را از یک پارچه خون (که در رحم مادر از منی حاصل می‌شود) خلق نمود.

۳- أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ:

یا محمد ﷺ آیاتی را که به تو وحی می‌شود قرائت کرده حفظ نما و بدان که پروردگار تو از همه بزرگان بزرگ‌تر است.

۴- الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ:

آن که آموزش داد به وسیله‌ی قلم (از کرامت و سخاوت بزرگ خداوند کریم به انسان آن است که خلق او را از سایر مخلوق ممتاز

تفسیر آسان قرآن کریم

کرده نوشتن با قلم را به او تعلیم نمود.)

۵- عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

باز از جمله‌ی کرامت و سخاوت خدای تعالی این است که انسان را از ظلمت جهالت به طرف نور علم خارج کرده چیزهای ندانسته را به انسان تعلیم نمود.

۶- كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ

۷- أُن رَّءَاهُ أَسْتَغْنَىٰ

(البته باید انسان جهالت را ترک نموده از علم اعراض ننماید) اما در حقیقت زمانی که انسان خود را از مال دنیا و از هر جهت مستغنی دید طغیان کرده تحصیل کمالات را ترک و غرق جهالت می‌گردد.

۸- إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ

(ای انسان طغیان به تو فایده‌ای نمی‌دهد) بازگشت تو به سوی پروردگارت خواهد بود (آنجا علم و کمال به تو فایده می‌دهد نه طغیان و ضلالت).

توضیح:

آیات بعدی در حق ابوجهل نازل شده است. ابوجهل یک روز به جماعت قریش گفت: محمد ﷺ در میان شما نماز می‌کند و روی خود را به خاک می‌گزارد. آیا شما هیچ حرف نمی‌زنید؟ گفتند: نه ما در این باره چیزی نمی‌گوییم. ابوجهل گفت: اگر من او را به حال نماز بینم گردن او را به پای بمالم.

۹- أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ

۱۰- عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ

یا محمد ﷺ آیا دیدی آن کس (ابوجهل) را که (می‌خواهد تو را که بنده‌ی من هستی) در موقع نماز گزاردن بنده‌ای از نماز نهی کند؟

۱۱- أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ

آیا می‌دانی به راه راست باشد؟ (چنانچه اعتقاد خودش چنین است).

۱۲- أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ:

با پرهیزکاری فرمان دهد (پاداش خواهد یافت).

۱۳- أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ:

یا می دانی اگر تکذیب کند و روی بگرداند (کیفر خواهد یافت).

۱۴- أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى:

مگر ندانسته که خدای می داند؟ (ابوجهل نمی داند که خدای تعالی به احوال او عالم است و به همین لحاظ به او جزا خواهد داد).

۱۵- كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعُ بِالنَّاصِيَةِ:

نی نی اگر (از فتنه گری و بدسگالی) دست برندارد او را با (موی) پیشانیش بکشانیم (البته به ید قدرت خودمان از پیشانی ابوجهل و همدستانش گرفته به طرف عذاب می کشیم و از تحت سلطه و قدرت ما نمی تواند خلاص یابد).

۱۶- نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ:

پیشانی آن دروغگوی خطا کاری (برای چنین شخصی راه نجات نیست)

۱۷- فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ،

۱۸- سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ

یا محمد ﷺ موقعی که ما پیشانی ابوجهل را برای عذاب

تفسیر آسان قرآن کریم

گرفتیم بگذار جماعت قریش خویش و اقوام خود را که در مجلس جمع شده بودند شوری می کنند به کمک بطلبد ما هم آن وقت نگهبان دوزخ را بخوانیم (و آنها را ریزریز کرد، هلاک می کنیم).

۱۹- كَلَّا لَا تَطِعَهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿۱۹﴾ (سجدهی واجب):

(هیچ یک از سخنان ابوجهل حق نیست یا محمد هرگز او را فرمان مبر و امثال او را اطاعت مکن) تو در نماز خود قائم شده. سجده کن و نزدیکی او بجوی (از ابوجهل و امثال او خوف مکن)

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «العلق» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس این سوره العلق را قرائت کند خدای تعالی ثواب کسی را که همه‌ی سوره‌های کوچک را خوانده باشد به او عطا می فرماید.

سوره تین

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر هشت آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ
الْأَمِينِ ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ
رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ
بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

تفسیر سوره التین

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ:

یعنی قسم به انجیر و زیتون. در انوار آورده که اختصاص دادن این دو میوه جهت آن است که انجیر میوه پاک است و بی فضله و

تفسیر آسان قرآن کریم

غذای لطیف سریع‌الهضم و دوی کثیرالنتفع ملین طبع محلل بلغم مطهر کلیه‌ها (پاک‌کننده‌ی کلیه‌ها) دافع ریگ و سنگ مثانه مفتح سده‌ی جگر و سپرز و مستمن بدن و در خیر آمده که بواسیر را قطع کند و نقرس را فائده دهد و زیتون میوه‌ایست و نان خورش و دوا و روغنی دارد بسیار نفع دارد و گفته‌اند مراد از انجیر و زیتون درختان آن‌ها است و آن در دو کوه است در ارض مقدس - زمین مقدس (مکه) - یکی طور زیتا و دیگر طور سینا که محل مناجات حضرت موسی با خداوند بوده.

۲- وَطُورِ سَيْنِينَ

۳- وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

منظور از طور سینین همان کوه سینا است محل وحی حضرت موسی و منظور از بلد الامین مکه معظمه و محل وحی محمد ﷺ می‌باشد و می‌گویند که انجیر بوی بد دهان را رفع می‌کند و موی را بلند می‌کند و از فلج ایمنی می‌بخشد.

۴- لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

یعنی ما آدمی را در بهترین ترکیب آفریدیم یعنی مخصوص

گردانیدیم از میان حیوانات به انتساب قامت و حسن صورت و اعتدال مزاج تا حاصل امانت الهی و منبع فیض نامتناهی تواند بود.

۵- ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ:

یعنی پس او را باز گردانیدیم به زیرترین همه‌ی فروتران معنی آیه آنست که آفریدیم انسان را به نیکوترین صورت و باز بردیم به سن خرافت که ارذل عمر است.

اسفل سافلین:

پائین‌ترین طبقه‌ی دوزخ، اشارت به آن است به سن پیری که انسان در آن سن نمی‌تواند هیچ کاری بکند و هیچ مزدی ندارد.

۶- إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ:

مگر آنان که گرویده‌اند و عمل‌های ستوده و بایسته انجام داده‌اند. پس آن‌ها دارای مزدی نابریده هستند مزدی که هیچ گاه قطع و یا کم نمی‌شود و هم‌چنان که در زمان جوانی عبادت کرده‌اند و مزد و اجر و ثواب آن‌ها نوشته شده در زمان پیری و ناتوانی هم حتی اگر نتوانند عبادت کنند مزد و اجر آن‌ها بی‌کم و کاست نوشته می‌شود.

۷- فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ:

تفسیر آسان قرآن کریم

پس ای آدمی چه چیز تو را منکر می‌سازد بر روز قیامت و جزا به عبارت دیگر چه چیز تو را وادار به دروغ می‌کند پس از این ادله‌ی روشن که ما با اجمال در این سوره به آن اشاره کردیم

۸- أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ:

آیا نیت خدا حکم‌کننده‌ترین حاکمان یا به عبارت دیگر آیا پروردگار داورترین و بهترین و دادگرترین داوران نیست؟ (البته که هست)

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «والتین» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی که سوره‌ی **والتین** را قرائت کند خدای تعالی در دنیا بر او دو خصلت نیکو می‌بخشد یکی سلامتی از هر جهت و دومی علم و یقین (یعنی هر شخصی که حقیقت کلام الهی را درک کرده و بفهمد اولاً دارای علم می‌شود و ثانیاً از تولید فساد بین خلق کنار شده در عافیت خواهد بود).

سوره انشراح

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر هشت آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾
الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ
يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَى
رَبِّكَ فَأَرْغَبْ ﴿٨﴾

تفسیر سوره الانشراح

به نام خداوند بخشنده مهربان

حضرت رسول ﷺ روزی با خدای خود راز و نیاز می‌کند که:
خدایا به پیغمبران پیشین که فرستاده‌ی تو بودند معجزات عطا
فرمودی. از جمله به حضرت سلیمان^(ع) پادشاهی جن و انس دادی،
به موسی^(ع) عصا و دست زیر بغل، به عیسی^(ع) مرده را زنده کند و

تفسیر آسان قرآن کریم

کور مادرزاد را شفا دهد، ولی به من چه چیزی دادی؟
خداوند می‌فرماید: الم نشرح لك صدرک. در حالی که حضرت
موسی (ع) سجده می‌رود و می‌گوید رب الشرح لی صدري خدایا
سینه‌ام باز کن تا بتوانم پیام تو را به فرعونیان برسانم.

۱- أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ:

آیا ما گشاده نکردیم برای تو سینه‌ی تو را تا مناجات حق و
دعوتِ خلق و غمِ امت در وی گنجد؟ و آیا دل تو را گشاده نکردیم
تا هر چه اسرار وحی بر تو وارد شود در آن گنجانده شود و گفته‌اند
شرح صدر اشارت است به شکافتن سینه‌ی آن حضرت ﷺ و چنان
معلوم شده که شرح صدر آن حضرت متعدد بود یکی در زمان
طفولیت در قبیله‌ی بنی‌سعد که حلیمه او را به فرزندى پذیرفته بود
و قولی هست که در سال ششم یا یازدهم بعثت باز این مورد انجام
شده و در حدیث آمده که شب معراج جبرئیل (ع) مرا تکیه داد و از
بالای سینه تا ناف من بشکافت و میکائیل طشتی از آب زمزم آورد
و درون سینه و عروق و حلق مرا بدان آب بشستند و جبرئیل دل
مرا بیرون آورده بشکافت و بشست و در آخر طشتی مملو از
حکمت و ایمان آوردند و دل مرا از آن پر ساختند و باز به جای آن

تفسیر آسان قرآن کریم

نهادند و نقل است که به خاتمی از نور مهر کرد چنانچه اثر راحت و لذت آن را هنوز در عروق و مفاصل خود می‌یابم.

۲- وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ

۳- الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ:

آن باری که گران ساخت پشت تو را که آن اندوه کفار بود و اصرار ایشان بر کفر و تعرض آن حضرت و گفته‌اند مراد غم گناه اُمت است که بدان گران بار بودی آن را برگرفتیم و شفاعتِ تو را درباره‌ی ایشان قبول فرمودیم.

۴- وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ:

لَكَ:

یعنی برای تو.

و نام و آوازه‌ات را بلند کردیم، نام تو را قرین نام خود ساختیم در اذان و اقامت و تشهد و خطبه تا چون مرا یاد کنند تو را هم یاد کنند یا خود بر تو سلام فرستادیم و دیگران را امر کردیم بدرود دادن بر تو.

۵- فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا:

تفسیر آسان قرآن کریم

یعنی اگر به پیغمبر اکرم شرح صدر و نام بلند داده شد و بار شدائد از دوش مبارکش فرو نهاده شده است روی مبین و قاعده است نه تصادف زیرا نیت آفریدگار چنین است که با این گونه شدائد و همراه آنها (نه بعد از آنها) قطعاً و یقیناً آسانی است و به عبارت دیگر آسانی و فراخی از این نوع دشواری و سختی جدا نشدنی است و میان آنها فاصله نیست پس در اصل معنی آیه اینست که با دشواری و سختی در دنیا، آسانی است در آخرت.

۶- **إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا:**

به درستی با دشواری که در مکه تو را هست آسانی بود در

مدینه

۷- **فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ**

پس چون فارغ شوی از تبلیغ رسالت پس رنج‌کش در مراسم عبادت یا چون از نماز فارغ شدی جهد کن در دعا.

۸- **وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ**

و به دعای پروردگار خود پس رغبت کن در همه وقت و هر چه خواهی از او بخواه که قادر به برآورده شدن حاجات و مرادات

تفسیر آسان قرآن کریم

جز حضرت او نیست. (منظور توکل به خدا در تمام امور).
له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الإنشراح» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس این سوره الإنشراح را قرائت نماید گویا در
حال غم و غصه‌ی من نزد من آمده و مرا شاد نموده
است.

سوره ضحی

﴿در مکه‌ی معظمه نازل و مشتمل بر یازده آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾
وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
فَتَرْضَىٰ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا
فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

تفسیر سوره ضحی

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- وَالضُّحَىٰ:

قسم به چاشتگاه - روشنایی روز - وقتی که در آن آفتاب ارتفاع یافته و نور وی متزاید گشته و گفته‌اند ضحی وقتی بود که خدای

تفسیر آسان قرآن کریم

تعالی در آن وقت با موسی^(ع) سخن گفت و ساحره‌های فرعون در آن وقت خدای را سجده کردند.

۲- وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ:

و سوگند به شب آن گاه که تاریک شود و اشیاء را به ظلمت بپوشد (تفسیر می‌گوید مفهوم آیه اشارت است به روشنی روی محمد ﷺ و سیاهی موی او) حق سبحانه به این‌ها که مذکور شد قسم می‌خورد که:

۳- مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ:

این آیه جواب مشرکان است که گفتند محمد را به خدایش ترک کرده و دشمنش داشته است که خداوند می‌فرماید فرو نگذاشته است تو را پروردگار تو و تو را دشمن نداشته است (در این آیه به پیغمبر بشارت داده شد که امت او در دنیا پیروز خواهند شد و اکثر بلاد به حوزه‌ی تسخیر آن‌ها خواهد آمد که پیغمبر ﷺ بسیار خوشحال شد.)

۴- وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ:

بعضی «آخرت» و «اولی» را دنیا و آخرت دانسته‌اند که ما

تفسیر آسان قرآن کریم

هم آیه را طبق همین قول ترجمه کرده‌ایم در معنی آیه آمده است که کرامتی که حق سبحانه در سرای آخر به تو ارزانی خواهد داشت و آن هزار قصر است در بهشت از مرواریدتر و خاک آن از مشک و در هر قصر همه نوع نعمت از حور و خدم و امتعه آنچه لایق او بود. و این‌ها برای تو بهتر از کرامت نخستین است که فتح بلاد است.

۵- وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ:

و به زودی خداوند تو را نعمت خواهد داد یعنی به تو مرتبه‌ی شفاعت درباره‌ی گنہکاران و اُمت پس تو خشنود خواهی شد. (یعنی خداوند آن قدر به تو عطا می‌دهد که می‌گویی بس است راضی شدم) محمد ﷺ هیچ گاه نمی‌خواهد که یک نفر از امت او در دوزخ بماند.

نماند به دوزخ کسی در گرو که دارد چنین سیدی پیشرو
عطای شفاعت چنانش دهند که امت همه از دوزخ رهند

۶- أَلَمْ نَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ:

آیا نیافت پروردگار تو ترا کودک یتیم بی‌پدر پس تو را به جد و عمو سپرد و در بحرالحقائق آمده که تو را در یتیم یافت در صدف

ختم نبوت جای داد.

بس که غواص کرم در تگ دریای قدیم

غوطه زد تا به کف آورد چنین در یتیم

۷- وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ:

گویند وقتی حلیمه (دایه محمد ﷺ) او را آورده بود که به مادر و جد بسپارد در دروازه مکه گمشده بود. خداوند می فرماید و یافت تو را در حالی که راه گم کرده بودی. پس راه نمود تو را به آن که جدت را به وقت رسانیده یا در راه شام وقتی که با میسره به تجارت رفته بودی و شتر تو از راه منحرف شد جبرئیل (ع) را فرستاد تا زمام شتر تو گرفته به راه آورد. یا راه نیافته بودی به علم احکام جبرئیل را فرستادم تا تو را به آن راه نمود. در تفسیر دیگر آمده که تو را یافت در دوستی مستغرق در بحر و محبت بر تو منت نهاد و به مقام قرب رسانید.

۸- وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ:

و یافت تو را تنگدست پس توانگر ساخت تو را به مال خدیجه یا به آن که تجارت کردی. و در تفسیر دیگر آمده که فقیر بودی به

تفسیر آسان قرآن کریم

مشاهده‌ی خلق تو را غنی گردانیدیم به مکاشفه‌ی انوار جمال خود.

۹- فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ:

پس اما یتیم را قهر مکن و قدر ایشان بشناس که تو شربت یتیمی را چشیده‌ای.

۱۰- وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ:

و اما سائل (کسی که سؤال می‌کند «منظورش گدا است») را بانگ مزین و محرم مساز که درد بی‌نوایی و تنگدستی کشیده‌ای.

سائل:

یعنی سؤال‌کننده، گدا، فقیر، کسی که درخواست کمک می‌کند.

۱۱- وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ:

و اما به نعمت پروردگار خود که نبوت است حدیث کن یعنی احکام آن را به مردم برسان که محدث به نعم شکر مُنعم است. اگر نعمت مرا بازگویی خلق را دوست من می‌گردانی و من ایشان را دوست می‌دارم.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الضحی» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی سوره‌ی **الضحی** را قرائت نماید خدای
تعالی ده حسنه به او عطا می‌کند.

سوره لیل

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر بیست و یک آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿١﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ
وَالْأُنثَىٰ ﴿٣﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾
وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنِيسِرُّهُ لِيَلْسَرَىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ نَخَلَ
وَأَسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾ فَسَنِيسِرُّهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾ وَمَا
يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ﴿١١﴾ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا
لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا
الْأَشْقَىٰ ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ ﴿١٧﴾ الَّذِي
يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ ﴿١٩﴾ إِلَّا
أَبْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿٢١﴾

تفسیر سوره الیل

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ:

سوگند به شب چون بپوشد عالم را به ظلمت خویش.

۲- وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ:

و سوگند به روز چون روشن شود و ظلمت شب را زائل گرداند این سوره با سوره‌ی قبل نظیر یکدیگرند در هر دو حال مؤمن و کافر بیان شده و هر دو با قسم آغاز گردیده و روز و شب مورد قسم است جز این که در آن سوره به روشنایی آغاز شده و به تاریکی انجام شده و در این سوره برعکس با تاریکی آغاز شده و بعد روشنایی است.

۳- وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ:

و سوگند به کسی که بیافرید نر و ماده را یعنی آدم و حوا را و یا مذکر و مؤنث از جمیع حیوانات. جواب قسم اینست.

۴- إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ:

به درستی که جزای سعی شما در کردارها هر آینه پراکنده است

تفسیر آسان قرآن کریم

یقیناً کار و کوشش شما پراکنده و از هم دور است) همه کس می‌داند که اعمال مردم متفرق و مختلف است. پس این آیه بیان اعمال مختلف و پاداش آن می‌کند.

۵- فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ:

پس هر کس مال خود را در راه خدا بخشید و پرهیز کرد از شرک و کبائر. پروردگار در این آیه از عطاء و بخشش نام برده بدون این که چیزی را که بخشیده می‌شود معین کند زیرا اصل بخشندگی و بخشش هر چه می‌خواهد باشد مورد توجه و شایسته ستایش است.

۶- وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ:

و تصدیق نمود کلمه‌ی نیکوتر را که (لا اله الا الله محمد رسول الله) است.

۷- فَسَنِيبَهُمْ لِيَلْسَنُوا:

تیسیر:

چند معنی دارد که از جمله توفیق و آماده کردن است و یسری به معنی آسانتر می‌باشد. خلاصه معنی آیه این می‌شود که هر کس

تفسیر آسان قرآن کریم

عطا کننده و پرهیزکار بود و عقیده و شریعت نیکوتر را باور داشت ما تمام لوازم ورود به بهشت را برایش آماده می‌سازیم یا برای عبادت و حسنات موفقش می‌داریم.

۸- وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ

۹- وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ

۱۰- فَسَنِيبُهُ رِيعَسَىٰ

و اما هر کس که بخل ورزید خود را از دین خدا بی‌نیاز شمرد و نیکوترین عقاید و شرایع را دروغ شمرد پس او را برای حالت یا طریقه‌ی دشوارتر (ورود به جهنم آماده می‌سازیم) سه رذیلت در این آیات مطابق با سه فضیلت در دو آیه ششم و هفتم آورده شده است ۱- بخل در برابر عطاء ۲- استغناء در مقابل تقوی ۳- تکذیب حسنی در مقابل تصدیق آن مقصود از (یسری) کار خیر و منظور از (عسری) عمل شر است.

۱۱- وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى:

و سود نمی‌دهد به حال او مالش یا دور نمی‌سازد از او مالش (عذاب و هلاک را) آن گاه که هلاک شد یا در دوزخ افتاد. یعنی

تفسیر آسان قرآن کریم

بخیل که این همه مال را دوست می‌دارد و از صرف آن در مصارف لازم خودداری می‌کند روزی که هلاک شد و در دوزخ افتاد دارایی او چه عذابی را از او دور تواند کرد و چه نفع و فایده‌ای به او تواند رسانید و هم‌چنین اگر در دنیا گرفتار عذاب الهی شود ثروتش سودی برای او نخواهد داشت.

۱۲- **إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ:**

یعنی آنچه بر ماست نشان دادن راه خیر و شر است که هم با الهام فطری و هم به وسیله‌ی وحی بر انبیاء آن‌ها را راهنمایی کرده‌ایم و رفتن راه با خود مردم است.

۱۳- **وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ:**

همانا برای ما و ملک ما است آخرت و دنیا نه طاعت فرمانبرداران ما را سودی می‌رساند و نه نافرمانی بدکاران زبانی جز این که حکمت و عدل ما این‌چنین اقتضا کرده است. که پرهیزکاران را به بهشت ببریم و ناسپاسان را در دوزخ افکنیم.

۱۴- **فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ:**

پس بیم دادم شما را از آتشی بزرگ که زبانه می‌کشد آتشی که

کفار در آن می‌سوزند بسیار سهمگین است.

۱۵- لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى

۱۶- الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى:

یعنی وارد نمی‌شود در آن آتش و نمی‌سوزد به آن مگر آن بدبخت‌تر که تکذیب کرد حق را و پشت گرداند از وظیفه یعنی در این آتش عظیم و الیم جز این دسته از کفار وارد نمی‌شوند ولی آن‌ها که در شک و تردیدند که نه تکذیب و نه تصدیق می‌نمایند یا گناهکار اینکه با ایمان و تصدیق مرتکب گناه‌های بزرگ می‌شوند در آتشی دیگر می‌سوزند.

۱۷- وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى

۱۸- الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى:

یعنی و برکنار می‌شود از آن آتش آن پرهیزکارتر که می‌دهد مالش را در حالی که پاکی می‌جوید (پاکی خودش از گناه و مالش از حقوق).

اشقی و اتقی:

هر چند در صورت صفت تفضیلی است ولی در معنی صفت

تفسیر آسان قرآن کریم

مطلق است و بدبخت و پرهیزکار معنی می‌دهد و چنین استعملی در زبان عرب معمول است.

۱۹- وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ:

و برای هیچ کس پیش او نعمتی نیست که پاداش می‌باید داد. چون اگر قرضی را بدهد و یا حقی را ادا کند چندان شایسته ستایش نیست.

۲۰- إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ:

یعنی آنچه مرد پرهیزکار می‌دهد جز برای این منظور نیست و قصد بر ریا ندارد لفظ وجه یعنی رضا و خشنودی.

خلاصه معنی آیه:

یعنی آن پرهیزگار مالش را می‌دهد تا پاک شود و طرف توجه خداوند و مورد نظر رحمتش واقع شود و مال و حقوقش نیز از حقوقی که مستحقین و به تعبیر قرآن سائل (گدا و سؤال کننده) و محروم در آن دارند پاک گردد.

۲۱- وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ:

و قطعاً آن پرهیزگار بخشنده در آینده خشنود و راضی خواهد

تفسیر آسان قرآن کریم

شد به آنچه خداوند بخشنده از اجر ثواب و نعمت و کرامت به وی عطا فرماید.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «والیل» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی **والیل** را قرائت نماید خداوند به قدر رضایت او به او ثواب عطا می‌فرماید.

سوره شمس

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر پانزده آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴿٢﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ﴿٣﴾
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَدَّهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا
طَحَّلَهَا ﴿٦﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾
قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ
بَطْغَوْنَهَا ﴿١١﴾ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ
وَسُقَيْنَهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ
فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا تَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

تفسیر سوره الشمس

به نام خداوند بخشنده مهربان

باز خداوند در این سوره به نشانه‌های قدرت و عظمت و حکمت خویش سوگند یاد می‌کند.

۱- وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا:

سوگند به آفتاب و تابش وی چون بلند گردد و به موضع چاشت رسد.

۲- وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا:

و به ماه چون از پی رود آفتاب را یعنی پس از آن غروب کند.

۳- وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا:

و سوگند به روز چون روشن کند زمین را یا بزداید زنگ و تیرگی شب را.

۴- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا:

و به شب چون بپوشاند آفاق را یا خورشید را.

۵- وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا:

و قسم به آسمان و به کسی که او را بنا کرده است.

۶- وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَلَهَا:

و قسم به زمین و به آن کسی که او را گسترده است.

۷- وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا:

و سوگند به نفس آدم^(ع) و کسی که اعضای او را تسویه فرمود (تسویه یعنی مساوی و در این آیه معنی اینست که آفریننده‌ی حکیم کلیه‌ی اندام و اعضاء تن و قوا و غرائز و نیروهای روان شخص را به نسبت فوائد و هدفها و منافعشان برابر و مساوی و هماهنگ ساخته است.)

۸- فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا:

پس الهام داده و اعلام نموده آن نفس را دروغ و ناپاکی و بی‌باکی او و پرهیزگاری و نیکوکاری و فرمانبرداری او را یعنی بیان کرده و روشن ساخته و تعلیم داده.

فجور:

یعنی دروغ و معصیت.

در کل معنی آیه چنین می‌شود که خداوند هر کسی را با الهام عالم و شناسایی فجور و تقوی ساخته و راه اجتناب از آن و اکتساب

این را به وی آموخته و او مختار است که هر یک از دو راه خیر و شر و فجور و تقوی را که بخواهد انتخاب و اختیار کند.

۹- قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا:

جواب قسم است یعنی پس از هشت سوگند می‌فرماید محققاً هر کس خویشتن (یا روح و نفس خود) را پاک ساخت رستگار گردید.

۱۰- وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا:

قطعاً هر کس خویشتن (یا نفس) را آلوده و گمراه و خوار ساخت نومید و بی‌بهره گشت.

به راستی جای کمال و دقت و تأمل است که پروردگار بی‌نیاز با هشت سوگند بفرماید سعادت و شقاوت حقیقی و حسن عاقبت و بد فرجامی هر کس به دست خودش و در حیطه‌ی اختیار و اقتدارش می‌باشد. بعد از بیان این حقیقت خداوند برای عبرت مسلمین سرگذشت مردمی را یاد می‌فرماید که از تزکیه نفس سر باز زده و خویشتن را آلوده به گناه ساختند و گرفتار کیفری شدید و بلایی عظیم شدند.

۱۱- كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا:

طایفه ثمود به جهت سرکشی خود پیغمبر خدا را (حضرت صالح) تکذیب نمود و دین را دروغ شمرد یعنی سرکش شدن و از حد گذشتن در گناه و بدکاری آدمی را در نتیجه به کفر می‌کشاند آن وقت خدا و دین و آخرت را دروغ می‌پندارد.

۱۲- إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا:

آن گاه شقی‌ترین آن‌ها بر پا خاست مفسران نام این شقی را (قدار بن سالف) نوشته‌اند. به قصد از بین بردن ناقه‌ی صالح که معجزه‌ی حضرت صالح بود از جانب خدا.

۱۳- فَقَالَ هُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا:

پس حضرت صالح فرستاده خدا به مردم گفت ناقه‌ی خدا را بگذارید در نوبت خود آب بخورد تا عذاب بر شما فرود نیاید و مانع آبشخور او نشوید.

۱۴- فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّلَهَا

پس ثمودیان پیغمبر خدا صالح را تکذیب کردند و ماده شتر را کشتند پس پروردگارشان به سبب گناهشان عذاب و نابودی بر آن‌ها

وارد کرده همه‌شان را در هلاک برابر ساخت یعنی حتی یک نفر نجات نیافت.

۱۵- وَلَا تَخَافُ عُقْبَاهَا:

یعنی خداوند از فرجام این نابود کردن ترس و بیمی ندارد. خداوند هرگاه گناهکاران را به عذاب گرفتار سازد از کسی نمی‌ترسد و از عاقبت عملش بیمی ندارد زیرا دیگران در پیشگاه او بازخواست می‌شوند و از او بازخواست نمی‌توانند بکنند.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الشمس» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی که سوره‌ی الشمس را بخواند مانند آنست که تمام چیزهایی را که به آنها آفتاب و ماه تابیده و می‌تابد در راه خدا صدقه داده باشد.

سوره بلد

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر بیست آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَتَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾
يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَأُبَدَأَ ﴿٦﴾ أَتَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ
لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا
أَقْتَحِمُ الْعُقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُ رَقَبَةً ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَمُ فِي
يَوْمِ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ
كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَئِكَ
أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾
عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

تفسیر سوره البلد

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ:

یعنی به این شهر سوگند یاد می‌کنم چنان نیست که کافران و مشرکان گمان می‌کنند که در آخرت به آن‌ها هیچ ضرری نرسیده بلکه در این آیه منظور از بلد مکه‌ی معظمه است.

۲- وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ:

یعنی تو کسی هستی که به این شهر فرود می‌آیی و در آن زندگی می‌کنی. لفظ حل از حلول که به معنی ورود است.

۳- وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٍ:

یعنی و سوگند به زاینده و آنچه می‌زاید. پدر در فارسی و والد در عربی به پدر والد و مادر والد و والده هم می‌گویند. والد: به گوسفند نیز گفته می‌شود ولی به معنی ماده‌ی باردار است. و (یا قسم به پدر حضرت ابراهیم و فرزندی که نسل او است).

۴- لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ:

تفسیر آسان قرآن کریم

یعنی محققاً ما آدمی را در رنج و سختی (یا راست بالا) آفریدیم کتب لغت و تفسیر نوعاً در لفظ کبد به معنی شدت غلظت و مشقت را ذکر کرده‌اند. عرب‌ها به شیر سفت و غلیظ می‌گویند «تکبد اللبن» و کبد «جگر سیاه» نیز چون خونی بسته است به این نام نامیده شده است. پس با این تفاسیل معنی آیه چنین می‌شود بی‌گمان ما آدمی را در رنج و سختی آفریدیم. از نخستین روز حیات که در تنگنای رحم با مشقت‌های بسیار به سر می‌برد تا با فشار و زحمت ولادت می‌یابد و ادوار مختلف زندگانی را از شیرخوارگی تا پیری و فرتوتی همه را در سختی‌های گوناگون و مشقات و زحمات فراوان سپری می‌کند در هر شرایطی و هر طبقه‌ای باشد.

پس خداوند می‌فرماید ما آدمی را نیرومند و راست بالا و در رنج و سختی آفریدیم.

۵- أَتَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ:

یعنی این انسانی که ما او را آفریدیم گمان می‌کند که هیچ کس بر او توانا نیست؟ خداوند در سوره‌ی پیش روحیه‌ی بشر و ضعف نفس او را تشریح فرمود که اگر ثروتی و احترامی داشت خود را نزد خداوند عزیز و مکرم می‌پندارد و هرگاه تنگدست بود خیال می‌کند

تفسیر آسان قرآن کریم

خداوند او را خوار و ذلیل داشته خلاصه نه بر نعمتی شکر می کند و نه در سختی و محنتی صبر دارد.

۶- يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا:

(همین که قیامت شد انسان عاصی به خدای تعالی دید که مسلط بر او هستیم و به عذاب کردنش قادریم و یقین کرد که مال و ثروت مصرف شده از روی ریا در دنیا به او هیچ فایده نداد) آن وقت خواهد گفت که مال بسیار به طریق جاهلیت از روی فخر و ریا صرف کرده ضایع نمودم (ولی امروز آن اموال به من فایده ندادند).

۷- أَتَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ:

(یا محمد ﷺ انسانی که مال خود را در دنیا در مقام فخر و ریا صرف می کند در حالی که در آخرت برای او ضرر و وبال خواهد شد) آیا چنان گمان می کند که هیچ کس (حتی خدای متعال هم) او را ندیده است (لیکن جمیع اعمال او را خدای تعالی می بیند و به اسرار او مطلع شده مطابق اعمالش به او جزا خواهد).

۸- أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ:

تفسیر آسان قرآن کریم

(این انسانی که مال خود را در مقام فخر و ریا صرف می‌کند) مگر برای او دو چشم قرار ندادیم.

۹- **وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ:**

و زبان (گویا و مترجم مطلب قلب) و دو لب (برای اکل و شرب او قرار نداده‌ایم).

۱۰- **وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ:**

(این نعمت‌ها را به انسان داده) و به راه خیر و شر او را هدایت کردیم و برای اخذ هر یک از آن‌ها انسان را فاعل بالاختیار قرار دادیم و به هیچ وجه بر او زور و جبر ننمودیم).

۱۱- **فَلَا أُقْتَحَمُ الْعُقَبَةَ:**

پس به راه سر بالایی دشوار نتواند رفت (یعنی انسان مخالف نفس خود نشده خواهش نفس را ترک نکرده با جهاد نفسانی در سلک نیکوکاران داخل نمی‌شود).

۱۲- **وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ:**

و (یا محمد ﷺ) تو چه دانی که آن راه سخت چیست؟
(به تو هیچ کس نفهم نکرده ما باید به تو بفهمانیم مراد از عقبه

تفسیر آسان قرآن کریم

شرح زیر می باشد).

۱۳- فَكُ رَقَبَةً:

(آزاد کردن بنده‌ای) سبب نجات از عقبه باز کردن بند از گردنی است.

فک:

به معنی رها نمودن و باز کردن است.

رقبه:

به معنی گردن.

۱۴- أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ:

یعنی خوراندن طعام در روزی که طعام به دشواری یابند؛ (به چه کسی اطعام می شود می فرماید).

۱۵- يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ:

اطعام به یتیم.

مقربه:

از قرب به معنی قرابت و خویشاوندی است.

۱۶- أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ:

مسکین:

از سکون به معنی بی حرکت بینوایی است که از گرسنگی و برهنگی قادر به حرکت نیست و از کار باز مانده.

متر به:

به معنی خاک نشینی. کنایه از فقیر و بی چیز.

۱۷- ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا

بِالرَّحْمَةِ:

سپس با مباشرت به این اعمال خیر باید از اشخاصی باشند که ایمان آورده اند و یکدیگر را به طاعت و عبادت و صبر و ترک معصیت و ترحم و امانت درباره‌ی دیگران وصیت می‌کنم. (با داشتن چنین ایمان و عقیده‌ای اعمال فوق‌الذکر نتیجه نکو خواهد داشت و گرنه به هیچ وجه ثمربخش نخواهد بود).

۱۸- أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ:

(یا محمد ﷺ) این اشخاص در قیامت اصحاب یمین خواهند بود (یمین به معنی دست راست) یعنی آن گروه مؤمنان صابر و مهربان اصحاب دست راست هستند که از جانب یمین عرش به

تفسیر آسان قرآن کریم

بهشت روند و آنها خداوند یمن و برکت‌اند.

۱۹- وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِعَايَتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ:

مشمت:

ضد میمنت است که هم معنی دست چپ و نامبارک معنی می‌دهد یعنی و کسانی که نسبت به آیات ما کفر ورزیدند آنها از جانب چپ عرش وارد دوزخ می‌شوند و آنها اهل نکبت هستند.

۲۰- عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ:

آنان نگون‌بخت (اهل عذاب) خواهند بود آتشی که سر آن بسته باشد و نه روحی بدان درآید و نه دودی از آن خارج شود. له الحمد تفسیر سوره مبارکه «البلد» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی که سوره‌ی البلد را قرائت کند خدای تعالی روز قیامت از غضب خود او را در امان دارد.

سوره فجر

﴿در مکه‌ی معظمه نازل شده و مشتمل بر سی آیه می‌باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾
وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾
وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾
وَاللَّيْلِ إِذَا يَسَّرٍ ﴿٤﴾
هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ﴿٥﴾
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ
بِعَادِ ۖ ﴿٦﴾
إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾
الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ ﴿٨﴾
وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾
وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾
الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبَلَدِ ﴿١١﴾
فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾
فَصَبَّ عَلَيْهِمْ
رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾
إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾
فَأَمَّا الْإِنْسَانُ
إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾
وَأَمَّا
إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ﴿١٦﴾
كَلَّا ۖ بَلْ لَّا
تُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾
وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿١٨﴾

وَتَأْكُلُونَ الْثَرَاتِ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾ وَحُبُونَ أَلْمَالَ حُبًّا
 جَمًّا ﴿٢٠﴾ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ
 وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِئْنَا يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ
 الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَلِيَّتَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾
 فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وِثْقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾
 يَنأِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً
 مُرْضِيَةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخِلِي فِي عَبْدِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخِلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

تفسیر سوره الفجر

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- وَالْفَجْرِ:

قسم به بامداد به صبح که وقت مناجات دوستان است یا به نماز صبح که آرام جان بی دلان است و به قولی مراد از روز اول محرم است و یا اول ذیحجه که لیالی عشر مقترن بدوست یا بامداد آدینه که حج مسکینان است یا صباح روز عرفه که وظائف دعا و نیاز

تفسیر آسان قرآن کریم

حاجیان در آن است یا سپیده دم روز عید که روز قربان است.

۲- وَلَيَالٍ عَشْرٍ:

و سوگند به ده شب یعنی دهه‌ی اول ذیحجه که عرفه در آن است و یا دهه‌ی اول محرم که آشورا از آن است و یا دهه‌ی آخر ماه رمضان که شب قدر در اوست و یا دهه‌ی میانه‌ی شعبان که برات بر اوست.

۳- وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ:

قسم به جفت و طاق منظور از جفت و طاق تضاد اوصاف مخلوق است چون عز و ذل، قدرت و عجز، علم و جهل، قوت و ضعف، موت و حیات، و مانند صفات الهی چون عز بی ذل، قدرت بی عجز، علم بی جهل، قوت بی ضعف، حیات بی موت.

۴- وَاللَّيْلِ إِذَا يَسَّرَ:

یسر:

یعنی رفتن در شب (شبروی) سوگند به شب آن گاه که بگذرد. (یعنی شب قدر). (به این چیزها قسم میخورم که البته به کفار و عاصیان عذاب خواهم رساند).

۵- هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ:

(یا محمد ﷺ) آیا در قسم خوردن به این چیزها برای صاحبان عقل قسم خوردن کفایت می‌کند. (یا باز قسم دیگر می‌خواهند البته برای صاحبان عقل باید یکی از این قسم‌ها کافی باشد).

۶- أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ:

آیا ندیدی که پروردگار تو با قوم عاد چه کرد آن‌ها که صاحب ستون‌های بلند و کاخ‌های عظیم بودند (پروردگار تو یا محمد ﷺ البته به عذاب کردن عاصیان قادر است).

۷- إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ:

مقصود از عاد ارم است که دارای ستون‌ها و پایه‌ها بودند. چون عاد دو طایفه بودند عاد اول و عاد دوم که خداوند عاد اول را هلاک فرموده که در شب آن‌ها گفته‌اند عاد بن عوص بن ارم بن سام بن نوح اگر این نسب درست باشد پس خداوند آن‌ها را به جدشان (ارم) شناسانده است. پس معنی آیه: پروردگار تو (یا محمد ﷺ) آیا ندیده‌ای و یا نشنیده‌ای که به جماعت عاد اول (جماعت ارم) که به عمارت رفیع صاحب ستون‌های بلند مالک

تفسیر آسان قرآن کریم

بودند عذاب فرستاد و چگونه آنها را هلاک نمود.

ارم ذات‌العماد:

ارم نام شهر عادیان است و ذات‌العماد صفت اوست. یعنی شهر ارم خداوند بنایی بزرگ است چنان بنایی که نظیر او در هیچ بلادی نبود و قصه‌ی آن بدین گونه است که شخصی به نام عبدالله بن قُلابه طلب شتر گم شده‌اش در صحرای عدن می‌گشت در بیابانی به شهری رسید که دیوارها و حصارهای محکم داشت و حوالی آن قصرهای بسیار. عبدالله به امید آن که کسی را ببیند و احوال شتر خود را پرسد به در حصار آمد دری دید که هر دو مصراعش مکلل به جواهر قیمتی و هیچ کس را آنجا نیافت متحیر شد و چون به شهر وارد شد حیرتش بیفزود و چه قصرها دید بر ستون‌هایی از یاقوت و زمرد بنا کرده و خستی از زر و خستی از نقره و فرش‌ها بر همین بجای سنگ‌ریزه مروارید و در حوالی هر قصری آب‌هایی روان بروی آن لؤلؤ و مرجان و درختان بسیار تنه‌های آن از زر و برگ‌ها از زبرجد و شکوفه‌ها از سیم به خود گفت این چه منزل چه بهشت چه مقام است اینجا پس قدری از آن جواهر برداشت و بر پشت

بسته و به شهر خود بازگشت مردم که آن جواهرات را دیدند حمل بر یافتن گنجی کرده این قصه در زبان‌های مردم افتاد تا حدی که حال او به معاویه رضی الله عنه که در آن وقت حاکم شام بود اظهار کردند معاویه وی را طلبید و تمام حکایت از اول تا آخر استماع کرد فرمود پس او را بر مجلس بنشانید و کعب الاخبار را طلبید و پرسید که در دنیا شهری است که بنای او از زر و نقره باشد و درختان او مکلل به جواهر کعب گفت آری شهریست که حق سبحانه او را در قرآن یاد کرده که لم یخلق مثلها فی البلاد شهری چون بهشت از نیکویی و آن را شداد بن عاد ساخته و او پادشاهی عظیم بود و نهصد سال عمر داشته هر جای که در عالم زر و جواهری بود همه را جمع کرده و صد قهرمان هر کدام با هزار نوکر فرستاد تا شهر ارم را ساختند ملوک عالم را جمع کرد و از دارالسلطنت خود به تماشای آن شهر متوجه شد یک شب از راه میانه روی که هنوز ساخته نشده بود که حق تعالی ملکی را فرستاد تا صیبه‌ای بر ایشان زد و همه بمردند و آن شهر از نظر مردم پوشیده شد و خوانده‌ام در کتب سابق که در زمان حکومت تو مردی کوتاه بالا و سرخ رنگ سبز چشم که بر روی او

تفسیر آسان قرآن کریم

خالی بر گردن دارد (علامت او است) به طلب شتری بدانجا
رسد و آن را ببیند پس نگاه کرد و (ابن قلا) را دید با آن
نشانی‌ها. و گفت هو الله ذلک الرجل.

۸- اَلَّتِي لَمْ تَخْلَقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ:

چنان عماراتی که نظیر آن‌ها در شهرها و ممالک دیگر ایجاد و
بنا نشده بود و مخصوص خودشان بود با این همه خدای تعالی به
سبب کفر و شرکشان آن‌ها را هلاک ساخته و عماراتشان را ویران
نمود.

۹- وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ:

و باز هم به احوال جماعت تمود مطلع باشی که در سرزمینی به
نام (وادی القری) سنگ‌ها بریده از قطعه سنگ بزرگی خانه‌ای
درست می‌کردند (قوت بدنشان تا این اندازه بود با این همه خدای
تعالی تمام آن‌ها را هلاک ساخت منازلشان مابین شام و مدینه
باقیست و برای مسافرین و سیاحان محل عبرت است).

۱۰- وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ:

و به قوم فرعون صاحب (اهرام) به شکل میخ‌ها (چگونه عذاب

تفسیر آسان قرآن کریم

فرستاد میخ‌ها اشاره به کثرت قشون فرعون بود از کثرت چادر مورد احتیاج قشون میخ‌های آن‌ها به حساب و شماره نمی‌آمد. بعضی مفسران اوتاد را به معنی اهرام که به شکل میخ وارونه است ترجمه نموده‌اند).

۱۱- الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ:

آنان که (فرعون و قشون او) در شهرها (ی مصر) طغیان نمودند.

۱۲- فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ:

یعنی هم خود به فساد پرداختند و هم دیگران را تشویق به فساد نمودند و وسایل فساد را از هر حیث فراهم نمودند.

۱۳- فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ

پس پروردگار تازیانه عذاب بر آنان فرود آورد. سوط یعنی فرود آوردن.

۱۴- إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ:

(ای محمد ﷺ) پروردگار تو به اعمال بندگان مراقب است (هیچ یک اعمال آن‌ها از نظر خدای تعالی فوت نمی‌شود به عمل خیر جزای خیر و به عمل شر جزای شر خواهد داد)

۱۵- فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ
رَبِّيَ أَخْرَجَنِي:

(خدای تعالی از بندگان خود اراده‌ی عبادت و اطاعت نموده به عاصیان عذاب خواهد نمود لیکن زمانی که خدای تعالی با دادن نعمت) انسان را امتحان کند عزیز و مکرم نموده نعم خود را بر او تمام نموده آن وقت انسان تفضل و احسان خدای تعالی را از یاد برده می‌گوید به سبب استحقاق و لیاقت این نعمت‌ها را خدای تعالی به من داده و مرا عزیز و مکرم می‌دارد (چنین سخنانی گفته و شکرگزاری خدای متعال را از یاد برده)

۱۶- وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّيَ
أَهَنَّنِي:

و اما زمانی که انسان را به مقام امتحان می‌آورد (تا معلوم شود که آیا انسان صبر می‌کند و یا جزع) روزیش را بر او تنگ گرفته به حال فقر می‌اندازد آن وقت انسان صبر نکرده می‌گوید پروردگار من مرا به فقیری ذلیل و خوار نمود (صفت انسان چنین است به نعمت شکر گزار نشده و به فقر صابر نمی‌شود).

۱۷- كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرُمُونَ الْيَتِيمَ:

نه چنان است که گمان می کنند کافران بلکه کرامت به طاعت است و ذلت به معصیت. (باید در حال نعمت و یا فقر شما نوع بشر صبر کرده به خدای تعالی شکرگزار شوید) و یا: نه چنین است بلکه شما یتیم را نوازش نمی کنید و امانت ما را ضایع نسازید.

۱۸- وَلَا تَحْضُونِ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ:

و بر اطعام مستمند رغبت ندارید (علاوه بر آن که مراعات احوال فقرا بر شما لازم است تحریض و ترغیب دیگران به چنین عملی نیز بر شما واجب است آیا عملی بدتر و خبیث تر از این می شود)؟

۱۹- وَتَأْكُلُونَ الْوَرَثَ أَكْلًا لَّمًّا:

و میراث رسیده از اقربا و خصه دیگران را نیز جمع نموده و حلال را به حرام مخلوط کرده می خورید (به زنان و بچه ها از ارث سهم نداده مال آن ها را همه می خوردند چنانچه در این زمان می خورند)

۲۰- وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا:

تفسیر آسان قرآن کریم

و مال دنیا را با حرص و ولع شدید دوست داشته حقوق واجبه (مانند زکات) را نمی‌دهید.

۲۱- كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا:

(از عذاب الهی در روز محشر خوف کرده این اعمال را ترک کنید) نه چنین است زمانی که (روز قیامت) زمین پشت سر هم متزلزل و خورد شده پاره پاره گردد.

۲۲- وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا:

و بیایند فرشتگان به صف محشر صفی پس از صفی به سبب منازل و مراتب خود. و در تفسیر امام ابواللیث رحمه الله مذکور است که اهل هر آسمان جداگانه صفی باشند.

۲۳- وَجِئَاءَ يَوْمَئِذٍ نَجْهَمٌ^ج يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى:

روز قیامت جهنم آورده می‌شود در آن روز همین که جهنم حاضر شد و عذاب یقین گشت آن وقت انسان متذکر می‌شود که ای وای عذاب یقین بوده است ای کاش من در دنیا عمل خیر می‌کردم آن روز انسان یاد کند از گناهان خود

یا پند گیرد و آگاه شود از قیامت اعمال خود و انی له الذکرى و کی برای او منفعت می دهد چون محل تذکر دنیا باشد نه عقبی و چون بنده می بیند که پند گرفتن سود نمی دهد با حسرت گوید.

۲۴- يَقُولُ يَلَيَّتَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي:

(موقع دیدن آتش جهنم) می گوید ای کاش برای حیات همیشگیم در قیامت اعمال خیر می فرستادم تا در این روز به من فایده می داد. در تفسیر دیگر می گوید: ای کاش که قدمت لحياتی پیش می فرستادم عمل خیری را برای زندگی من در این عالم.

۲۵- فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ:

روز قیامت هیچ کس به اندازه‌ی عذاب کردن خدای تعالی به عذاب کردن قادر نیست هر امر منحصرأً به خدای تعالی واگذار است به عذاب کردن و ثواب دادن خودش مباشر است.

۲۶- وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ:

و هیچ کس مانند خدای تعالی نمی تواند عاصیان را به زنجیر

بسته و بکشد.

۲۷- يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ:

هان ای نفس آرام گرفته به ذکر من که شاکر بودی در نعمت و صابر بودی در محنت (هان ای نفوسی که از هر خوف و حزن خاطر جمع شده از عذاب در امان هستی).

۲۸- أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً:

باز گرد از دنیا به سوی موعد پروردگارت در حالی که خدای از تو راضی بوده و تو هم از نعمت‌های آماده شده‌ی خدای تعالی راضی هستی.

۲۹- فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي:

پس درآی در زمره‌ی بندگان شایسته‌ی من.

۳۰- وَأَدْخُلِي جَنَّتِي:

و درآی به بهشت من همراه مقربان و نزدیکان و خاصان حضرت من.

حمد خدا را که تفسیر سوره‌ی مبارکه «الفجر» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی سوره‌ی الفجر را در شب‌های ده‌گانه‌ی اول ذیحجه قرائت کند خدای تعالی او را می‌بخشد و برای اشخاصی که در سایر شب‌ها قرائت کنند روز قیامت نوری می‌شود.

سوره غاشیه

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر بیست و شش آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَتْكَ حَدِيثُ الْعَشِيَةِ ﴿١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَشِيعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ
نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آئِنِيَةٍ ﴿٥﴾ لَيْسَ
لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ﴿٦﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾
وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ﴿٨﴾ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾ لَا
تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً ﴿١١﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾
وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾ وَمَنَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾
أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ
رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ
سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمُ

مُصِطِرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ
الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

تفسیر سوره الغاشیه

در این سوره کیفیت روز رستاخیز و پاداش و کیفر نیکوکاران و بدکاران بیان شده آن گاه به نشانه‌های قدرت و حکمت آفریدگار قادر حکیم اشاره فرموده و سوره به تهدید کفار ختم می‌شود در این سوره ابتدا آثار دانایی و توانایی پروردگار را بیان داشته سپس مردم را به دو دسته پندپذیر و خداترس یا نصیحت ناشنو بدبخت و مجدداً به دو گروه پاکان رستگار و دنیاپرستان بدفرجام تقسیم فرموده است.

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَشِيَّةِ

۲- وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

یا محمد ﷺ آیا خبر (بلا و مصیبت (قیامت) که تمام افراد نوع

تفسیر آسان قرآن کریم

بشر را فرا خواهد گرفت به تو رسیده است؟
در آن روز چهره‌هایی خوار و ذلیل می‌گردد (کافران و
گناهکاران چون علامت ذلت و خواری در چهره ظاهر می‌شود و به
همین دلیل خواری و ذلت را به چهره نسبت داده‌اند).

۳- عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ:

صاحبان چهره‌های خوار و مذلت‌بار آنانند (که در دنیا) خود را
به رنج انداخته هر فسق و فجور و هر کردار بدی را مرتکب
می‌شوند. پس کسانی در رستخیز ذلیل و زبون می‌شوند که در دنیا
کار زیاد و رنج زیاد بردند اما این زحمات برای جمع‌آوری ثروت و
یا رسیدن به مقام بود و یا در کارهای خیر کوشیدند ولی به منظور
کسب وجهه و محبوبیت در جامعه نه برای خدا و انجام تکالیف
مذهبی و دینی.

۴- تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً:

وارد آتشی شوند بسیار گرم و سوزان (صاحبان آن چهره‌ها).

حامیه:

یعنی بسیار سوزان و به معنی خشمگین نیز آمده است. پی
می‌توانیم برای آیه این معنی را نیز اضافه کنیم. گویا آتش دوزخ

موجود زنده‌ای است که با خشم بسیار به کیفر کفار می‌پردازد.

۵- تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ ءَانِيَةٍ:

انیه:

یعنی بسیار جوشان. پس جای کفار در آتشی بسیار سوزان و آبشان از چشمه‌ای بسیار جوشان است.

۶- لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ

۷- لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ جُوعٍ

برای آنان طعامی جز ضریع نیست (اهل دوزخ) (چون ضریع از نوع خوراکی‌های معمولی انسان نیست و نفس از آن بیزار است) لذا نه نیرویی به بدن می‌دهد و نه گرسنگی را از بین می‌برد (پس چنین چیزی غذا نبوده فقط وسیله‌ی عذاب است).

ضریع:

گیاهی است که برگ ندارد و سراپا خار است مفسران می‌گویند که این گیاه تا وقتی تازه باشد شبرق نامیده می‌شود و شتران آن را می‌خورند اما وقتی خشک شد این حیوان نیز نمی‌تواند آن را بخورد و در این حال ضریع نامیده می‌شود.

۸- **وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ**

صورت‌های مؤمنین در آن روز منعم و مسرورند و نورانی و تابان و خرم و خندان تمام این معانی در لفظ (ناعمه) مندرج است. در اینجا و در تفسیر آیه دوم می‌توانیم (وجوه) را به معنی صورت‌ها بگیریم (که آثار فرح و سرور و شادمانی در آن‌ها ظاهر و هویداست).

۹- **لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ**

۱۰- **فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ**

معنی این دو آیه کاملاً واضح است در آیه اول می‌فرماید آن بهشتیان برای کوششی که کرده‌اند خشنود بوده و آن را می‌پسندند چون نتیجه‌اش را می‌بینند و پاداشش را به چندین برابر می‌گیرند در آیه بعد کیفیت آن پاداش و نتیجه را بیان می‌فرماید که آن‌ها در بهشت عالی هستند عالی بودن بهشت هم به لحاظ ظاهر و صورت است که کاخ‌ها مجلل و رفیع می‌باشد و هم به لحاظ عظمت معنوی آن‌ها.

فی جنه عالیه:

در بهشتی که عالی مقدار است خواهند بود.

۱۱- لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً:

آن بهشتیان سخن لغو و بیهوده نمی شنوند.

لاغیه:

بیهوده (لغو)

۱۲- فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ:

عین اسم جنس است یعنی چشمه‌هایی از آب و شیر و عسل بر طبق اراده اهل بهشت به صورت دائم است.

۱۳- فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ:

سرو:

جمع سریر است یعنی در جنت تخت‌های بلندپایه مهیاست.

۱۴- وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ:

و به هر طرفی رو آوردند برای آن‌ها جام‌هایی برای نوشیدن نهاده شده است.

۱۵- وَمَنَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ:

۱۶- وَزَرَلْنِي مَبْثُوثًا

نمرقه:

یعنی بالش و یا متکا یعنی بالش‌ها و متکاهایی پهلوی هم و روی هم چیده شده و فرش‌های گرانبها همه طرف پراکنده و گسترده شده است.

۱۷- أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ

آیا به سوی شتر نگاه نمی‌کنند و به خلقت این حیوان عجیب فکر نمی‌کنند که خداوند چگونه (مخلوق عجیبی) را آفریده است. تفسیر در وصف شتر می‌فرماید در خار خوری قانع در بار کشی راضی شتر نیرومندترین حیوان اهلی است و در عین حال رام‌ترین و مطیع‌ترین آنهاست که یک کودک خردسال می‌تواند افسارش را گرفته به هر طرف که می‌خواهد ببرد تنها این حیوان عجیب است که هر مقدار بار می‌تواند حمل کند و با همان بار می‌تواند از زمین بلند شود و حرکت کند از این جهت است که او را می‌خوابانند و بار می‌کنند در حالی که الاغ یا قاطر اگر زیر بار بخوابد باید بارش را تخلیه کند تا بتواند برخیزد.

۱۸- شتر می‌تواند یک هفته چیزی نخورد و یا نیشامد و

تفسیر آسان قرآن کریم

می تواند در یک روز پنجاه فرسخ راه بپیماید و نیز می تواند در بیابان پر از برف که راه به کلی ناپیدا است راه را پیدا کند و بدون اشتباه به مقصد برسد.

به راستی که باید برای کیفیت خلقت این حیوان که آیتی قابل توجه برای شناخت حکمت و تدبیر و رأفت پروردگار است نظر دقیق نمود.

۱۸- **وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ**

و آیا به آسمان نمی نگرند که چگونه مرتفع گشته

۱۹- **وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ**

و به سوی کوه ها که چگونه نصب شده

۲۰- **وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ**

و به سوی زمین که چگونه بسط یافته.

خداوند در سه آیه فوق بشر را تحریض بر تفکر درباره ی آسمان و زمین و کوه ها می کند تا در کیفیت ارتفاع آسمان و فواصل خورشید و ماه و ستارگان با زمین و نیز در چگونگی نصب کوه ها و همواری زمین بنگرد و خوب در فوائد آن ها بیندیشد که ما قبلاً به

تفصیل بحث نمودیم.

۲۱- فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ:

یعنی (یا محمد ﷺ) کار تو فقط تبلیغ و دعوت و پند و اندرز دادن است و بشر را با آیات الهی و مقتضای فطرت دینی اش متوجه ساختن پس تو واعظ و پند آموزنده هستی (دلایل و برهانها) را به خاطر بیاور.

۲۲- لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ:

نمی توانی دل های آنها را با اعمال قدرت منقلب سازی یا آنها را به اجبار به قبول اسلام و اداری پیغمبر ﷺ پیروان هیچ دین دیگری را به اجبار مجبور به پذیرفتن اسلام نفرمود فقط بت پرستان و مشرکان را به ترک شرک و اداشت. آیات فراوانی در قرآن هست که به پیغمبر خطاب می شود که اکراه و اجبار نمی توانی کرد و کار مردم واگذار به تو نشده است و از تو درباره ی آنها بازخواست نمی شود و تو قادر بر هدایت آنان نمی باشی ایمان و عدم ایمان به اختیار خود آنان واگذار شده فقط خدا است که با اراده ی عالیه و مشیت بالغه اش می تواند همه ی مردم را خدانشناس و دیندار و مسلمان سازد. و این کار را نکرده و افراد را بعد از فرستادن پیامبران و اتمام

حجت به اختیار و انتخاب خودشان وا گذاشته است. می خواهند به صراط مستقیم بروند و یا راه شیطان را در پیش گیرند.

۲۳- إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ

لیکن هر که (از دین اسلام) اعراض نموده کافر گردد.

۲۴- فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ:

خدای تعالی (بر او غالب است) و او را به عذاب بزرگی معذب خواهد کرد.

۲۵- إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ:

در حقیقت بازگشت آن‌ها (پس از آن که مرگ آنان را دریافت) به سوی ما خواهد بود.

۲۶- ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ:

و بعد از آن که (به سوی ما بازگشته جمع گردیدند) در حقیقت حساب آن‌ها بر ماست (جز ما کسی حساب نخواهد خواست حساب آن‌ها را روی عدل و حق رسیدگی و جزای هر شخصی را مطابق عملی که کرده است خواهیم داد.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الغاشیه» تمام شد.

تفسیر آسان قرآن کریم

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کسی که سوره‌ی الغاشیة را قرائت کند خدای
تعالی با او به نحو آسان حساب می‌کند.

سوره اعلیٰ

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر نوزده آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ
فَهَدَى ﴿٣﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾
سُنُقِرُكَ فَلَآ تَنْسَى ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا
يَخْفَى ﴿٧﴾ وَنُبَشِّرُكَ لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿٩﴾
سَيِّدَكَ مَن يَخْشَى ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ
الْكُبْرَى ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿١٣﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن
تَزَكَّى ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾ بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَوَةَ
الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ
الْأُولَى ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾

تفسیر سوره الاعلی

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى:

یاد کن نام پروردگارت را به پاکی (از هر قبیل صفات و معانی غیر لایق او تنزیه کرده مقدس قرار بده) مفسران روایت کرده‌اند که وقتی (سبح اسم ربک الاعلی) نازل شد آن حضرت فرمود آن را در سجودتان قرار دهید و هنگامی که (فسبح باسم ربک الذی العظیم) نزول یافت فرمود آن را در رکوع خود قرار دهید. پس وقتی در رکوع (سبحان ربی الاعلی و بحمده) و در سجود (سبحان ربی الاعلی و بحمده) می‌گوئیم نام خدا را که همان رب می‌باشد ذکر نموده آن را تسبیح و تقدس کرده‌ایم.

۲- الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى:

آن خدایی که بیافرید همه‌ی چیزها را و پس از خلقت هر شی‌ای را محکم و مساوی و متناسب‌الاجزاء قرار داد.

۳- وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى:

و آن خدایی که تقدیر کرد روزی‌ها را، پس راه نمود به طریق

اکتساب آن یا مقدر ساخت منافع را و هدایت بدان فرمود به استخراج آن‌ها یا مقدر کرد مدت مکث مولود در رحم و او را راه نمود به بیرون آمدن.

۳- وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ:

فهدی:

مفسران معتقدند که هدایت شامل جمیع هدایات و در همه‌ی کائنات و مخلوقات است. میدانیم، نخست، اندک توجهی به گردش کرات آسمانی و هدایت ستارگان و ماه و خورشید می‌کنیم که با چه نظم دقیق هر یک در مداری مخصوص و با حرکتی متناسب، سریع یا بطیء و با فاصله‌ی معینی برگرد خورشید یا ستاره‌ی دیگری می‌گردند. در هر یک از جانوران بسیار پست و حقیر که بخواهیم سخن بگوئیم مطلب عجیب و اعمال حیرت‌آور بسیار است مثلاً یکی از شگفت‌انگیزین حشرات عالم عنکبوت است که به نظر ما این قدر پست و ناچیز می‌آید، این حشره هر چند انواع بسیار دارد ولی به طور کلی بر دو قسم خاکی و آبی تقسیم می‌گردد و کارها و هنرهای این دو نوع، حشره‌شناسان

تفسیر آسان قرآن کریم

را دچار اعجاب و حیرت کرده است. مترلینگ در کتاب خود به نام عنکبوت آبی درباره‌ی یکی از انواع عجیب عنکبوت بنام (ارژیروفت) می‌نویسد او در اطراف پیله‌ی تخم خود تارهای مخصوص و طولی می‌تند که دارای فضاهای جداگانه و محصور می‌باشد چون پیله در همین محیط می‌ترکد و نوزادان از آن خارج می‌شوند قهراً وارد شبکه‌هایی که مادرشان به وجود آورده است می‌گردند. نکته‌ای که به هیچ وجه باور کردنی به نظر نمی‌آید آنست که شبکه‌های تارهای مزبور به صورت محوطه‌های محصور به وجود آمده که اولین حرکات نوزادان را در آنها صورت می‌دهد و آنان وقتی کارهای مخصوصی آموختند وارد محوطه‌های دور می‌گردند، در اصطلاح بشری می‌توان محوطه‌های شبکه را به باغ‌ها و کودکستان‌ها و مدارس کوچک تشبیه کرد که اطفال عنکبوت راه و رسم زندگی را به کمک آنها می‌آموزند. مترلینگ در کتاب مذکور با تفصیل و تشریح فراوان از عنکبوت آبی که موضوع کتاب او است سخن گفته و از جمله بحثی جالب و شنیدنی راجع به یک نوع عنکبوت آبی به نام (ارژیروفت) کرده است او می‌گوید در درجه‌ی اول

باید توجه داشت که انواع مختلف عنکبوت، مانند ماهی دارای (برانشی) نیستند که در داخل آب با تجزیه‌ی اکسیژن آن تنفس کنند بلکه نوبت به نوبت از آب خارج شده تنفس می‌کنند باز به درون آب برمی‌گردند ولی (ارژیروفت) اختراع بسیار شگفت‌انگیزی برای تنفس در زیر آب نموده است که می‌تواند همواره در آب بماند مرحله‌ی اول اختراع این حشره باهوش ناقوس مواجی است ولی از خود این ناقوس به تنهایی کاری ساخته نیست بلکه ضمیمه‌ای دارد که اختراع اساسی و اصلی جانور است و آن حبابی بلوری می‌باشد حباب مذکور که وظیفه گرفتن و تصفیه کردن و رساندن هوا و تجزیه‌ی آن را به کمک ناقوس مزبور عهده‌دار است دستگاهی آن قدر عجیب و فنی است که تمام ماشین‌های بزرگ تهویه‌ی زیرآبی و پمپ‌ها و گازهای تخلیه‌ی تحت‌البحری و کابل‌ها و وزنه‌ها و کلاه‌های زیرآبی مخصوص که امروزه در کارهای زیر دریایی استعمال می‌شود در قبال آن هیچ و همچون بازیچه‌ای است که فقط به درد کودکان نابالغ می‌خورد. این جانور علاوه بر حباب بلور و ناقوس مواجش، قصری باشکوه نیز می‌سازد که دارای

تفسیر آسان قرآن کریم

قسمت‌های جداگانه است از قبیل اطاق خواب و اطاق غذاخوری و حجله‌ی عروسی و زفاف و محل تولد نوزادانش. از عجایب، آن که قصر او نیز مانند حبابش مملو از هوای متراکم و فشرده و متبلور و به صورت درخشان می‌باشد. مترلینگ آن فیلسوف شکاک تصریح می‌کند که اعمال شگفت‌انگیز این حشره‌ی عجیب را نمی‌توانیم ناشی از غریزه بدانیم پس از آن که محققانه در جزئیات زندگانی و کارهای حیرت‌افزایش وارد شده به شرح و تفصیل بیان می‌کند در آخر می‌گوید آیا عنکبوت این همه علم و معرفت را از کجا اندوخته و چگونه دانش‌های فیزیک و تاریخ طبیعی و هیدرواستیک و بیولوژی و غیره را یاد گرفته است؟ آیا می‌توان فهمید که عنکبوت چگونه سیستم جذب هوا را توسط کرک‌های ریز بدن خود را کشف کرده و توانسته است حجم لازم برای ذخیره‌ی اکسیژن را تشخیص بدهد و بفهمد که با استفاده‌ی از آن‌ها مجبور نخواهد بود بر روی آب بیاید و از تحصیل طعمه باز بماند؟ این بود نمونه‌ی بسیار اندکی از کارهای شگفت‌انگیز حشره‌ای که نام یکی از سوره‌های قرآن نیز به او اختصاص داده شده و اعمال و رفتار او و حشراتی

دیگر نظیر (مورچه و زنبور عسل) که کارهای شگفت‌انگیز آن‌ها سال‌ها است افکار علما و محققین و حشره‌شناسان را به خود متوجه کرده و همگی را به بهت و حیرت افکنده است سه سوره از قرآن کریم به نام این سه حشره است سوره‌ی نمل و نحل و عنکبوت.

و حشره‌ی دیگری به نام موریانه که در سوره‌ی نمل او را (دابة الارض) می‌نامند بدیهی است که نام‌گذاری این سوره‌ها اهمیاتی است به حال این موجودات کوچک و یک نوع، بزرگداشت و اهمیت دادن به آن‌ها در عصری که آن‌ها را به حساب نمی‌آورند به خصوص در این سوره‌ها ضمن مطالب و داستان‌های دیگر فقط نامی از حشرات مذکور برده شده است و بحثی مستقل درباره‌ی آن‌ها به عمل نیامده مثلاً در سوره‌ی نمل ضمن بیان احوال سلیمان و مسافرتش و گذشتن او از وادی نمل از مورچه و گفت‌وگوی او هم چند کلمه‌ای گفته شده است با این حال سوره به نام مورچه‌ی حقیر است نه سلیمان عظیمی که مقام رسالت و رتبه‌ی سلطنت را حائز است امروز می‌بینیم و می‌فهمیم که این نامگذاری چقدر حکیمانه بوده زیرا سلیمان و سلطنت او از

تفسیر آسان قرآن کریم

میان رفته ولی این حشرات دنیای علم و تحقیق را متوجه خود ساخته و خواهد ساخت و با کشف حقایقی تازه راهی تازه به سوی معرفت پروردگار از همین جانوران ناچیز پیدا می شود.

۴- وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى:

و آن خدایی که بیرون آورد از زمین گیاه چراگاه را یعنی برویاند چیزی را که چهارپایان بیچرند.

۵- فَجَعَلَهُ رُغَاءً أَحْوَى:

بعد از روئیدن و به کمال رسیدن، آن چراگاه را خشکانید و سیاه گردانید. محققان از مضمون این آیه آن گونه فهمیده اند که چراگاه متمتعان دنیا است گرچه اول تازه و سیراب و خرم نماید اما اندک زمانی بعد به علت هیبت باد خزان تیره و بی طراوت خواهد بود.

آورده اند که چون جبرئیل^(ع) با آیتی و یا سوره ای از قرآن نازل می شد و شروع به خواندن می نمود حضرت ﷺ هم شروع به خواندن همان آیات می فرمود و هنوز جبرئیل علیه السلام به آخر نرسیده بود که آن حضرت (محمد ﷺ) از

تفسیر آسان قرآن کریم

اول تلاوت می‌کرد به سبب آن که مبدا فراموش کند حق سبحانه آیت فرستاد که:

۶- سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنْسَى:

ما قرآن را بر تو خواهیم خواند و تو از یاد مبر (تو فراموش نخواهی کرد چون قوت حفظی به تو عطا کرده‌ایم با آن که تو اُمّی هیچ گاه نمی‌توانی این همه سوره و آیات را حفظ کنی و ارزانی داشتن این قوه‌ی حافظه به تو نشانه‌ی دیگری است به رسالت تو در این آیت بشارت میدهد به حضرت محمد ﷺ که هر چه بر تو خوانیم فراموش نخواهی کرد که جبرئیل به فرمان ما مدرس تو خواهد بود چنان که در اخبار آمده که در هر سال در ماه مبارک رمضان حضرت جبرئیل نازل می‌شد و قرآن را با پیغمبر تلاوت می‌نمود و یک دور کامل حضرت با جبرئیل قرآن را می‌خواندند و در سال آخر که آن حضرت ﷺ از دنیا رحلت فرمود و نوبت آمد و قرآن را تلاوت کردند آن حضرت به اصحابه و اهل خود فرمود که اَجَلَمَ نزدیک است که در این ماه رمضان جبرئیل دو نوبت آمده و دو بار قرآن را ختم کردیم و هر سال یک نوبت نازل می‌شد. هم‌چنان بود که آن حضرت فرمود.

تفسیر آسان قرآن کریم

۷- إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى:

مگر آنچه خدا بخوهد که او هم آشکار را می داند و هم پنهان را.

۸- وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى:

(یا محمد ﷺ و برای شریعت، سهل و آسان به تو توفیق داده و چنان شریعتی به تو عطا می کنم که به هیچ وجه تکلیف سنگین و پر مشقت در آن نباشد.)

۹- فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى:

پس پند ده به قرآن، به درستی که سود دارد پند دادن مؤمنان و گفته اند اگر سود کند و اگر نکند، یعنی تو پند را دادن را فرو مگذار اگر کسی بدان نفع ببرد یا نبرد.

من آنچه شرط بلاغست با تو می گویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

۱۰- سَيَذَكِّرُ مَنْ نَحَشَى:

البته اشخاص خدا ترس فکر کرده متذکر می شوند.

۱۱- وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى

۱۲- الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى:

و دوری گزیند از آن پند هر آن که تیره روزتر است (مانند ولید و عقبه و ابوجهل در مکه و منافقین و معاندین دیگر در زمان فعلی) آن گاه در آتش عظیم جهنم داخل شود آتش درکه‌ی جهنم که آتش آن از آتش درکات دیگر تیزتر و سوزنده‌تر است و در حدیث آمده که این آتش شما یعنی آتش دنیا جزوی است از هفتاد جزو جهنم و گفته‌اند نار کبری در طبقه‌ی سفلی است که جای آل فرعون و منافقان و منکران عیسی^(ع) باشد و نار صغری در طبقه‌ی علیا که جای گناهکاران اُمت محمد مصطفی^ﷺ است.

۱۳- ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى:

پس آن بدبخت‌ترین نمی‌رود در آن نار کبری تا بیاساید و نه زنده باشد زندگی که از آن راحت یابد یا به عبارت دیگر: پس نه او را مرگ درمی‌یابد تا بمیرد و نه زنده می‌شود.

۱۴- قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى:

به درستی که رستگاری یافت آن که پاک شد از کفر و مصیبت.

۱۵- وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى:

تفسیر آسان قرآن کریم

و یاد کرد نام پروردگار خود را به دل و زبان خویش پس نماز گزارد که نشانه‌ی اسلام است یا رستگار شد کسی که طهارت کرد و تکبیر احرام گفت و نماز پنجگانه ادا کرد و یا زکات فطر داد و تکبیر عید گفت و نماز عید گزارد.

۱۶- بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا:

بلکه شما گزینید زندگانی دنیا را، خطاب با اهل شقاوت است که به دنیا مشغول شده و آخرت را رها کرده‌اند.

۱۷- وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى:

و حال آن که آخرت بهتر است از دنیا و پاینده‌تر.

۱۸- إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى:

به درستی که این در صحیف‌های پیشینان است یعنی کتب نخستین که قبل از قرآن نازل شده.

۱۹- صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى:

در صحیف‌های (کتابهای آسمانی) ابراهیم^(ع) که بیست است و در صُحُفِ موسی^(ع) یعنی الواح تورات. له الحمد تفسیر سوره مبارکه «الاعلی» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی الاعلی را قرائت کند خداوند به او ده حسنه عطا می‌کند. و گویند بعد از ده حرفی که بر ابراهیم (ع) و موسی (ع) و محمد ﷺ فرستاده برای او حسنه می‌نویسد.

سوره طارق

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر هفده آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾
إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ
مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ تَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَى
رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا
نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ
لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِأَهْزَلٌ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ
كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِ الْكٰفِرِينَ أَمَّهُمْ رُؤُودًا ﴿١٧﴾

تفسیر سوره الطارق

به نام خداوند بخشنده مهربان

تناسب:

این سوره در اشمال بر سوگند به آسمان و ستاره و در یادآوری رستاخیز و تهدید کفار به گرفتاری و سختی در آن روز و در تجلیل از وحی و قرآن با سوره‌ی سابق شریک و شبیه است.

تفسیر:

و السماء و الطارق: مفسران طارق را به معنی ستاره دانسته‌اند. آورده‌اند که شبی حضرت محمد ﷺ با عموی خود ابوطالب نشسته بود که ناگاه ستاره‌ای بدرخشید و شعله آتشی عظیم از وی ظاهر شد. ابوطالب بترسید و گفت: این چه چیز است؟ حضرت محمد ﷺ فرمودند: که این ستاره است که دیوان را از آسمان می‌راند و نشانه‌ایست از قدرت الهی، در همان حال جبرئیل (ع) نازل شد با این سوره:

۱- وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ:

سوگند به حق آسمان و کواکب پیدا شونده به شب و یا سوگند به آسمان و ستاره‌ی شبرو.

۲- وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ:

و تو چه دانی که ستاره‌ی شبرو چیست؟

۳- النَّجْمُ الثَّاقِبُ:

آن‌ها ستارگان نورانی هستند که با نورانیت خود تاریکی‌ها را شکافته و خود را ظاهر می‌سازند (ستاره‌هایی نورانی چون شعله‌ی آتش)

جواب قسم:

۴- إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ:

هیچ نفسی در اختیار خود نیست و سر خود رها نشده است مگر این که برای اعمال گوناگون آن‌ها از طرف ما نگهبانی هست (اعمال آن‌ها حفظ شده تا جزایش به آن‌ها برسد)

۵- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ

۶- خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ

پس باید انسان به خلقت اول خود بنگرد که چگونه از آب (نطفه) ناچیز خلق شده (و بداند همان گونه که خداوند تعالی اول دفعه انشاء نموده و آفریده، دفعه‌ی دیگر هم

می‌تواند به وجود آورد و جزای عمل هر شخص را بدهد و لذا برای روز جزا باید اعمال نیکو حاضر کند و در مقابل به جزای نیک امیدوار باشد) انسان از آب جهنده که از صلب پدر به رحم مادر می‌ریزد خلق شده است.

۷- تَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ:

آن (آب جهنده) از میان (استخوان‌های) پشت مرد و (استخوان‌های) بالای سینه‌ی (زن) بیرون می‌آید.

۸- إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ:

در حقیقت خدایی که انسان را از نطفه خلق فرموده، به دوباره بازگرداندنش توانا است یا بر بعث و اعاده ایشان بعد از موت قادر است.

۹- يَوْمَ تُبَلَىٰ السَّرَائِرُ:

روزی که آشکار شود نهان‌ها و یا روزی که اسرار و عقاید و نیات قلبی تماماً آشکار شده (نیک و بد از هم تمیز داده خواهد شد) یا روزی که فرائض اعمال را عرض کنند چون روزه و نماز و غسل جنابت و وضو که آدمی بر انجام آن‌ها قادر بوده ولی انجام نداده.

گر پرده ز روی کارها بردارند
آن کیست که رسوای دو عالم نشود

در آن وقت که پوشیده‌ها پیدا شود.

۱۰- فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ:

برای دفع عذاب از انسانی که منکر قیامت است، نه خودش قادر خواهد بود و نه از خارج کسی به او کمک خواهد کرد.

۱۱- وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

۱۲- وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ:

و قسم به آسمان با رجعت یا باران با رجعت یعنی رجعت می‌کند و یا قسم به آسمانی که دارای باران است و قسم به زمینی که بر اثر باران شکافته شده (هر قسم علف و اشجار از آن بیرون می‌آید)

۱۳- إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ

۱۴- وَمَا هُوَ بِأَهْزَلٍ:

به درستی که قرآن سخنی است درست و راست یا جدا کننده میان حق و باطل. (با این حال باید به قرآن تعظیم و

تکریم کرد و با تبعیت از آیات بینات آن، هدایت یافت و به راه حق و اصل شد.

۱۵- اِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

۱۶- وَاَكِيدُ كَيْدًا:

در حقیقت مشرکین برای باطل کردن امر ما و خاموش کردن چراغ حق (جهت پیغمبر من ﷺ) مکر و حيله می‌کنند (و انواع سبب‌ها جستجو می‌کنند) من هم در برابر مکر و حيله‌ی آن‌ها جزای آن‌ها را در روز انتقام به آن‌ها رسانیده در دنیا و آخرت از آن‌ها انتقام می‌گیرم.

۱۷- فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ اُمَّهْلَهُمْ رُوِيْدًا:

(یا محمد ﷺ) در عذاب مشرکین تعجیل نکرده، دعا مکن اندک زمانی به آن‌ها مهلت بده همین که مهلتشان تمام شد و وقت مقرر رسید من از آن‌ها انتقام می‌گیرم. (زمان زیادی نگذشت که خدای تعالی از آن‌ها انتقام گرفت)

شکر خدای را که تفسیر سوره‌ی «الطارق» تمام شد.

تفسیر آسان قرآن کریم

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی که سوره‌ی الطارق را قرائت کند خدای
تعالی به عدد ستارگان آسمان به او حسنه عطا
می‌فرماید.

سوره بروج

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر بیست و دو آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٍ
وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾ قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ ﴿٥﴾ إِذْ
هُمْ عَلَيْهَا قُوعُودٌ ﴿٦﴾ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾ وَمَا
نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾ الَّذِي لَهُ
مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ
الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ
جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ هُمْ جَنَّاتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَالٌ لِّمَا
يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ
قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

تفسیر سوره البروج

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ:

یعنی سوگند به آسمان که خداوند برج‌هاست و یا (سوگند به آسمانی که دارای ۱۲ برج است) منظور درهای سماوات است و یا منازل قمر.

۲- وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ:

سوگند به روز وعده داده شده یعنی قیامت.

۳- وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ:

و سوگند به گواه که الله است و همه را می‌بیند و می‌داند و

تفسیر آسان قرآن کریم

شهود و سوگند یه گواهی داده بر او که بنده است و به قول شاهد پیغمبر ﷺ ماست و مشهود امت وی می باشند. و یا قسم به جمیع خلق که در روز قیامت حاضر می شوند و به امور عجیب و غریب که در آن روز واقع می شود.

۴- قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ:

هلاک شدند و ملعون گشتند اهل اخدود (خداوندان شکافها در زمین) و ایشان بت پرستان بودند.

۵- النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ:

صاحبان حفره های پر از آتش افروخته (که در آن مؤمنین را انداخته و سوزانیدند).

۶- إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ:

وقتی که کفار خودشان در کنار آتش می نشستند (بر تخت های مجلل که نهاده بودند)

۷- وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ:

و خودشان در حال نشستن به عذابی که به مؤمنین کرده تماشا می کردند و حاضر و ناظر آن منظره ی دل گداز بودند منظره ای

عجیب از سپاه شیطان.

۸- وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ:

یعنی گناه بزرگی که مؤمنین را مستحق چنین کیفری سخت در نظر ستمگران کرده بود فقط این بود که به خدای توانای شایسته‌ی ستایش گرویده بودند، مقاومت و ثبات آن‌ها بر ایمان موجب خشم ستمگران شده بود.

۹- الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

شَهِيدٌ:

آن خدایی که پادشاهی آسمان و زمین مخصوص اوست و بر هر چیز حاضر و ناظر و گواه.

پس مؤمنان می‌دانستند که نه پروردگار عاجز از قلع و قمع کردن و هلاک ساختن جباران است و نه بی‌خبر و ناآگاه از ستمکاری و بیدادگری آن‌ها. هرگاه آنان را مهلت می‌دهد تا هرچه می‌خواهند ستم کنند و بندگانش را بیازارند برای این است که هم آن‌ها شقاوت ذات و پلیدی باطن و قساوت قلب خود را ظاهر سازند و هم مؤمنین کمال ایمان و نهایت استقامت و میزان تحمل بر

شدائد و درجه فداکاری خویش را به ثبوت رسانند تا هر یک به مقام (در اعلیٰ غرف بهشت) و یا اسفل درکات دوزخ که در انتظارشان است برسند و پادشاه مقتدری که جمیع آسمانها و زمینها در حیطه‌ی قدرت اویند بر هر گفتار و کرداری شاهد و ناظر است و همه را به داد مزد می‌دهد. در این آیات داستان جبارانی که مردم را بر ترک عقاید صحیح دینی خود مجبور می‌ساخته‌اند و هرکس نمی‌پذیرفت در آتش می‌سوختند بیان فرموده است.

آورده‌اند که شخصی به سرزمین تجران واقع در جزیره‌العرب آمده جماعت آنجا را به دین عیسی^(ع) دعوت نمود آنها دعوت آن شخص را قبول کرده همگی به دین عیسی داخل شدند ذو نواس حکمران جماعت حمیر که یهودی بود دسته‌ی بزرگی قشون جمع کرده به تجران لشکرکشی نمود و آنها را به ترک دین عیسی و قبول دین یهود و یا سوختن در آتش وادار کرد آنها در دین عیسی باقی مانده و سوختن در آتش را اختیار نمودند ذونواس امر کرد در زمین (اخلدود) حفره‌ها کنند و دوازده هزار نفر از آنها را آتش زد خدای تعالی ضمن آیة‌ی شریفه اشاره بدین قصه کرده فرماید همان طور که لعنت من شامل آنها شده در قیامت عذاب نامتناهی خواهم کرد. جماعت قریش هم (یا محمد ﷺ) که تو را تکذیب می‌کنند از

عذاب من ایمن نخواهند بود).

۱۰- إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَهُمْ فِي عَذَابٍ مُّحْرِقٍ

به درستی که آنان که در فتنه افکندند مردان و زنان گرویده را یعنی ایشان را عذاب کردند به آتش (مانند عذاب کردن اهل تجران) و بعد از آن توبه ننموده و داخل اسلام شدند برای آنهاست آتش جهنم و عذاب جهنم برای آنها سوزان و مهیاست.

۱۱- إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ

به درستی آن کسانی که گرویده‌اند و به خدای تعالی ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته و نیکو انجام داده‌اند برای آنها باغاتی که از زیر درختان و قصور آنها نهرها جاریست حاضر و مهیاست آن است رستگاری بزرگ که دنیا و مافیها در جنب آن خرد و مختصر است.

۱۲- إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

یا محمد ﷺ در حقیقت عذاب کردن پروردگار تو در حق

تفسیر آسان قرآن کریم

ظالمین بسیار شدید و غیر قابل تصور است (این آیات تسلیت بیشتری برای مسلمان‌هایی است که گرفتار آزار مشرکان بودند. و خداوند می‌فرماید اگر بدکاران و جباران مهلت می‌یابند نباید شما دلسرد شوید زیرا خدا شتاب نمی‌کند کسی عجله می‌کند که می‌ترسد و خداوند از چه چیزی می‌ترسد؟ که بخواهد عجله کند؟ لفظ بطش یعنی گرفتن به سختی (اخذ به عنف) است).

۱۳- إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُعِيدُ:

در حقیقت خدای تعالی به قدرت کامله‌ی خود همان طور که اول امر خلق را از عدم به وجود آورده دوباره اعاده کرده به وجود می‌آورد به حاضر کردن در محشر هم قادر است. و یا همان خدایی که نشانه‌های قدرت و حکمتش را در آفرینش ارائه داده قادر خواهد بود همه را به صورت اولیه خود بازگرداند.

۱۴- وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ:

و اوست که گناه توبه‌کنندگان را بخشیده و با اطاعت‌کنندگان به مدارا رفتار کرده و مهربان است.

۱۵- ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ:

تفسیر آسان قرآن کریم

خداوند عرش یا مالک ملک بزرگوار در ذات و صفات و یا صاحب تخت سلطنت می باشد.

۱۶- فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ:

خداوند تعالی بر هر امری که اراده کند آن را به اتمام رسانیده و به وجود می آورد. و یا به عبارت دیگر هر چه بخواهد می کند ولی خداوند پادشاهی حکیم و عادل است و جز اجرای عدالت نمی پسندند و نمی خواهد و نمی کند.

۱۷- هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ

۱۸- فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ:

یا محمد ﷺ آیا خیر سپاه (کافران) به تو رسیده؟
(سپاه) فرعون و ثمود (که چگونه به خدای تعالی عاصی شده
انبیاء را تکذیب نمودند خدای متعال نیز بر آنها عذاب فرستاد)

۱۹- بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ

یا محمد ﷺ بلکه آنان که از قوم تو کافر شدند و تو و قرآن را
تکذیب می کنند.

۲۰- وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ:

خدا در هر سو آن‌ها را احاطه کرده.

۲۱- بَلَّ هُوَ قُرْءَانَ مَجِيدٍ

۲۲- فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

بلکه آن قرآن گرامی و شریف و بزرگ است که در لوح محفوظ است یعنی به وسیله فرشتگان از آن محافظت می‌شود. گویند لوح یک دانه (دُرّ) است که طول آن از آسمان تا زمین است. حمد خدا را که تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی «البروج» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی البروج را قرائت کند خدای تعالی ده برابر اعمال روز جمعه و عرفه به او حسنه می‌دهد.

سوره انشقاق

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر بیست و پنج آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ
مُدَّتْ ﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾
يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلْكِقِهِ ﴿٦﴾ فَمَا مَن
أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾
وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَن أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ
ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلِي سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُ كَانَ
فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ نَّحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ
بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾
وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا

يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ بَلِ
الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
هُم أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

تفسیر سورهی الانشقاق

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ

آن گاه که آسمان شکافته شود و قطعه قطعه گردد و نظام
کواکب بر هم خورد.

۳- وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

و آسمان به فرمان پروردگار خود خدای تعالی (مانند اشخاص
عاقل و شنوا) در مشق شدن اطاعت می کند و سزاوار است که فرمان
پذیر و مطیع باشد.

۳- وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

۴- وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَخَلَّتْ

(یا محمد ﷺ) و زمانی که کوه‌ها به امر ما پراکنده شده دره‌ها پر و مستقیم و هموار گردیدند. و آن گاه اموات داخل خود و سایر خزائن و معادنش را پرتاب کرده از هر چیز خالی می‌شود.

۵- وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

و زمین به فرمان پروردگار خود خدای تعالی (مانند اشخاص عاقل و شنوا) در مسطح شدن و بیرون انداختن اموات و خزائن اطاعت امر حق می‌کنند.

۶- يَأْتِيهَا إِلَّا نَسْنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدًّا فَمَلَأْصِقِيهِ

ای انسان همانا تو در ثلاثی فرساینده هستی به سوی پروردگارت که به او برسی.

۷- فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

۸- فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا

و اما شخصی که نامه‌ی اعمال او به دست راست او داده شد با او به نحو سهل و ساده حساب شده از عذاب نجات می‌یابد.

۹- وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا:

و بعد از خلاص شدن از حساب نزد اهل و عیال و اقرباء خود که مثل خودش نجات یافته‌اند به فرح و سرور بازگشته. (نجات یافتن خود را به آن‌ها بشارت می‌دهد.)

۱۰- وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

۱۱- فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا:

و اما آن شخصی که نامه‌ی عمل او از پشت سر به دست چپ او داده شده به عذاب شدن خود یقین کرده برای خود نوحه کرده می‌گوید ای وای که هلاک شدم.

۱۲- وَيَصَلِّي سَعِيرًا:

و به سبب جزای عملش داخل جهنم می‌شود.

۱۳- إِنَّهُمْ كَانُوا فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا:

که او (در دنیا) میان اهل و عیالش به سبب کفر و عصیان شاد و مسرور و عوض شادی و سرور دنیا باید در آخرت نوحه کند و عذاب گردد.

۱۴- إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ تَحُورَ

۱۵- بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا:

در حقیقت (شخص بدعمل) چنان خیال می‌کند که بعد از مرگ دوباره حیات نخواهد یافت و برای رسیدگی به حساب بازگشت نخواهد نمود بلی البته باز خواهد گشت در حقیقت پروردگار او به رفتار و گفتار او در دنیا بصیر و داناست و جزای عملش را به او خواهد رسانید.

۱۶- فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ:

پس سوگند می‌خورم به شفق که بعد از غروب آفتاب از طرف مغرب ظاهر می‌شود.

۱۷- وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ:

و سوگند به شب و به آنچه که او برای استراحت جمع می‌کند و می‌پوشاند یعنی قسم به هر چه که تاریکی شب آن را فرو می‌پوشد.

۱۸- وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ:

و سوگند به ماه آن گاه که کامل گردد و به مرتبه‌ی بدریت می‌رسد (ماه شب چهارده)

۱۹- لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ

به اشیاء مذکور قسم می خورم از این بابت که البته شما مؤمنین از حالی به حالی دیگر وارد شوید که منظور از حالی به حالی (از نطفه به علقه و از آن به مضغه و عظم و خلق آخر و جنین و... تا آخر احوال).

۲۰- فَمَا هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ:

پس چیست که آدمیان با وجود این همه نشانه‌ها و آیات حکمت و قدرت الهی که در جمیع کائنات می‌بینند و با نیروی عقل که به وسیله‌ی آن بر همه‌ی جانوران امتیاز و کرامت یافته‌اند و با هدایت انبیاء چرا نمی‌گروند به خدا و رسول و ایمان نمی‌آورند.

۲۱- وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿۱۱﴾ (سجده‌ی واجب)

و چون خوانده می‌شود بر ایشان قرآن سجده نمی‌کنند به خدای یگانه.

۲۲- بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ:

بلکه کفار قرآن را تکذیب کرده اخبار آن را قبول نمی‌کنند. (یعنی کسانی که قرآن را قبول نمی‌کنند کافر هستند).

۲۳- وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ:

و خدا داناتر است به آنچه نگاه می‌دارند در دل خود از کفر و بپوشند از کینه‌ی مؤمنان.

۲۴- فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ:

پس خبر کن ایشان را به عذاب دردناک.

۲۵- إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ:

مگر اشخاص که ایمان آورده‌اند و عمل صالح برای آن‌ها نزد خدای تعالی اجر و ثواب نامتناهی و غیر ناقص موجود است. شکر خدا را که تفسیر سوره‌ی «الانشقاق» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی که سوره الانشقاق را قرائت کند خدای تعالی کاغذ عمل او را در روز قیامت از پشت سر به دست چپ او نمی‌دهد.

سوره مطففین

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر سی و شش آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾
 وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ
 مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾
 كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِينٌ ﴿٨﴾
 كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٩﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ
 الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ
 آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا
 يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّحَجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ
 لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ ﴿١٨﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا
 عَلَيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي
 نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ
 النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾ خِتْمُهُ مِسْكٌَ وَفِي
 ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمَرَّاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنًا
 يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا
 إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ
 لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ ﴿٣٣﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾
 هَلْ تُؤِوبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

تفسیر سوره‌ی المطففین

به نام خداوند بخشنده مهربان

توضیح: اهل مدینه خرید و فروش را با پیمانہ انجام می‌دادند لیکن با پیمانہ‌ی بزرگ‌تر می‌خریدند و با پیمانہ‌ی کوچک‌تر می‌فروختند بعد از هجرت رسول خدا به مدینه این سوره نازل شد رسول خدا ﷺ میان جماعت آمده سوره را برایشان خواند بعد فرمود به سبب پنج عمل خبیث که از انسان صادر می‌شود پنج بلا نازل می‌شود. عرض کردند: یا رسول الله ﷺ پنج عمل خبیث که از انسان صادر می‌شود و پنج بلا که در مقابل آن‌ها نازل می‌شود کدام است؟ فرمود: هر جماعتی که نقض عهد کنند و در عهد خود استوار نشوند خدای تعالی دشمن را برایشان مسلط می‌سازد. و هر جماعتی که به خلاف ما انزل الله حکم دهند در بین آن‌ها فقر ظاهر می‌شود و هر جماعتی که بین آن‌ها فسق و فجور ظاهر شده شیوع پیدا کند مرگ بین آن‌ها شیوع یافته و زیاد می‌میرند و هر جماعتی که در پیمانہ و ترازو خیانت کنند از زمین علف نمی‌روید دچار قحطی می‌شوند و هر جماعتی که زکات را ترک کنند باران از آن‌ها دریغ می‌شود.

۱- وَيَلُّ لِّلْمُطَفِّفِينَ:

وای بر کم‌فروشدگان و کسانی که حقوق مردم را می‌کاهند.

۲- الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ:

آنان که چون می‌ستانند به پیمان‌ها از مردمان برای خود تمام می‌ستانند.

۳- وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ:

و چون می‌فروشند که اندازه کرده و یا می‌سنجند حقوق ایشان را می‌کاهند و زیان بدیشان می‌رسانند (کم و ناقص می‌فروشند).

۴- أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

۵- لِيَوْمٍ عَظِيمٍ:

آیا نقصان‌کنندگان در خرید و فروش گمان نمی‌کنند که آن‌ها برای روز بزرگی (روز قیامت) حیات یافته و مبعوث خواهند شد (تا این که چنین عمل قبیحی را ترک نمایند؟ اگر چه آن‌ها به وقوع قیامت اعتقاد نکنند لیکن قیامت واقع شده در آن روز جزای چنین عمل قبیح و خبیث به آن‌ها داده خواهد شد.)

۶- یَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ:

(در روزی مبعوث خواهد شد) که در آن روز مردم به امر و اراده‌ی پروردگار عالمیان از قبور خود بلند شده و برای پس دادن حساب به محشر وارد خواهند شد.

۷- كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِينٍ:

البته باید نقصان کردن در خرید و فروش را ترک نموده و از حاضر شدن در حضور خدای تعالی و پس دادن حساب غافل نباشند مردم تصور نکنند که خدای تعالی از اعمال آن‌ها غافل است در حقیقت اعمال فاسقین و فاجرین در صحیفه‌ها نوشته و ثبت شده و هم در یک کتاب که برای آن‌ها مقرر گشته جمع و هیچ وقت تلف نخواهد شد. (در جایی دیگر از تفسیر آمده که نامه‌ی اعمال کافران در سجین بود و آن صخره‌ایست مجوف زیر دوزخ پوشیده که جان کافران و نامه‌ی اعمال ایشان در آن بود. گویند که کتاب فاجران را به آسمان برند از قبول آن ابا کنند به زمین آرند قبول ننماید به زیر طبقه‌ی هفتم زمین برند در سجین که موضوع ابلیس و لشکر اوست آنجا بنهند).

۸- وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ:

و تو چه دانی که سجین چیست؟

۹- كِتَابٌ مَّرْقُومٌ:

کتابی است که برای ثبت اعمال کفار و فاسقین نشاندار گشته.

۱۰- وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ:

(موقعی که کتاب‌ها ظاهر شده و به حساب رسیدگی می‌شود روز قیامت) وای بر تکذیب‌کنندگان آن روز.

۱۱- الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بِیَوْمِ الدِّينِ:

فاسقین و فاجرین اشخاصی هستند که روز جزا را تکذیب می‌کنند. (البته در آن روز به آن‌ها جزا داده شده عذاب خواهند شد).

۱۲- وَمَا يُكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ:

و تکذیب‌کنندگان آن روز جزا را مگر هر ستمکاری از حد در گذشته بزه کاری بی‌باک.

۱۳- إِذَا تَتَلَّىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأُولِينَ:

چون خوانده شود بر وی آیت‌های کلام ما گوید از روی جهل

و اعراض از حق که این افسانه‌های پیشینیان است.

۱۴- كَلَّا بَلْ رَانَ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ

نه چنان است بلکه بر دل‌های آن‌ها تیرگی اعمال خبیثه که کسب می‌کردند غالب شده و از درک حق قلبشان را پوشانیده و لذا روز حساب و جزا را انکار می‌کنند (در خبر آمده هرگاه بنده گناهی کند نقطه‌ی سیاهی در دل او پدید آمده تا به حدی رسد تا همهی دل او سیاه گردد).

۱۵- كَلَّا اِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحْجُوْبُوْنَ

البته باید آن‌ها از کسب اعمالی که قلبشان را می‌پوشاند برگردند و توبه کنند و قلب خود را تصفیه نمایند تا این که آئینه دلشان از کدورت صاف و پاک شده لایق و سزاوار قبول صورت حق باشد. و در حقیقت آن اشخاص به سبب اعمال خبیثه و پوشانیده شدن قلبشان در روز قیامت از پروردگارشان در حجاب شده و کرامت الهی از آن‌ها ممنوع شده.

امام شافعی (رحمه‌الله) فرمود: لمحجوبون در شأن کفار وارد شده دلالت می‌کند بر آن که مؤمنان را دولت دیدار خواهد بود و دوستان محجوب نخواهند شد که آن گاه میان دوست و دشمن فرق نماند.

قطعه:

گویی که بهشت میهمانی است
بی دیدن میزبان چه باشد

چون دشمن و دوست را حجاب است
پس فرق در آن میان چه باشد

۱۶- ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

بعد (از آن که از رحمت خدای خود محجوب شدند) آن‌ها البته برای عذاب داخل جهنم خواهند شد.

۱۷- ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

بعد از دخول به جهنم به آن‌ها گفته می‌شود این عذاب همان عذابی است که در دنیا بعد از آن که پیغمبران ما به شما خبر دادند آن را تکذیب کرده انکار می‌نمودید. (اکنون وعده‌ی آن‌ها حق شده در این عذاب همیشه بوده نجات پیدا نخواهید کرد.)

۱۸- كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ

البته خبر انبیاء را برای عذاب شدن نباید تکذیب کنند بلکه باید تصدیق کرده و اعمال نیکو انجام دهند (یا محمد ﷺ) در حقیقت

تفسیر آسان قرآن کریم

تمام اعمال نیک نیکوکاران نوشته و ضبط شده و در صحیفه‌هایی که مخصوص آن‌هاست جمع گشته و محفوظ خواهد شد.

۱۹- وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ:

(یا محمد ﷺ) نمی‌دانی که علیون چه چیز است (کسی به تو تفهیم نکرده ما باید تو را بفهمانیم)

۲۰- كِتَابٌ مَّرْقُومٌ:

علیون کتابی نوشته شده است که برای ثبت اعمال نیک جمیع مؤمنین نشاندار شده و یا کتابی مسطور و موسوم به علامتی که هر که مشاهده کند داند که در او همه خیر است.

۲۱- يَشْهَدُهُ الْقُرْبُوبُنَ:

مقربین از آن آگاه می‌شوند یعنی ملائکه مقرب که ساکنان علیین هستند به استقبال آن می‌روند و نگاه می‌دارند و روز قیامت بدان گواهی خواهند داد.

۲۲- إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ:

در حقیقت صاحبان اعمال نیکو در نعمت‌های بهشت ابدی بوده راحت می‌شوند (به درستی که نیکان و پاکان در بهشت‌اند).

۲۳- عَلَى الْأَرْبَابِكِ يَنْظُرُونَ:

روی تخت‌ها نشسته به نعمت‌های اعطائی پروردگار تعالی نگریسته لذت می‌برند.

۲۴- تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ:

(یا محمد ﷺ) اگر به صورت اهل جنت بنگری هر آینه در صورت آن‌ها نشاط و تازگی را دیده به اهل جنت بودنشان آشنا می‌شوی (چنان که غنی بودن اهل دنیا از صورت ظاهرشان معلوم می‌شود).

۲۵- يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ:

به آن‌ها می‌نوشانند از شراب خالص سفید خوشبوی مهر کرده.

۲۶- خِتْمُهُمْ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ:

سر ظرف شراب با مهر ممهور شده تا موقع باز کردن آن رایحه‌ی طیبیه از آن متصاعد شده قوه‌ی شامه‌ی اهل جنت از قوه‌ی ذائقه‌شان متلذذ و محفوظ شود (عاقلان برای کسب چنین نعمت‌ها باید راغب شده کوشا باشند و به شوق و رغبت در تحصیل آن بکوشند به اطاعت خدای تعالی مبادرت کرده از عصیان احتراز

(نمایند.)

۲۷- وَمَرَّاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ:

از ابن عباس روایت شده که تسنیم نام آبی است که از عرش به بهشت می‌ریزد و آن اشربه‌ی بهشت است.

۲۸- عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ:

آن شراب اعلی در بهشت (چشمه‌ایست به نام تسنیم که از آن برای معطر ساختن شراب اهل جنت مخلوط می‌شود) ولی بندگان مقرب درگاه الهی خالص بدون امتزاج از آن چشمه می‌نوشند.

سرمایه ذوق دو جهان مستی عشق است

آن‌ها که از این می‌نچشیدند چه دانند؟

۲۹- إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ:

گویند عده‌ای از اهل قریش (صحابه رضی الله عنهم) را می‌دیدند هم چون عمار و جناب و صهیب و بلال و امثال ایشان رضی الله عنهم آن‌ها مسخره و استهزا می‌کردند و می‌خندید.

۳۰- وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ:

و زمانی که مؤمنین به مجالس مشرکین و کفار گذشتند به آن‌ها

تفسیر آسان قرآن کریم

نگریسته به چشم به هم اشاره کرده و آن‌ها را استهزاء می‌کنند.

۳۱- وَإِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ أَنْقَلَبُوا فَكِهِينَ :

و (کفاری که مؤمنین را استهزاء می‌کنند) زمانی که به منازل خود نزد اهل و عیال خود بازگشتند از این استهزاء شادمانی می‌کنند.

۳۲- وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ :

و کفار موقع دیدن مؤمنین گفتند این‌ها را ببینید که خودشان را به راه حقیقت و هدایت می‌دانند و حال آن که در حقیقت این‌ها با تبعیت از محمد و تمسک به خیالات او در ضلالت بوده و از حق کنار شده‌اند. (و گویند به درستی این گروه که متابع محمدانند از گمراهان‌اند.)

۳۳- وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ :

و کفار برای مراقبت احوال و اعمال مؤمنین وکیل و حافظ فرستاده نشده‌اند (هیچ وقت آن‌ها مراقب حالات مؤمنین نباشند و البته از چنین مراقبتی حذر نمایند.)

۳۴- فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَصْحَكُونَ :

در روز معین (قیامت) مؤمنین به کفار خواهند خندید.

۳۵- عَلَى الْأَرْآبِكِ يَنْظُرُونَ

(همان مؤمنین) در حالی که بر تخت‌ها نشسته‌اند کفار بر آن‌ها می‌نگرند (حسرت و ندامت کشیده از استهزائی که در دنیا کرده‌اند پشیمان می‌شوند اهل تفسیر روز معین را حمل به قیامت کرده گفته‌اند که در جنت موقع جلوس بر تخت‌ها به احوال کفار مطلع شده به آن‌ها می‌خندند کفار آن‌ها را دیده حسرت خواهند کشید.)

۳۶- هَلْ ثُوبٌ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

آیا پاداش اعمالی که کفار در حق مؤمنین کردند به آن‌ها داده نشد؟ (البته داده شد قول خدای تعالی مصداق یافته به کفار غالب گشتند و به ریاست و حکومت نائل شده تمام مشرکین زیر دست مؤمنین قرار گرفتند) (این سوره‌ی مبارکه در مدینه نازل شده نزول این آیات بعد از غلبه‌ی مؤمنین به کفار صورت گرفته) و الله اعلم.

له الحمد تفسیر سوره مبارکه «المطففین» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

شخصی که سوره‌ی المطففین را قرائت کند خدای تعالی او را از آب چشمه‌ی تسنیم (شراب سر به مهر بنوشاند.)

سوره انفطار

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر نوزده آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ
فُجِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ
وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾ يَتَأَيَّهَا الْإِنْسَانُ مَّا عَمَّرَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿٦﴾ الَّذِي
خَلَقَكَ فَسَوَّنَكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾
كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ ﴿٩﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَتِبِينَ
﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ
لَفِي حَجِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾
وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَّا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٨﴾
يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ﴿١٩﴾ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿٢٠﴾

تفسیر سوره‌ی الانفطار

خداوند در این سوره‌ی مبارکه نیز از رستاخیز سخن گفته است در سه آیه نخست (پس از بسم الله) به هم ریختن اجزاء این جهان را یادآوری کرده و در آیه چهارم بپاشیدن قیامت و برانگیخته شدن مردگان را از گورها ذکر فرموده و در آیه پنجم به زیباترین عبارت و جامع‌ترین بیان آگاهی یافتن مردم را بر کارهایی که کرده‌اند گوشزد نموده است زیرا جمله‌ی «ما قدمت و آخرت» شامل می‌شود آنچه را کسی انجام داده و آنچه از خود به جا نهاده است. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که هرگاه آدمیزاد می‌میرد مردم می‌گویند چه نهاده (از ارثیه) و فرشتگان می‌گویند چه عملی تقدیم داشته است؟ در آن روز هر کس می‌فهمد که هم کارهایی که کرده و هم مال و ثروتی که به ارث گذاشته حساب دارد.

۶- يَتَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

یعنی ای موجود عاقل و عالمی که هم از لحاظ جسمی و اندام و اعضاء زیبا و راست بالایی و هم از جهت نیروهای باطنی در

تفسیر آسان قرآن کریم

احسن تقویم و کامل‌ترین ساختمان هستی و بر جمیع جانوران سیادت و کرامت داری و همه‌ی کائنات برای تو و مُسخر تو آفریده شده‌اند. ای انسان خردمند نسبت به آفریدگاری که تو را وجود بخشیده، تسویه و تعدیل نموده و چنین صورتی زیبا عنایت فرموده و تربیت جسمی و روحیت را از آغاز تا انجام بر عهده‌ی قدرت و حکمت خویش گرفته است چگونه به عصیان و کفران می‌پردازی چه چیز تو را در این ناسپاسی و نافرمانی مغرور و فریفته ساخته است؟ آیا در برابر هر خطایی باید کیفر و محرومیتی می‌دیدی تا بترسی و بد نکنی؟ انسانی که سلامت قطرتش را با بیماری‌های روحی و اخلاقی نابود نساخته باشد بنده‌ی احسان است او در برابر احسان و انعام و لطف و کرم، بیشتر و بهتر پاس می‌دارد، سپاس می‌گذارد و بندگی و حق‌شناسی می‌کند. در سراسر کرم پروردگار نشانه‌های حکمتش نیز آشکار و هویدا است. بلکه کرم مستلزم حکمت است. زیرا بخششی که از روی حکمت نباشد تبذیر است نه کرم.

در این صورت آیا حکیم، مردم عاصی و ناسپاس را ممکن است با فرمانبران و سپاسگزاران برابر سازد و کیفر کردار زشتشان را به آن‌ها ندهد؟ با این تفسیر به خوبی دانسته می‌شود که صفت کریم

تفسیر آسان قرآن کریم

هر چند در مقام تهدید و سرزنش است از او صافی مانند جبار و متقم مناسب‌تر است، ضمناً اشاره‌ی لطیف نیز به خطای پندار کسانی دارد که کرم و بخشش پروردگار را بهانه‌ی تقصیر و گناه خود می‌سازند و شیطان و نفس سرکششان از این طریق آن‌ها را می‌فریبند و می‌پندارند که کرم خداوند آن‌ها را خواهد بخشید و نجاتشان خواهد داد.

حمد خدای را که تفسیر سوره‌ی «الانفطار» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی سوره‌ی الانفطار را قرائت کند خدای تعالی برای او حسنات فراوان می‌نویسد.

سوره تکویر

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر بیست و نه آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ
سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾
وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ وَإِذَا
الْمَوءُ رَدَّةٌ سُيِّلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الصُّحُفُ
نُشِرَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ﴿١٢﴾ وَإِذَا
الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرْتَ ﴿١٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ
بِالْحَنْنِ ﴿١٥﴾ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ﴿١٧﴾ وَالصُّبْحِ
إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي
الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ

بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ
بِضُنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا
تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

تفسیر سوره‌ی تکویر

به نام خداوند بخشنده مهربان

توضیح

در این سوره ۱۳ آیه اول در خصوص اخبار وقوع روز قیامت و چگونگی آن را بیان می‌کند.
رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس دوست دارد احوال روز قیامت را داند پس باید که بخواند.

۱- إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

چون آفتاب در هم پیچیده شود یعنی زمانی که روشنایی آفتاب از انبساط و انتشار به انقباض و اجتماع تغییر یافته ظلمت و کدورت بر آن مستولی شده محو و نابود گردد (بی نور شود).

۲- وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ:

و زمانی که ستارگان تیره و بی فروغ گردند.

۳- وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ:

و زمانی که کوه‌ها از روی زمین حرکت داده شده و مانند ابر در فضا حرکت می‌کنند.

۴- وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ:

و زمانی که شتران ده ماهه آبستن بارشان فرو گذاشته شود (و حال آن که موقعی که شتران به ماه دهم آبستنی داخل شدند صاحبانشان همیشه ملازم آن‌ها بوده تا مدت حمل از آن‌ها جدا نمی‌شوند لیکن در روز قیامت از هول و هراس، چنین مال نفیسی را فراموش می‌کنند در حالی که عزیزترین مال و محبوب‌ترین چیز در نظر عرب بوده و شب و روز ملازم آن‌ها هستند تا زمان وضع حمل آن‌ها را بی‌مراقب نمی‌گذارند. منظور این است که در آن هنگام مردم به طوری پریشان و سراسیمه و وحشت‌زده هستند که از عزیزترین اموالشان گذشته به آن مشغول نمی‌شوند.)

۵- وَإِذَا اللُّحُوشُ حُشِرَتْ:

یعنی زمانی که حیوانات وحشی روی زمین را موت درک نموده و ذیحیاتی از آن‌ها روی زمین پیدا نشود در تفسیر آمده که حشر هر چیزی مرگ آنست مگر جن و انس که حشر آن‌ها برانگیختنشان است.

۶- وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ:

و آن گاه که دریاها را آمیخته گردانند تلخ با شیرین تا همه یک دریا شوند یا همه را خشک سازند یا گرم کنند.

۷- وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ:

و هنگامی که ارواح به اجسام خود باز می‌گردند یا هر کس با قرینش صالح با صالح و طالح با طالح و مؤمنان را با حور عین جفت کنند و کافران را با شیاطین یا ارواح را با بدن. یا هر کس با عملش.

۸- وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُيِّتَتْ

۹- بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ:

از رسوم زشت و ستم‌گرانه ملت جاهل عرب آن بود که دختران معصوم خود را زنده به گور می‌کردند یا از ترس فقر و یا از بیم در

تفسیر آسان قرآن کریم

خانه ماندن و شوهر نیافتن و یا از خوف آن که در جنگ به دست دشمن اسیر شوند و این ننگ بر آنها بماند. قرآن مکرر این جنایت عجیب را نکوهش فرموده است و در این سوره ضمن بیان حوادث رعب انگیز رستاخیز به این صورت به عرب می‌فهماند که چه عذابی الیم و چه کیفی شدید در انتظار کسانی است که دختران بی‌گناه را زنده در گور کرده‌اند.

به راستی اگر بشر به راه خطا افتد از هر جانوری پست‌تر است کدام درنده‌ای با بچه‌ی خود چنین رفتاری می‌کند آنها گودالی برای زائیدن زنان می‌کنند تا بچه در کنار آن متولد شود اگر پسر بود برمی‌داشتند و اگر دختر بود همان لحظات ولادت فوری در گودالش می‌افکندند و با خاک می‌پوشانند. بعضی دیگر رسمشان این بود که بعد از ولادت دختر اگر قصد کشتنش را نداشتند با خواری نگهداری می‌نمودند. به راه که می‌افتاد با پیراهن پشمی خشن که غالباً از پشم شتر می‌بافتند کودک را به بیابان‌ها به دنبال شتر و گوسفند می‌انداختند ولی تصمیم به نابودیش داشتند تا شش سالگی وی را نگهداری می‌نمودند و سال ششم جامه‌های خوب بر او می‌پوشانند و معطرش می‌کردند و به مادر تیره روزش می‌گفتند می‌خواهیم او را به خانه‌ی شوهر ببریم بعد او را به بیابان می‌بردند

تفسیر آسان قرآن کریم

که حفره‌ای که قبلاً کنده بودند به طفل می‌گفتند آن را ببیند به محض این که سرش را خم می‌کرد تا درون گودال را بنگرد او را در آنجا می‌افکندند و در حالی که بچه‌ی معصوم گریه و ناله و التماس می‌کرد خاک‌ها را رویش می‌ریختند. خداوند فرمود که از بچه‌ای که او را زنده به گور کرده به قتل رسانده‌اند پرسند که چرا کشته شدی و فایده این سؤال آن است که کودک جواب دهد که مرا بی‌جرم کشته‌اند تا قاتل وی مجازات شود.

۱۰- وَإِذَا الْأَرْضُ مُدِّرَتْ

و زمانی که نامهی اعمال بشر نوشته شده نامهی عمل هر شخصی به دست خودش داده می‌شود از خیر و شر هر عملی که از او صادر شده باشد همه را در آن ضبط شده می‌بیند.

۱۱- وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ

و زمانی که آسمان کشف شده و زایل می‌شود.

۱۲- وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ

سعر:

به معنی برافروختن آتش است و زمانی که جهنم برای عاصیان به شدت افروخته می‌شود.

۱۳- وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ

و زمانی که جنت برای متقیان نزدیک آورده شود (برای داخل شدن آن‌ها مهیا می‌شود)

۱۴- عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ

همین که قیامت برپا گردید هر کس به هر چه که از خیر و شر حاضر نموده دانا و همه را به طور آشکارا می‌بیند (برای صاحبان عمل خیر بشارت و برای صاحبان عمل بد حسرت و ندامت حاصل می‌شود).

نظم:

تو امروز فرصت غنیمت شمار
که فردا ندامت نیاید به کار
بکوش ای توانا که فرمان بری
که در ناتوانی بسی غم خوری

توضیح:

اهل قریش نزول قرآن کریم را از طرف خداوند به وسیله‌ی (جبرئیل) انکار کرده به آن حضرت مجنون می‌گفتند ضمن آیه‌ی شریفه‌ی زیر این سخنان قریش به وسیله‌ی کلمه‌ی لا نفی شده بعد از آن با یاد قسم نزول قرآن را از طرف خدای تعالی به وسیله

جبرئیل و عدم جنون رسول خدا را اثبات می‌فرماید.

۱۵- فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ

۱۶- الْجَوَارِ الْكُنَّسِ:

(ای اهل مکه نازل شدن قرآن را از طرف ما انکار نکنید و مجنون گفتن شما به پیغمبر ما (محمد ﷺ) مردود بوده و گمانتان باطل است) قسم می‌خورم به ستارگان سیار که در حالت سیر خودشان منعکساً به عقب بازگشته و در تحت ضیاء آفتاب مستور می‌شوند (این ستارگان عبارتند از پنج سیاره‌ی زهره، عطارد، مریخ، زحل و مشتری است) خداوند به دلیل نورانی بودن و بزرگی این ستارگان در بین ستارگان دیگر به آنها قسم می‌خورد.

خُنَّس: به معنی رجوع کننده و بازگشته است و کنس جمع کانس به معنی جانوریست که داخل آشیانه خود شود که از کناس به معنی لانه و آشیانه مشتق است.

۱۷- وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَّعَسَ:

و قسم به شب زمانی که پشت کرده می‌رود (عسعس از اضداد است و به معنی آغاز شدن و پایان آن به هر دو معنی می‌دهد).

۱۸- وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ:

و قسم به وقت صبح زمانی که می دمدم و نورانیتش ظاهر می شود.

توضیح:

بعد از آن که خدای تعالی در آیات پیشین قسم یاد فرمود ضمن آیه‌ی بعدی آنچه را که بدان قسم خورده شده بیان می فرماید.

۱۹- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ:

رسول در این آیه فرشته‌ی وحی یعنی جبرئیل است که به سوی پیغمبران فرستاده شده در حقیقت این قرآن سخنی است که از طرف ما به وسیله‌ی رسول عزیز و مکرم (جبرئیل) (به محمد ﷺ) نازل شده بنا به امر ما آن را به قلب محمد نازل نموده است.

۲۰- ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ:

همان (جبرئیل) دارای منتهای قوت در علم بوده و نزد خدای صاحب عرش دارای قرب و منزلت اعلی می باشد.

۲۱- مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ:

فرمانروای (فرشتگان) و امانتدار است (لذا در بین انبیاء مطاع

تفسیر آسان قرآن کریم

بوده و از هر خطایی در امان می‌باشد جز علم چه چیز می‌تواند مطاع شده از خطا در امان باشد؟) مطاع یعنی مستجاب الدعوات و امین بر اسرار غیب.

۲۲- وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ:

مقصود از صاحب پیغمبر است و با این تعبیر می‌خواهد به کفار بفهماند که این پیغمبر در میان شماست و با شما صحبت و معاشرت دارد او را می‌بینید که هیچ‌گونه آثار جنون و اختلال هواس از کودکی تاکنون در هیچ یک از رفتار و گفتارش نبوده و نیست آیا اظهار نبوت و خواندن وحی و فداکاری در راه هدایت شما و جامعه‌ی بشری نشانه‌ی جنون می‌تواند باشد؟

۲۳- وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ:

و در حقیقت و به درستی که دید پیغمبر ﷺ جبرئیل را به صورت اصلی او به افق روشن یعنی طلوع آفتاب.

۲۴- وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ:

ضنین:

یعنی بخیل. یعنی پیغمبر به گواهی احوال و افعال و اقوالش

تفسیر آسان قرآن کریم

امین بر وحی و صادق در تبلیغ است. نه چیزی از وحی را ناگفته می‌گذارد و بخل می‌ورزد و نه چیزی از خود از روی هوی و هوس یا بر اثر اغراض و مقاصد دیگر بر آن می‌افزاید خلاصه این که نه بخیل است و نه متهم و مضمون.

۲۵- وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ:

این قرآن گفتار ماست و گفتار شیطان رانده شده از درگاه ما نیست (تا آن را قبول نکنید).

۲۶- فَأَيُّ تَذَهَبُونَ:

پس کجا می‌روید و از سخنی که بدان راستی و درستی است چرا از او اعراض می‌کنید.

۲۷- إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ:

این قرآن جز تذکار و نصیحت برای عالمیان نیست.

۲۸- لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

قرآن برای هر که از شما خواهد که بدین اسلام داخل شده رفتار به عدالت و راستی را برای خود شعار قرار دهد پند و نصیحت و موعظه باشد.

۲۹- وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ:

یعنی خواست شما موقوف به خواست و مشیت بالغه‌ی پروردگار است پس باید توفیق از خدا خواست و هنگامی که او بخواهد شما را توفیق می‌بخشد و اراده‌تان را متوجه خیر و صلاح می‌سازد و به لطف خویش اسباب و وسائل خیرات و اعمال صالحه را فراهم می‌فرماید. پس همواره به یاد خدا باشید و از او مدد و توفیق بخواهید.

الحمد لله تفسیر سوره‌ی «تکویر» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی که سوره‌ی تکویر را بخواند خدای تعالی روز قیامت موقع نشر شدن صحیفه‌ها او را رسوا نمی‌سازد.

سوره عبس

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر چهل و دو آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى ﴿١﴾ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ﴿٢﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكَّى ﴿٣﴾ أَوْ
يَذْكُرُ فَتَنْفَعَهُ الْذِكْرَى ﴿٤﴾ أَمَّا مَنْ أَسْتَغْنَى ﴿٥﴾ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ﴿٦﴾
وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكَّى ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ﴿٨﴾ وَهُوَ تَخَشَى ﴿٩﴾
فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ﴿١٠﴾ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿١٢﴾ فِي
صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾ كِرَامٍ
بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾ قَتَلَ نَسْنُ ظَالِمًا مَّا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾ مِنْ
نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿١٩﴾ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُ ﴿٢١﴾
فَأَقْبَرَهُ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أُنشِرَهُ ﴿٢٣﴾ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ﴿٢٤﴾
فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٥﴾ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿٢٦﴾ ثُمَّ

شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢١﴾ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾
 وَزَيْتُونًا وَخَلًّا ﴿٢٩﴾ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾ وَفَكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾ مَتَاعًا لَكُمْ
 وَلَا تَعْمَلُوا كَمَا كُفَرْتُمْ ﴿٣٢﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ ﴿٣٣﴾ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ
 أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَحْبَتَيْهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ
 يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾ وَجُوهُهُمُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾ ضَاحِكَةٌ
 مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾ وَوُجُوهُهُمُ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ ﴿٤٠﴾ تَرَهَقَهَا فَتْرَةٌ ﴿٤١﴾ أُولَئِكَ
 هُمُ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ ﴿٤٢﴾

تفسیر سوره ی عبس

به نام خداوند بخشنده مهربان

رسول خدا ﷺ در موقع اقامت در مکه مجلسی ترتیب داده در آن مجلس از بزرگان قریش حاضر بودند. رسول خدا آن‌ها را دعوت به اسلام کرده و امیدوار بود که با قبول دین اسلام از طرف اشخاص مزبور سایرین نیز داخل اسلام خواهند شد از این جهت از ورود سایرین به آن مجلس در موقع صحبت با آن‌ها ناخشنودی می نمود

تفسیر آسان قرآن کریم

روزی موقع صحبت با اشخاص فوق عبدالله بن شریح معروف به ابن مکتوم از قبیله‌ی بنی فھر قریشی که در بدو ظهور اسلام داخل دین اسلام شده و کور بود وارد مجلس شد مشغول شدن رسول خدا را با جماعت مزبور امر ضروری ندانسته گفت: یا رسول الله از قرآنی که خدای تعالی به تو تعلیم کرده بخوان و به من تعلیم ده. این مطلب را تکراراً از رسول خدا سؤال نمود، رسول خدا از سوال او صورت ترش نمود، از او اعراض کرده جواب نداد و در آن حال از ورود او به آن مجلس رنجیده خاطر گردید. جبرئیل (ع) آیت آورد.

۱- عَبَسَ وَتَوَلَّى

۲- أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى:

ترش کرد روی خود را و روی بگردانید از این که نابینایی به سوی او آمد.

۳- وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي:

و چه چیز تو را دانا کرد به احوال این شخص کور (با اشتغال به مردم قریش گفتن احکام و موعظه و نصیحت را از کور مضایقه کردی) شاید او پاک شود (منظور ابن ام مکتوم).

۴- أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى:

و یا از موعظه و نصیحت تو متذکر شده سود می برد.

۵- أَمَّا مَنْ أَسْتَغْنَى

۶- فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى:

اما آن کس که از ایمان آوردن به خدای تعالی بی نیاز شده تکذیب می کند و ادعای توانگری دارد تو به آنها رو کرده مایل می شوی (و به سخنانشان گوش می دهی و حال آن که گوش دادن به سخنان چنان معاندینی لازم نیست).

۷- وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزْكَى:

تو سعی و کوشش داری که آنها داخل ایمان شده پاک شوند از عدم قبول ایمان و مشرک بودن آنها به تو هیچ ضرری نمی رسد فقط بر تو تبلیغ رسالت لازم است.

۸- وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى

۹- وَهُوَ يَخْشَى:

و اما آن شخصی که در حال ترس از خدای تعالی (ابن

تفسیر آسان قرآن کریم

ام مکتوم) برای طلب خیر شتاب کرده نزد تو برای تعلیم احکام دین آمد و یا از ترس آزار کفار به نزد تو آمده.
۱۰- فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى:

تو از او اعراض نمودی به او جواب ندادی (به دیگران مشغول می شوی صدور این امور از شخصی به مانند تو که به منصب نبوت نائل شده‌ای سزاوار نیست).

منقول است که چون جبرئیل (ع) این آیت را می خواند رخسار مبارک آن حضرت ﷺ متغییر می شد. در تفسیر آمده که سید عالم ﷺ به دنبال عبدالله رفت و او را بازگردانید و به مسجد باز آورد و ردای مبارکش را بگسترانید و وی را بر آن نشانند و بعد از آن هرگاه او را می دید احترامش می گذاشت و او را گرامی می داشت و باید دانست که ترش رو نمودن حضرت هیچ گاه خطا نبوده بلکه به دلیل این بود که (عبدالله ابن ام کلثوم) بی ادبی نموده کلام او را قطع نموده بود و ابن مکتوم نیز معذور بود به دلیل این که کور بود.

۱۱- كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ:

حقا که این آیات قرآنی پند است برای مردم.

۱۲- فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ:

هر شخص بخواهد پند می گیرد (یعنی به اختیار خود این نصایح و مواعظ را متذکر شده و حفظ نموده و عمل به آن‌ها را برای خود واجب می نماید).

۱۳- فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ:

این نصایح و مواعظ در تمام صحیفه‌ها که بر انبیاء عزیز و مکرم نازل گشته ثبت شده است (ثبت آن‌ها تنها در قرآن شریف نیست).

۱۴- مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ:

قدر و منزلت آن صحیفه‌ها عالی بوده از کلماتی که بر خلاف عقل و مروت و انصاف دلالت کنند پاک و منزّه هستند.

۱۵- بِأَيْدِي سَفَرَةٍ:

۱۶- كِرَامٍ بَرَرَةٍ:

آن صحیفه‌ها در دست انبیاء متقی و پرهیزکار که نزد ما عزیز و مکرم هستند بوده و با آن صحیفه‌ها از طرف ما به دعوت مردم مأمور شده‌اند.

۱۷- قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ:

ای کشته باد انسان چرا تا این حد کفر می‌ورزد. در تفسیر آمده منظور عقبه ابن ابی لهب است که داماد پیغمبر بود و دختر او را طلاق داد و گفت: کفرت برب النجم اذ هوی و حضرت ﷺ او را نفرین و بعد از مدت کمی شیر سرش را کند و او را کشت.

۱۸- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ:

آیا می‌دانی که خدای تعالی آدمی را از چه چیزی خلق نموده است؟

۱۹- مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ:

انسان را از نطفه خلق کرده خدای تعالی طبق مشیت خود وجود او را به اندازه نهاد در رحم مادر.

۲۰- ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ:

بعد از بوجود آوردن انسان، راه خیر و شر را (به عقل شریفی که در او قرار داده) برای او سهل و آسان کرده در انتخاب راه او را مختار قرار داده است.

۲۱- ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ:

تفسیر آسان قرآن کریم

بعد از آن موقع رسیدن اجل هر فرد او را بمیراند و به قبر گذاشتن او را در بطن زمین امر نموده (راضی نشد که بدن انسان مانند سایر حیوانات برای حیوانات درنده طعام گردد).

۲۲- ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَذْشَرُهُ:

پس از مرگ هر زمانی که خدای تعالی بخواهد انسان را در نشأه دیگر انشاء کرده به وجود می آورد.

۲۳- كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرُهُ:

نی نی هنوز (آدمی) از عهده‌ی چیزهایی که خدای تعالی به او امر کرده بر نیامده است (باید انسان کبر و غرور خود را ترک کرده از کفر و شرک به طرف خدای تعالی رجوع کند).

قطعه:

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدا آورد

ورنه سزاوار خداوندیش

کس نتواند که به جا آورد

۲۴- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ:

پس باید انسان به خوردنی خویش (طعام خویش) با چشم

تفسیر آسان قرآن کریم

عبرت نظر کند به چه وجه احداث گردیده (که ما چگونه امر او را تدبیر کرده هر قسم اطعمه برای او حاضر کرده‌ایم)

۲۵- أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا:

(طعام انسان را چنین تدبیر کردیم) که در حقیقت ما به قدرت کامله‌ی خودمان باران را از ابرها به کثرت روی زمین ریختیم.

۲۶- ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا:

سپس زمین را (با آن باران) بشکافتیم.

۲۷- فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا:

بعد در آن دانه رویانیدیم که برای انسان قوت شود.

۲۸- وَعِنَبًا وَقَضْبًا

۲۹- وَزَيْتُونًا وَخَلًّا

و (باز به سبب باران روی زمین) درخت انگور و سبزیجات همیشه تر و تازه و زیتون و درخت خرما رویانیدیم.

۳۰- وَحَدَّاقٍ غُلْبًا:

هم چنین باغ‌هایی دیوار بسته دارای درختان انگور بزرگ برای

آن‌ها رویانیدیم.

۳۱- وَفِيكَهَّةً وَأَبًّا:

و برای انسان هر قسم میوه‌جات و برای حیواناتشان چراگاه به وجود آوردیم.

۳۲- مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْتَعِمَكُمْ:

ای اولاد آدم این بساط برای شما و حیوانات شما روزیست (برای برخورداری شما و برای تمتع چهارپایان شما).

۳۳- فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ:

زمانی که از طرف خدای تعالی صدای شدید، صدایی که برای درک حقیقت آن مردم بدان گوش می‌دهند به مردم رسید آن وقت مردم برای حساب حاضر می‌شوند.

۳۴- يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

۳۵- وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ

روزی که (قیامت) مرد از برادر خود با وجود موانست و مهربانی و از مادر خود با وجود کثرت حقوق که او راست و از پدر خود با وجود وفور شفقت و عاطفت که از او دیده فرار می‌کند.

۳۶- وَصَحِبَّتَهُ وَبَنِيهِ:

و از زن خود با این که مونس روزگار او بوده و از فرزندان خود.

۳۷- لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ:

در آن روز هر مردی چنان گرفتار نفس خود می شود که به امور سایر مردم (ولو اقرباء) ملتفت نشده از آنهایی که استعانت می کنند اعراض کرده به امر خود مشغول می شود.

۳۸- وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ

۳۹- ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ:

در آن روز بعضی چهره ها (چهره ی مؤمنین) از رسیدن به نعمت های ابدی نورانی و مسرور و خندان می شوند.

۴۰- وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ

۴۱- تَرَهَقَهَا قَتْرَةٌ

و بعضی چهره ها در آن روز از کثرت غم و غصه گویا گردآلود و روی گرد هم سیاهی دود نشسته است نهایت مرتبه وحشتناک می شوند.

۴۲- أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ:

آنان همان کافران بد کردارند (گروهی هستند که در دنیا در حق
خدای تعالی کفران کرده و در حق نوع بشر ظلم کرده‌اند).
حمد خدای را که تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی «عبس» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی که سوره‌ی عبس را قرائت کند، در
حالی که علامت فرح و سرور از رخسار او هویدا
است خندان وارد قیامت می‌شود.

سوره نازعات

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر چهل و شش آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ﴿١﴾ وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا ﴿٢﴾ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ﴿٣﴾
فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴿٤﴾ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴿٥﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾
تَتَّبِعُهَا الرَّاادِفَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ ﴿٩﴾
يَقُولُونَ أَيْنَا لِمَردُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾ أءِذَا كُنَّا عِظْمًا نُخِرَةً ﴿١١﴾
قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُمْ
بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿١٥﴾ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ
الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ
إِلَى أَنْ تَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ
الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ

فَنَادَى ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ
 وَالْأُولَى ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن تَخَشَى ﴿٢٦﴾ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ
 السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ
 ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا
 وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَلْنَا ﴿٣٢﴾ مَتَّعْنَا لَكُمْ وَلَا تَعْمِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا
 جَاءتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿٣٥﴾ وَبُرْزَتِ
 الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَن طَغَى ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾
 فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى
 النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٤١﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ
 السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِن ذِكْرِنَهَا ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ
 مُتَنَهِّئًا ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن تَخْشَاهَا ﴿٤٥﴾ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ
 يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

تفسیر سوره‌ی النازعات

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

۲- وَالنَّدَّاشِقَاتِ نَشْطًا

۳- وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا

۴- فَالسَّبِقَاتِ سَبْقًا

۵- فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

قسم به کشندگان جان‌های کفار به قوت و شدت یعنی ملائکه که جان‌های کافران را به سختی و شدت بیرون می‌آورند و سوگند به فرشتگانی که جان‌های اهل ایمان و مؤمنان به شادی و نشاط و به نرمی بیرون می‌برند و به ملائکه شناکننده به آن نفوسی که (مانند شناگران ماهر) در دریای علم و معارف شنا کرده در تحصیل علم و معارف سعی و کوشش می‌کنند.

و قسم به آن فرشتگان، که بر یکدیگر پیشی می‌جویند، پیشی‌جستنی (در انجام دادن مأموریت یا در بردن اعمال صالحه و یا ارواح) و سوگند به آن فرشتگان، که امور جهان یا آدمیان را به فرمان

پروردگار مرتب و اداره می‌کنند. یعنی ملائکه‌ای که تدبیر کننده هستند در کار دنیا یعنی جبرئیل که موکل است به ریح و جنود.

ریاح: بادها

جنود: لشکریان

و اسرافیل که نازل است به امور اقصیه و اقدار (یعنی قضا و قدر) و میکائیل که قسمت باران و گیاه متعلق بدوست و عزرائیل که قابض ارواح شأن اوست.

۶- **يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ**

۷- **تَتَّبِعَهَا الرَّادِفَةُ**

روزی که زمین بلرزد یا آواز سهمناک برخیزد.

رجفه:

هم به معنی حرکت شدید و هم به معنی آواز گوش خراش مانند آواز رعد می‌آید (و این وقتی است که نفخه‌ی صور اول به صدا درمی‌آید که همه را بلرزاند و زندگان از هول و وحشت بمیرند) و باز هم نفخه‌ی دیگر از پی آن که نفخه‌ی صور ثانیه خواهد بود که تمام مردگان زنده شوند (در چنین روزی شما مبعوث می‌شوید)

۸- قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

۹- أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ

دل‌های منکرین قیامت در آن روز به شدت مضطرب می‌شوند و هراسان و لرزان در اضطراب و خفقان است و چشم‌های صاحبان آن دل‌ها به گودی افتاده و فرو شکسته است.

۱۰- يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

۱۱- أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا نُحْرَةً

(منکرین قیامت از حیات دوباره تعجب کرده چنین می‌گویند) آیا ما پس از مرگ دوباره حیات یافته به حال اول حیات خواهیم بود؟ و در جایی دیگر از تفسیر می‌گوید خداوند اعتقاد و گفتار کفار را بیان می‌فرماید: می‌گویند آیا محققاً ما در راهی که از آن گذشته‌ایم باز گردانده می‌شویم؟ (یعنی دوباره به زندگی برمی‌گردیم). آیا آن گاه که استخوان‌های پوک و پوسیده شدیم آن وقت حیات یافته، مبعوث می‌شویم.

اشکال عموم منکران حشر و نشر در تمام جهان و در جمیع ادوار و اعصار همین است که چگونه پس از مرگ و متلاشی شدن

همه‌ی اعضا و اندام بدن، حتی پوک و پوسیده گشتن استخوان‌ها، که محکم‌ترین اجزاء تن ما هستند و پراکنده شدن ذرات خاکمان، دوباره زنده خواهیم شد و این مطلب به نظرشان عجیب و بلکه محال می‌آمده است.

۱۲- قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ:

(بعد از این سخنان به طور استهزاء) گفتند: اگر سخنان (محمد ﷺ) صحیح باشد و قیامت واقع شود، آن وقت حیات دوباره‌ی ما بازگشت زیان‌بخش خواهد بود (زیرا ما قیامت را تکذیب می‌کردیم).

۱۳- فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ:

۱۴- فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ:

مشرکین، حیات دوباره و حضور در محشر را برای خدای تعالی امر مشکل و دشوار محسوب نکنند در حقیقت حیات دوباره‌ی آن‌ها موقوف به صوتی است که به قدرت ما ایجاد می‌شود همین که از طرف ما صوتی ایجاد شده و دعوت شدند استخوان‌های پوسیده آن‌ها و خاکشان حیات یافته ناگهان، روی زمین هموار و سفید

حاضر می شوند.

توضیح:

چون رسول خدا ﷺ از تکذیب مردم و قبول نکردن قرآن دلگیر و محزون شدند خدای تعالی جهت تسلی آن حضرت ضمن آیات بعدی قصه‌ی موسی (ع) را با فرعون ذکر می کند.

۱۵- هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى:

(یا محمد ﷺ) آیا حکایت موسی (ع) و فرعون به تو رسیده است؟ (یعنی باید به احوال آن‌ها مطلع شوی تا برای تو تسلی حاصل آید)

۱۶- إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى:

زمانی که خدای تعالی، پروردگار موسی (ع)، در وادی مقدس به نام «طوی» دامنه کوه سینا او را ندا کرد.

۱۷- أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى:

(بعد از ندا کردن به او امر کرد ای موسی (ع) در حقیقت فرعون (در مصر) طغیان کرده است برو او را از کفر و ضلالت به طرف ما دعوت کن.

۱۸- فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ:

(ای موسی^(ع) برو به فرعون) بگو آیا رغبت داری که از شرک و کفر پاک و منزّه شوی؟ (با زبان ملایم او را به طرف ما دعوت کن)

۱۹- وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ:

و (باز به فرعون بگو آیا مایل هستی که) تو را به طرف پروردگارت خدای تعالی هدایت کنم تا این که از او بترسی و حذر نمایی از سرکشی و نافرمانی موسی^(ع) به حکم خداوند نزد فرعون رفت و تبلیغ رسالت کرد و او معجزه طلبید.

۲۰- فَأَرْسَلْنَا إِلَيْكَ الْكُفْرَىٰ:

(فرعون از موسی^(ع) برای صدق نبوتش طلب معجزه نمود) پس (موسی^(ع)) دلیل و برهان بزرگی به او نشان داد (که تبدیل عصا بود)

۲۱- فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ:

فرعون قبول برهان نکرده موسی^(ع) را تکذیب نموده بعد از علم به صحت نبوت او، به خدای تعالی عاصی شد یعنی وقتی که دید عصا ازدها شد چون ساحران دربار خودش که عصایشان را مار می نمودند، گفت این از جانب خدا نیست بلکه سحر موسی^(ع)

است.

۲۲- ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى:

سپس (از موسی ^(ع)) روی بگردانید با شتاب (و در بطلان امر او به جهد و کوشش برخاست.) و گویند بترسید از اژدهای موسی ^(ع) و پشت کرد و می‌شتافت برای گریختن.

۲۳- فَحَشَرَ فَنَادَى

۲۴- فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى:

ساحرین و قوم خود را جمع کرده (ما بین آن‌ها مانند خطیبی) به آن‌ها خطاب کرده گفت پروردگار بلند مرتبه‌ی شما منم (غیر از من برای شما خدایی نیست سخنان موسی ^(ع) را قبول نکنید) در تفسیر آمده که ابلیس این سخنان را شنید گفت: من طاقت شنیدن این کلام را ندارم چون من که دعوی برتری بر آدم کردم این بلا به من رسید او که چنین لافی می‌زند کار او به کجا می‌رسد؟

۲۵- فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرِةِ وَالْأُولَى:

همین که (فرعون) عاصی شد خدا او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار نمود (در دنیا غرق کرده و در آخرت سوزانید).

در تفسیر آمده شیخ رکن‌الدین علاء الدوله (قدس سره) فرمود: وقتی مرا حال گرم شد به زیارت حسین منصور حلاج رفتم و چون او را زیر نظر قرار دادم روح او را در مقام اعلی یافتم از علیین مناجات کردم که خدایا این چه احوال است که فرعون انا ربکم الاعلی گفت. و منصور اناالحق، هر دو یک ادعا کردند ولی روح منصور در علیین است و روان فرعون در سجین پس به من ندا رسید که فرعون به خودبینی افتاده همه خود را دید و ما را گم کرده و منصور ما را دید و خود را گم کرد پس میان این ادعا فرق بسیار است.

نظم:

گفت فرعونی اناالحق گشت پست

گفت منصوری اناالحق پس برست

این آنا را رحمت‌الله ای محب

و ان آنا را لعنت‌الله در عقب

۲۶- إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن تَخَشَّى:

در حقیقت در نزول عذاب به فرعون و قوم او و هلاکت آنها برای اشخاصی که از خدای تعالی خوف می‌کنند عبرت است (باید عبرت گیرند و در اطاعت خدای تعالی قائم و ثابت باشند آیا

مشرکین و عاصیان از این قصه‌ها عبرت نمی‌گیرند؟)

۲۷- **ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا**

۲۸- **رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا**

۲۹- **وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا**

۳۰- **وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا**

۳۱- **أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا**

۳۲- **وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا**

۳۳- **مَتَعًا لَكُمْ وَلِيَأْتَعْمِكُمْ**

در آیات پیشین از منکران بعث و حشر و غفلت و سرکشی آن‌ها گفت‌وگو شد در این آیات به اقامه‌ی دلیل و برهان می‌پردازد نخست از آن‌ها سؤال می‌فرماید که شما این آسمان عظیم و پر ستاره را می‌بینید؟ خودتان را با آن بسنجید تا حقارت و کوچکی خویش را بهتر بفهمید ضمناً باید توجه داشت که انبیاء معمولاً به صورت سؤال (روش استفهامی) با مردم سخن می‌گویند تا آنان را به تفکر وادارند و خردها را

بیدار و فطرت دینی آنان را روشن سازند تا خود آنها با آنچه می بینند و می شناسند به وجود پروردگار پی ببرند و دلیل و برهان بیابند.

چون کفار محال می شمردند که قدرت و نیرویی بتواند استخوانهای پوک و پوسیده را زنده کند و به ذرات پراکنده‌ی بدن دوباره حیات بدهد و بدّمَد. خداوند برای نشان دادن قدرت بی‌مُتتهای خود می فرماید به این آسمان پهناور بنگرید که هم چون بنایی عظیم و سقّی بلند است با قندیل‌های روشنی‌بخش و رنگی زیبا و فرح‌زا و برای دیدگان بی‌ضرر و هر یک از اجرام در جای و مدار خویش با نظمی شگفت‌انگیز به نفع شما در گردشند خورشید در موقع خود بدون ثانیه‌ای پس و پیش شدن طلوع می‌کند و روز را به وجود می‌آورد و با همین نظم غروب می‌کند و شب فرا می‌رسد. در این موقع ماه و ستارگان آسمان را زینت کرده بر زمین نورافشانی می‌کنند. علاوه بر این‌ها زمین هموار و مسطح است تا کشت و زرع و خانه ساختن برایتان آسان باشد، از زمین آب‌های باران و برف را که مانند آب انبارهای بزرگ و متعدد در آن ذخیره شده و توسط چشمه‌ها و رودها

تفسیر آسان قرآن کریم

و چاه‌ها و کاریزها بیرون می‌آید و نیز انواع رویدنی‌ها از اشجار و درختان میوه دار و حبوبات و دیگر رُستنی‌ها را ظاهر می‌سازد و کوه‌ها را که برای نگهداری آب‌ها در درون، و برف و یخ‌ها در بیرون، مخزنی بزرگ و ذخیره‌ای عظیم برای آب است علاوه بر فوائد بسیار دیگر از انواع سنگ‌های ساختمانی و قیمتی و معادن گرانبها و تأثیر در بهبودی هوا و جلوگیری از اضطراب و تزلزل زمین، آری کوه‌های پر سود را پا برجا ساخت. تمام این‌ها از نور ستارگان تا آب درون زمین همه و همه برای تمتع و بهره‌برداری شما و چهارپایانتان است و خود آن چهارپایان نیز برای شما هستند به همین جهت فرمود چهارپایانتان.

آنچه قرآن کریم همواره یادآوری می‌فرماید ارتباط محکم و شدید میان زمین و آسمان بلکه میان همه‌ی موجودات و کائنات است. فاصله‌ی زمین تا خورشید و فاصله‌ی میان تمام ستارگان و منظم بودن مدار، هر یک تا تصادفی واقع نشود. تابش خورشید و بخار شدن و متصاعد گشتن آب و بعد تقطیر بخار در آسمان که به صورت باران و برف به زمین بیارد و راندن باد، ابرها را تا زمین‌های مرده و دور از دریا را

زنده کند، خلاصه این ارتباط عجیب همه را یک دستگاه و یک بنا ساخته و از این جهت لفظ «بناء» به کار رفته است پس چه مهربان و بزرگ است خداوندی که ما و حواسمان را بدانسان خلق نمود که روی این گوی چرخنده، احساس آسایش و آرامش می‌کنیم و از مناظر زیبای خورشید و ماه و ستارگان لذت می‌بریم و در خود احساس نشاط و سرور می‌نماییم. پس ای منکران آیا چنین قادر متعالی از زنده ساختن مردگان عاجز است؟

اگر باز هم در انکار اصرار می‌ورزید و دیدگانتان این همه آثار حق و آیات پروردگار را نمی‌بیند؟ پس سرگرم بازی‌های زندگی باشید تا روز کیفر.

۳۴- فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ

۳۵- يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ

۳۶- وَبُرُزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ

۳۷- فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ

۳۸- وَءَاثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

۳۹- فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

۴۰- وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ ۖ وَنَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

۴۱- فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

در این آیات مجدداً از رستاخیز یاد می‌فرماید و قیامت را «طامه‌ی کبری» می‌نامد.

طامه: به معنی غالب و عالی است یعنی مصیبت و بلایی که قوی‌تر و برتر از همه بلاها و مصیبت‌ها است آن را به وصف کبری یعنی بزرگ‌تر وصف می‌فرماید تا اهمیت و عظمت و شدت فوق‌العاده آن روز را برساند. در آن روز دوزخ در معرض دید همه قرار گرفته و آدمی به یاد اعمال گذشته خود که در دنیا انجام داده می‌افتد در این آیات فقط جهنم را ذکر می‌کند و از بهشت ساکت است چون در آیات پیش سخن از فرعون و طغیان‌ش بود که تعریض به کفار قریش داشت و بعد هم در استدلال بر توانایی پروردگار برای احیای اموات روی خطاب با منکران قیامت بود ولی در بیان فرجام کار مردم هم دوزخیان و هم بهشتیان هر دو را نام می‌برد و دو صفت برای هر کدام می‌آورد: درباره‌ی دسته‌ی اول

میفرماید طغیان و ترجیح دنیا بر آخرت، آنان را به آتش کشاند. لفظ طغیان در لغت به معنی تجاوز از حد است خواه در فکر و عقیده و خواه در رفتار و کردار. طاغی کسی است که در کفر و الحاد و هم در فسق و فجور اندازه نگاه ندارد اما ترجیح و ایثار زندگی دنیا همان عشق ورزیدن به آن و خود را وقف کار دنیا کردن است چنین کسی به هر جنایتی می‌پردازد، چنان که پیغمبر ﷺ فرمود عشق دنیا سرچشمه‌ی هر گناه است. پس تمام فسادها در این دو کلمه‌ی کوتاه گنجانده شده. (حُب الدنیا رأس کل خطیئه)

اعتقاد صحیح و فکر صائب و هم تقوی و صلاح در عمل را در دو عبارت موجز بیان فرمود و آن دو ترس از خدا، و خودداری از هوی می‌باشد. خوف از ایستادن در پیشگاه عدل الهی یا از عظمت و جلال پروردگار (بر حسب دو معنی لفظ مقام در آیه) منحصر به علماء است. وقتی از روی علم حقیقی معرفت و از معرفت ایمان حاصل شد قهراً شناخت خدا و باور داشتن ذات مقدسش موجب خشیت و خوف می‌گردد و ترس واقعی از قادر متعال، انسان را از هوس‌های نفسانی باز می‌دارد چنین کسی قطعاً مرتکب گناه نمی‌شود. بعد از بیان حال نیکان و بدان و ذکر قیامت به پاسخ سؤال بی‌جای کفار و مشرکین می‌پردازد که وقتی سخن از حشر و نشر

تفسیر آسان قرآن کریم

می شد اینان می پرسیدند آن روز کی و چه موقع خواهد بود؟
خداوند می فرماید: آنچه وظیفه است ایمان به چنین روزی است
ولی دانستن زمان آن برای شما نه ممکن است و نه مصلحت و این
علم اختصاصی خود پروردگار است و از علوم غیبی است که حتی
پیغمبر ﷺ از آن بی بهره است.

۴۲- يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا

۴۳- فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا

۴۴- إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَىٰ

۴۵- إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن تَخْشَىٰهَا

۴۶- كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحًىهَا

همواره افراد و اشخاص فضول پرسش هایی بی جا می کنند که یا
سؤالاتشان جواب ندارد یا جوابش به حال آنها مفید نیست. مکرر
شخص پیغمبر و خاندان جلیلش و جانشینان او، مردم را از این
گونه پرسش ها منع می فرمودند و آنها را متوجه می ساختند که هر
چه را خدا و رسولش فرموده اند بگیری و به کار بندید و هر چه در
قرآن و سنت یاد نشده رها کنید. خدا و رسولش لازم نبوده و

مصلحت ندیده‌اند که آن‌ها را یاد کنند. داستان سؤالات بی‌جای بنی‌اسرائیل راجع به گاوی که مأمور کشتنش شدند در اولین سوره‌ی قرآن بعد از سوره‌ی حمد (که به مناسبت همین قصه این سوره، بقره نامیده شد) برای تعلیم همین دستور است.

از جمله سؤالات بی‌جا، پرسیدن از زمان قیامت است که به تکرار، پرسش می‌کردند و مکرر این پرسش‌ها در قرآن نقل شده است به حدی که برخی از مفسران گفته‌اند پیغمبر ﷺ به منظور جلب موافقت آن‌ها به اسلام، مایل بود خداوند وقت آن را به وی بفرماید تا آن بزرگوار هم به آن‌ها ابلاغ کند. اینجا خداوند می‌فرماید: اینان از موقع قیام ساعت از تو می‌پرسند چرا تو به یاد آن می‌افتی و می‌خواهی ساعت و وقت آن را بدانی؟ به وظیفه‌ی تو ارتباطی ندارد (این خطاب به پیغمبر برای اینست که تکلیف دیگران مشخص شود) منتهای علم آن به سوی پروردگار راجع است و علم غیبی است که فقط به او منتهی می‌شود و باز می‌گردد. وظیفه‌ی تو فقط این است که کسانی را که در نتیجه‌ی تعقل صحیح ممکن است دیندار و خائف از قیامت شوند بیم دهی. آری آن روز که قیامت به پا شود چنان این زندگی پست چند

تفسیر آسان قرآن کریم

روزه در نظرشان کوچک می‌آید که گویا چند ساعتی بیش نبوده است شامگاهی و یا چاشتگاهی حتی نه یک روز تمام. حال هر چند می‌خواهند به این حیات عاریتی موقت مشغول و مغرور شوند.

حمد خدای را که تفسیر سوره‌ی «النازعات» تمام شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس سوره‌ی **النازعات** را قرائت کند خدای تعالی او را در قبرش زیاده از مدت خواندن نماز نگه نداشته داخل جنت می‌شود.

سوره نبأ

﴿در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر چهل آیه می باشد﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾
 كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ﴿٦﴾
 وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾
 وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ
 سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ
 مَاءً ثَمَّاجًا ﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾ إِنَّ
 يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ
 أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ
 فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِلطَّغْيِينِ مِئَابًا ﴿٢٢﴾

لَسِيْثِيْنَ فِيْهَا اَحْقَابًا ﴿٢٢﴾ لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ اِلَّا حَمِيْمًا
وَعَسَاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾ اِيْنَهُمْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾
وَكَذَّبُوْا بِعَايَتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنَاهُ كِتٰبًا ﴿٢٩﴾
فَذُوْقُوْا فَلَنْ نَّزِيْدَكُمْ اِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ مَفٰزًا ﴿٣١﴾ حٰدِثِيْقَ
وَأَعْنَبًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ اُتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا
لَغْوًا وَلَا كِذٰبًا ﴿٣٥﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ لَا يَمْلِكُوْنَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُوْمُ
الرُّوْحُ وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا ﴿٣٨﴾ لَا يَتَكَلَّمُوْنَ اِلَّا مَن اٰذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ
صَوَابًا ﴿٣٩﴾ ذٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ ﴿٤٠﴾ فَمَن شَاءَ اٰخَذْ اِلٰى رَبِّهِۦ مَعَابًا ﴿٤١﴾ اِنَّا
اَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيْبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُوْلُ
الْكَافِرُ يَلِيْتَنِيْ كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٢﴾

تفسیر سوره‌ی النبأ (عم)

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱- عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ

۲- عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ

۳- الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ

توضیح:

آورده‌اند که چون حضرت محمد ﷺ آشکارا مردم را به اسلام دعوت فرمود و قرآن را بر خلق خواند و به روز قیامت بیم فرمود. کفار در نبوت آن حضرت ﷺ و نزول قرآن و وقوع بعث اختلاف کردند، از یکدیگر مرتب می‌پرسیدند و یا از حضرت سؤال می‌کردند که حق تعالی فرمود از چه چیز می‌پرسند کافران؟ از خبر بزرگ که آن‌ها در آن اختلاف دارند یعنی قرآن که آن‌ها حضرت را به سحر یا شعر یا مجنون نسبت می‌دهند به قول بعضی از مفسران نبوت آن حضرت ﷺ است که می‌گویند: آیا او پیغمبر است یا نه؟ و یا ساحرست یا شاعر و یا مجنون و بعضی برآنند که آن خبر بعث است و در آن اختلاف داشتند جمعی می‌گفتند که قیامت هست و

تفسیر آسان قرآن کریم

بتان ما را شفاعت می‌کنند و برخی منکر بودند و گروهی شک داشتند در وقوع آن.

۴- كَلَّا سَيَعْمُونَ

۵- ثُمَّ كَلَّا سَيَعْمُونَ

لفظ کلا در قرآن کریم (۳۳ بار) به کار رفته و برخی از مفسرین همه جا آن را به معنی رد و انکار که در مقام آگاه ساختن مخاطب بر بطلان کلام وی گفته می‌شود، یعنی چنین نیست.

نه چنان است که کفار می‌پندارند که توحید و معاد باور نکردنی بوده، بعثت محمد ﷺ و نبوت خاتم بی‌اساس باشد. پس حقا که زود بدانند و باز دوباره می‌گویم که البته نباید پرسند چون به زودی بدانند (این آیه شریفه برای تأکید ترک تکذیب و اختلاف مکرر شد به علاوه رسم فصحای عرب این بود که هر بیت و عبارت برگزیده در چند موضع در قصائد و خطابه‌های خود تکرار می‌کردند و قرآن کریم هم به زبان عرب و بر اصول فصاحت و بلاغت بی‌نظیر نازل شده است.)

۶- أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهْدًا

۷- وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا

آیا ما زمین را مهد و آرامگاه نساختیم (آیا برای شما زمین را منزل و مأوی قرار نداده برای سکونت مقرر نکرده‌ایم تا این که در زمین قرار و آرام گرفته هر امر معیشت را به وجه سهل انجام دهید). اوتاد به معنی میخ‌های بزرگ است.

گفته می‌شود که مرکز زمین آتش مشتعل است که گاهی از دهانه‌ی کوه‌های آتش‌فشانی مقدار کمی از مواد گداخته‌ی درونی به سطح زمین پرتاب شده و شهری عظیم را نابود می‌سازد روی این کره‌ی آتش، پوسته‌ی نازکی است (به نسبت حجم زمین) که جانداران بر آن زندگی می‌کنند در فاصله‌های کم یا زیاد، کوه‌ها قرار دارند که هر قطعه‌ای از قشر زمین به آن‌ها اتصال می‌یابد. اگر کوه‌ها تکیه‌گاهی برای این قطعات مختلف نباشند یکسره سطح زمین بر اثر فشار مواد منفجره از داخل در حرکت و اضطراب می‌افتد و گرفتار زلزله‌های ویران‌کننده و پی‌درپی می‌شود پس خیمه‌ی سطح زمین را میخ‌های محکم کوه‌ها آرام نگه می‌دارد.

و نیز کسانی که اندک اطلاعی از علم هواشناسی دارند می‌دانند که سورت و شدت بادهای هنگامی که به سطح زمین می‌رسد به

تفسیر آسان قرآن کریم

وسیله‌ی کوه‌ها شکسته می‌شود و گرنه همواره بادهای بسیار شدید طوفان‌های عجیب ایجاد می‌کرد و آرامش سکنه‌ی زمین را بر هم می‌زد و درخت‌های بسیار بزرگ را از ریشه می‌کند و جانوران را پرتاب می‌کرد و زندگی را بر همه‌ی زندگان نباتی و حیوانی دشوار بلکه محال می‌ساخت پس به این لحاظ نیز می‌توانیم کوه‌ها را میخ زمین بنامیم که موجب سکون و آرامش سطح زمین و اهل زمین هستند.

۸- وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا:

و به قدرت کامله‌ی خودمان، شما نوع بشر را جفت خلق نمودیم بر طبق تحقیقات و اکتشافات جدید علمی معلوم شده است که نه تنها انسان و حیوان معمولی بلکه حتی حشرات و نیز جمیع نباتات جفت آفریده شده و نر و ماده دارند و از شگفت‌انگیزترین امور این عالم همین جفت‌گیری و لقاح گل‌ها و گیاه‌ها است علاوه بر جانور و گیاه در جمادات نیز جفت بودن و جفت داشتن جاری است جز این که زوجیت در جانداران به نر و ماده تعبیر می‌شود ولی در موجودات بی‌جان به جاذبه و دافعه یا مثبت و منفی و غیرها یکی از معجزات این کتاب آسمانی (قرآن) که بر همه معلوم و

مکشوف می‌گردد که در چهارده قرن قبل مکرر تصریح می‌فرماید که علاوه بر انسان و حیوان، نباتات و گل‌ها و میوه‌ها (درخت‌های میوه) جفت هستند و نر و ماده دارند از جمله در سوره‌ی حج آیه ۶ ، به این مسئله اشاره دارد در سوره‌ی شعرا آیه ۷ ، در سوره‌ی لقمان آیه ۱۰ ، در سوره‌ی ق آیه ۸ ، در سوره‌ی رعد آیه ۴ ، در سوره‌ی الذاریات آیه ۵۰ حال باید از منکران پرسید که آیا جفت داشتن عموم جانداران و گیاهان و جمادات از اکتشاف جدید و تازه نیست و آیا قرآن با صراحت و تکرار آن را یک هزار و چهارصد سال پیش بیان نفرموده است.

ما نمونه‌ای از آیات قرآنی را معرفی نمودیم تا معلوم شود که کسی با تکلف و تأویل چنین مطلبی را به قرآن نبسته است.

۹- وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا:

یعنی بر شما خواب را مسلط ساختیم تا به سبب خواب از هر عمل، قطع تعب کنید برای شما آسایش فراهم شود (لفظ سبات به معنی قطع است و اینجا منظور قطع رنج و تعب است که لازمه قطع راحتی تن است) یعنی خواب را باعث قطع حواس از ادراک و احساس و تعطیل کار و فعالیت شما ساختیم تا با آن تجدید قوا

تفسیر آسان قرآن کریم

نموده با نشاط و راحتی به کار پردازید.

به راستی خواب از نعمت‌های بزرگ پروردگار است و اگر نبود نیروها و اعصاب به سرعت فرسوده می‌شد و از کار می‌افتاد. بدترین شکنجه‌ای که بتوان برای کسی تصور کرد همین جلوگیری از خواب است.

و از فواید معنوی آن انقطاع از این عالم است که ما را به طور منظم و مستمر به یاد خواب ابدی و انقطاع کلی می‌اندازد زیرا خواب برادر مرگ است. به علاوه رؤیای صادقانه که برخی از آن‌ها فوق‌العاده شگفت‌انگیز است وجود جهانی دیگر را برای آن‌ها که درک و دقت و انصاف دارند به روشنی اثبات می‌نماید چنان‌که بسیاری از دانشمندان از طریق خواب‌هایی که وقایع مدت‌ها بعد جزء به جزء در آن‌ها دیده می‌شود کتاب‌ها، در اثبات روح و مابعدالطبیعه نوشته‌اند. هم‌چنین بیدار شدن از خواب، برخاستن از گور را در قیامت به یاد می‌آورد. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «همان طوری که می‌خوابید می‌میرید و هم چنان که از خواب بیدار می‌شوید برانگیخته خواهید شد.»

۱۰- وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا:

و شب را برای شما به منزله‌ی پوششی قرار دادیم (همان طور که لباس بدن را می‌پوشاند شب هم شما را پوشانیده با اعمال مخفی خودتان مباشر می‌شوید).

همان طور که مادری دلسوز یا پدری مهربان وقتی کودک بازیگوش را می‌خواهد بخواباند تا سلامت و نشاطش محفوظ ماند و در بازی بیش از حد قوایش را به هدر ندهد رویش را با پتو یا لحافی می‌پوشاند پروردگار مهربان‌تر از پدر و مادر آدمیزاد و بسیاری از جانوران را با پوشاک شب می‌پوشاند تا از لُهو و لعب زندگانی و تلاش معاش آن‌ها بیش از حد لزوم جلوگیری کند.

۱۱- وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا:

و روز را برای شما زمان معیشت قرار دادیم (تا این که به کسب و کار و انجام حوائج مشغول شده در روشنی روز از غش و حیلۀ در امان باشید)

چون سخن از شب و روز به میان آمده قهراً افکار و اذهان متوجه آسمان می‌شود که همین جرم نورانی عظیم آسمانی است که با طلوعش روز را به وجود می‌آورد و با غروبش شب را و در این

تفسیر آسان قرآن کریم

هنگام سایر اجسام تابان آسمانی از ماه و ستارگان مجال جلوه‌گری می‌یابند این است که پس از بیان فائده‌ی شب و روز می‌فرماید:

۱۲- وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا:

و هفت آسمان استوار بالای سر شما ساختیم که این هفت طبقه باعث حیات صاحبان روح و نمو نباتات است.

۱۳- وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا:

و برای شما در آسمان آفتاب متألؤ را چراغ شعله‌ور درخشان قرار دادیم. بعد از بیان آماده شدن مسکن و سقف آن اینک چراغی در سقف قرار می‌دهد تا به زندگی همگان گرما و روشنی بخشد. هزاران موجبات فراهم آمده تا ما از نور زیبا و حیات‌بخش و مفرح خورشید بهره‌مند شویم اگر فاصله‌ی زمین تا خورشید زیادتر یا کمتر از آنچه هست می‌بود و اگر حرکت زمین کندتر یا تندتر می‌شد و اگر... و بالاخره اگر به جای خورشید دیگری از این ستارگان فراوان قرار می‌گرفت زندگی حیوان و نبات محال می‌شد چه در میان میلیون‌ها ستاره تنها و تنها خورشید ما است که برای ایجاد حیات مناسب می‌باشد.

۱۴- وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا:

از ابرهائی که به وسیله‌ی بادهای فشرده شوند برای شما آبی
بشدت ریزان نازل کردیم.

عصر:

به معنی فشردن است مثل کسی که جامه‌ای را می‌فشارد و از آن
آب می‌ریزد به این مناسبت ابرها را معصرات نامید.

ثج:

به معنی پی‌درپی و به شدت ریختن است بعد از آن که مسکن و
همسر و وسیله‌ی آسایش و نور را برایمان فراهم فرمود با نزول
باران خوراکمان را آماده می‌سازد (از ابرها آبی سخت ریزان فرو
فرستادیم) نیاز جانداران به آب بیشتر و بیشتر از همه چیز است ولی
باران علاوه بر تأمین آب آشامیدنی موجب تهیه شدن دیگر
خوراک‌ها است از این قرار.

۱۵- لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا

۱۶- وَجَنَّتٍ أَلْفَافًا

تا این که به سبب آن آب حبوبات و سایر نباتات و درختان در

تفسیر آسان قرآن کریم

هم پیچیده و باغات انبوه پدید آوریم (تا شما از آن‌ها برخوردار شوید همه‌ی این‌ها را به قدرت کامله‌ی خودمان برای شما ایجاد کرده‌ایم آیا به این‌ها به دقت نگریسته فکر و تأمل کرده به توحید و قدرت ما قائل می‌شوید؟)

۱۷- إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَتًا

برای این دنیا (عمر) معینی هست در حقیقت روز قیامت در حکمت و تقدیر خدای تعالی برای دنیا آخر وقت است (آن وقت اجزاء کره‌ی ارض متفرق شده به صورت دیگری داخل گشته عمر دنیا تمام می‌شود)

پروردگار متعال بعد از آن که آثار قدرت و حکمت خود را در موجودات محسوس این جهان و وجود خود آدمی نشان داد به وصف روز جزا می‌پردازد تا به کفار بگوید آیا همان قدرت لایتناهی که در آفرینش این جهان خود را آشکار ساخته از تجدید آن و از زنده ساختن مردگان ناتوان است؟

در همه‌ی قرآن وصف قیامت با تکرار و تأکید و سوگند و اصرار فراوان آمده است. فقط گاهی به اثبات و استدلال و اقامه دلیل پرداخته است برخلاف اثبات توحید که مکرر به

ذکر دلیل و برهان و ارائه آیات قدرت و حکمت پروردگار می‌پردازد زیرا با قبول توحید امر معاد حل شده و بدیهی است این است که در این کتاب الهی یا قبل از تشریح و توصیف رستاخیز یا بعد از آن به ذکر نشانه‌های دانش و توانایی پروردگار می‌پردازد و در حقیقت ادله‌ی وجود پروردگار یگانه دانا و توانا عیناً دلیل وجود معاد نیز می‌باشد.

فصل:

به معنی جدا کردن است به داوری (قضاوت) نیز گفته می‌شود، زیرا قضاوت و حکم ذیحق و بی‌حق یا لااقل حاکم و محکوم را از هم جدا می‌کند و روز قیامت نیز به لحاظ جدا شدن حق از باطل، یوم‌الفصل نامیده شده. لفظ میقات به معنی وقت مقرر و موعد معین و مکانی است که وقت اجتماع در آن تعیین شده.

۱۸- یَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا:

در آن روز (روز قیامت) به صورت‌ها روح دمیده می‌شود شما نوع بشر به دسته‌های مختلف در محشر حضور خدای تعالی وارد می‌شوید.

۱۹- وَفَتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا:

تفسیر آسان قرآن کریم

معنی این که آسمان به صورت درها درمی آید این است که کرات آسمانی از هم می پاشد. دیگر نه کره‌ای و جسمی و نه مداری و نه منطقه‌ی نفوذ و قدرتی برای اجرام آسمانی می ماند که هر چه در آن قرار گیرد با نیروی جاذبه به طرف آن‌ها کشیده شود و نه جوی که هر شیئی را به رنگ خود درآورد امروز وقتی یکی از ستارگان دنباله دار در آسمان ظاهر می شود وحشت و هراس همه را فرا می گیرد چون ممکن است با تصادم با کره‌ای دیگر ایجاد خطری عظیم کند ولی آن روز موانع و حواجزی در سراسر آسمان وجود نخواهد داشت.

۲۰- وَسَيَّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا:

در بیابان‌های وسیع و زمین‌های هموار که در عربی «قاع و قاعه» نامیده می شود از دور به نظر می رسد که آب فراوانی در جریان است بدون آن که قطره‌ای از آب وجود داشته باشد این آب موهوم را در عربی سراب و در فارسی آب نما یا کور آب می نامند. پس معنی آیه فوق و از شدت زلزله کوه‌ها از جای خود حرکت داده شده و چیزی بمانند سراب گردند.

۲۱- إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

۲۲- لِّلطَّغِيۡنِ مَعَابًا:

مرصاد: هم به معنی کمینگاه و هم سخت کمین کننده، پس معنی آیه چنین است که به درستی دوزخ (برای عاصیان) کمینگاهیست (که در آنجا انتظار آن‌ها کشیده می‌شود) و جهنم برای گناهکاران و عاصیان محل بازگشت شود.

قرآن به ما می‌آموزد که جمیع افراد بشر به جهنم وارد خواهند شد منتها بدکاران در آن می‌مانند و نیکان از آن عبور می‌کنند و به بهشت وارد می‌شوند پس راه بهشت نیز از طریق دوزخ است.

۲۳- لَبِثۡنَ فِيهَاۤ اَحْقَابًا:

در جهنم زمان ممتد و سالیان دراز در عذاب خواهند بود.

۲۴- لَا يَذُوقُوۡنَ فِيهَاۤ اَبۡرًاۙ وَلَا شَرَابًا

۲۵- اِلَّا حَمِيۡمًا وَّغَسَّاقًا:

بردل:

به معنی سردی است. در این آیه نیز همین معنی درست می‌آید یعنی اهل دوزخ نه سردی بر تخفیف گرمی جهنم و نه شرابی برای تسکین تشنگی خود دارند. به معنی خواب نیز می‌آید (چون در

تفسیر آسان قرآن کریم

خواب بدن سرد می‌شود) که دوزخیان از این نعمت هم محرومند.

حمیم:

آب داغی است که سخت به جوش آمده باشد و غساق از غسق به معنی سال و انصب (روان شد و ریخت) می‌آید و در اینجا به معنی چرک و خون و عرق و سایر کثافتاتی است که از بدن دوزخیان جریان و سیلان دارد پس مفهوم آیه این است که جز آب جوشان و چرک و خون، آشامیدنی دیگری برای دوزخیان نیست.

۲۶- جَزَاءٌ وِفَاقًا:

این عذاب در خور کردار و جزای اعمال آنهاست چون جزای چنین تجاوز از همه‌ی حدود در پندار و گفتار و کردار باید متناسب یعنی بی حد و اندازه باشد.

۲۷- إِيَّاهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا:

چون قبلاً خداوند فرمود که دوزخ و محرومیت از خواب و آب، کیفری موافق عقیده و عمل آنهاست حال می‌فرماید اما علت این عذاب برای آنان این است که نه ترس از حساب از کار زشتشان مانع می‌شد و نه امید به روز حساب به خیرشان وامی‌داشت و باز علت نبودن بیم و امید در آیه‌ی بعد بیان می‌شود:

۲۸- وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا:

آنان آیات ما را به شدت تکذیب می کردند و تکذیب آیات قرآن موجب از میان رفتن امید و بیم آنها نسبت به محاسبه و مؤاخذه الهی و تجری بر عصیان و کفران بود (و لذا در آخرت عذاب ما شامل آنها خواهد بود).

۲۹- وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا:

و هر چیزی را (از اعمال و اقوال آنها) ثبت و ضبط کردیم ثبت کردنی نوشته شده یا در حالی که نوشته شده است. ما نه می دانیم و نه موظف به دانستن کیفیت کتابت پروردگار هستیم که در نامه‌ی عمل هر کس یا در لوح محفوظ نیک و بد اعمال و عقاید را چگونه کتابت می فرماید. همین قدر می دانیم که نوشتن خداوند دقیق تر و ثبت و ضبطش جامعتر و پایدارتر است.

۳۰- فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا:

(مشرکین و عاصیان روز قیامت به عذاب گرفتار شده به آنها گفته می شود) این عذاب را بچشید و خاطر جمع باشید برای شما غیر از عذاب چیزی زیاد نخواهیم کرد (از بخشوده شدن امید خود

تفسیر آسان قرآن کریم

را قطع و به عذاب ابدی یقین کنید) در خبر آمده که این آیت سخت‌ترین آیه‌ی عذاب است برای دوزخیان.

۳۱- إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

۳۲- حَدَاقٍ وَأَعْنَابًا:

به درستی که برای پرهیزکاران است رستگاری از عذاب و یا جای فوز و فلاح که آن باغ‌هایی است که درختان میوه‌دار و درختان انگور و هم‌چنین برای آن دسته (پرهیزکاران) رهایی و رستگاری از هر سختی و هر نوع نامالایمات و هم پیروزی بر هر فرد، هدف و غرض و کامیابی از هر خواسته و آرزو را می‌فهماند.

۳۳- وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا:

و هم‌چنین برای آن‌ها دختران نار پستان همه همزاد زیباروی آماده است (برای اشخاصی که اسیر شهوت نفسانی شده‌اند بشارت باد)

کواعب:

به معنی گرد پستان و نار پستان است.

۳۴- وَكَأْسًا دِهَاقًا:

و جام‌هایی لبریز از شراب ناب بهشتی پی‌درپی برای پرهیزگاران آورده می‌شود چون لفظ شراب بر حسب عرف و عادت یاوه‌گویی را به ذهن می‌آورد در آیه‌ی بعد به ما می‌فهماند که در شراب طهور این مضرات و معایب نیست.

۳۵- لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا بَأًا:

بهشتیان با می‌گساری، گسیخته‌افساری ندارند بلکه همه وقت به کلام حق تکلم کرده و همدیگر را تصدیق می‌کنند. (و یا بهشتیان با صرف شراب سخنان بی‌معنی و چرند، از هم نمی‌شنوند و نیز کسی دیگری را دروغگو نمی‌شمارد و نسبت دروغ به او نمی‌دهد همه به هم راست می‌گویند و سخن یکدیگر را باور دارند و راست می‌شمارند چه درس آموزنده‌ایست تا آن‌ها که امید رفتن به بهشت دارند چنین باشند.)

۳۶- جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا:

چه تعبیراتی و چه تعلیماتی است، عذاب دوزخیان و نعیم بهشتیان را بیان فرموده، و در هر دو مورد از جزا و حساب نام برد تا به مسلمین بیاموزد که خداوند نه با کسی دشمنی دارد و نه خویشی، او با همه مهربان است و بهر

تفسیر آسان قرآن کریم

کاری توانا ولی جز به عدالت کار نمی‌کند و جز به حق حکم نمی‌دهد وقتی به جای عدل با فضل نسبت به بندگان معامله فرماید باز هم بی‌قاعده و بدون مبنا نیست.

۳۷- رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا:

یعنی هیچ یک از اهل آسمان‌ها و زمین حتی فرشتگان مقرب و ارواح عالیه و پیامبران و اوصیاء آنها در آن روز قدرت گفت‌وگو و حق سخن گفتن ندارند مگر به اذن و اجازه‌ی پروردگار.

۳۸- يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا:

آن روزی که (روز قیامت) روح و ملائکه صف کشیده در حضور رب‌العالمین بایستند در آن روز اهل محشر قادر به سخن گفتن نمی‌شوند مگر کسی که به او اذن سخن گفتن و شفاعت کردن بدهند و در سخن گفتن نیز سخنان حق بگوید. «جز چنین شخصی دیگران به سخن گفتن قادر نمی‌شوند.»

۳۹- ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اخذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا:

روز قیامت روز حق است البته واقع خواهد شد هر که بخواهد روز قیامت به طرف پروردگار خود رجوع کرده و طریقه‌ی رهایی از عذاب را اخذ کند.

۴۰- إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلِيَّتَنِي كُنْتُ تُرَابًا:

(ای کفار و عاصیان) در حقیقت این بیم دادن از عذاب نزدیک یا مربوط به مرگ است زیرا همین که روح از بدن جدا شد آنچه از عذاب و عقاب در انتظارش می‌باشد اجمالاً برایش مکشوف می‌شود و جایگاه خود را در جهنم یا بهشت می‌بیند و آن که دوزخی است از وقت مرگ در رنج و عذاب آینده‌ی خویش است یا ترساندن از قیامت است و قریب بودنش به اعتبار وقوع حتمی آن است. در آن روز کافر آرزو می‌کند که کاش جمادی پست مانند خاک بوده که مکلف نمی‌بود و گرفتار چنین بدبختی نمی‌شد.

له الحمد تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی عم «نبأ» تمام شد.

تفسیر آسان قرآن کریم

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر شخصی سوره‌ی عم را قرائت کند خدای تعالی روز قیامت به او شراب خنکی می‌نوشاند که حرارت روز قیامت به او تأثیر نمی‌کند.

ترتیب ۱۱۴ سوره‌ی قرآن به طریق منظوم

بَعْدِ حَمْدٍ وَ بَقَرَةَ عِمْرَانَ نِسَاءً وَ مَائِدَةً
أَزِ نَعَمِ أَعْرَافِ نَفْلٍ وَ تَوْبِهِ بِيَسْتَانَ فَائِدَةً
بَعْدِ يُونُسَ هُودٍ وَ يُوسُفَ رَعْدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ حِجْرَ
نَحْلٍ وَ إِسْرَى كَهْفٍ وَ مَرْيَمَ سُورَةَ طِهٍ بِذِكْرِ
أَنْبِيَاءِ حَاجِ مُؤْمِنُونَ خَوَانَ نُورٍ وَ فُرْقَانَ شَعْرًا
نَمَلٍ وَ قِصَّةِ عَنكَبُوتٍ وَ رُومٍ وَ لُقْمَانَ سُجْدَةَ رَا
حِزْبُ وَ سَبَا فَاطِرٍ وَ يَاسِينَ صَفِّ وَ صَادِ زُمَرٍ
مُؤْمِنٍ وَ مِصَاحِ وَ شُورَى زُخْرَفِ دُخَانَ وَ هَمَّ زَبْرٍ
جَاثِيَةَ أَحْقَافِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ دِغْرِ فَتْحِ وَ حَجْرَ
قَافِ مِيدَانَ ذَارِيَاتِ وَ طُورِ هَمَّ نَجْمِ وَ قَمَرِ
بَعْدِ رَحْمَنِ وَاقِعَهُ بَعْدَشِ حَدِيدِ اسْتِ وَ جَدَالِ
حَشْرِ بَعْدَشِ امْتِحَانِ صَفِّ جُمُعِهِ بَا عِزِّ وَ جَلَالِ

پس مُنَافِقٍ پَسِ تَغَابُنِ بَعْدِشَانِ بَاشَدِ طَلَاقِ
بَعْدِ اَزْ اَنِ تَحْرِيمِ وَ مُلْكِ وَ نُونِ بَعْدِ اَيْنِ سَهْ حَاقِ
پس مَعَارِجِ نُوحِ وَ جَنَّ تَزْمِيلِ وَ تَدَثِيرِ وَ قِيَامِ
دَهْرِ وَ مُسْلِ پَسِ نَبَاِ نَاذِعِ عَبَسِ تَكْوِيرِ نَامِ
فِطْرِ وَ طَفٍّ وَ شَقٍّ وَ بُرْجٍ طَلْرِقِ اَعْلَى الْعُلَى
غَاشِيَهْ فَجْرٍ وَ بَلَدِ شَمْسِ اَسْتِ وَ لَيْلِ اَسْتِ وَ ضَحَى
اِنْشِرَاحِ وَ تَيْنِ عَلَقِ قَدْرِ اَسْتِ بَعْدِشِ بَيْنَهْ
بَعْدِ اَزْ اَنِ زَلْزَالِ مِيْدَانِ عَادِيَاتِ وَ قَارِعَهْ
پَسِ تَكَاثِرِ عَصْرِ وَ هَمْزَهْ وَ فَيْلِ اِيْلَافِ اَسْتِ حَصْرِ
بَعْدِ مَاعُوْنِ كُوْثَرِ اَسْتِ وَ كَافِرُوْنِ رَا بَعْدِ نَصْرِ
اَزْ لَهَبِ اِخْلَاصِ مِيْدَانِ وَ فَلَاقِ خَمْتِشِ بِنَاسِ
بَحْثِ خْتَمِ سُوْرَهْهَآ اَزْ شَرْحِ مِيْكَنِ اِقْتَبَاسِ